



شاخصه‌های مجلس در تراز بیانیه گام دوم انقلاب  
از منظر امام خامنه‌ای

مجلس والگوی سیاست خارجه آن در اندیشه سیاسی آیت‌الله شهید سید‌حسن مدرس

ویژگی‌های نامزد اصلاح و وظایف رأی‌دهندگان از منظر آیت‌الله العظمی بهجت

رضایت و تسلیم در برابر خداوند، مسئولیت رأی‌دهندگان و انتخاب‌شوندگان

ضرورت انتخاب اصلاح مسئولیت همگانی در معرفی و انتخاب اصلاح

## ▪ فهرست مطالب ▪

- | ۳۱ | منشور اخلاق اسلامی انتخابات، دفتر امور اجتماعی و سیاسی حوزه‌های علمیه / حجت‌الاسلام و المسلمین محمدحسن زمانی
- | ۳۵ | شرایط نامزد اصلاح و نقش مردم در انتخابات از نگاه امام خمینی رهبر
- | ۳۷ | شاخصه‌های مجلس در تراز بیانیه گام دوم انقلاب از منظر امام خامنه‌ای / حجت‌الاسلام و المسلمین سعید صلح میرزا
- | ۳۸ | بیانیه هیأت علمیه نجف با تأییدیه آخوند خراسانی درباره انتخابات مجلس، لزوم آگاهی و احساس مسئولیت در مردم / یادداشتی از علی‌رضا جوادزاده
- | ۳۹ | مجلس و الگوی سیاست خارجه آن در اندیشه سیاسی آیت‌الله شهید سیدحسن مدرس / گفت‌وگو با دکتر رضا عیسی‌نیا
- | ۴۰ | ویژگی‌های نامزد اصلاح و وظایف رأی‌دهندگان از منظر آیت‌الله‌العظمی بهجت رهبر
- | ۴۱ | رضایت و تسلیم در برابر خداوند، مسئولیت رأی‌دهندگان و انتخاب‌شوندگان / آیت‌الله‌العظمی صافی‌گلپایگانی
- | ۴۲ | ضرورت انتخاب اصلاح مسئولیت همگانی در معرفی و انتخاب اصلاح / از منظر آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی
- | ۴۳ | در یادداشتی تبیین شد: انتخاب اصلاح / از منظر آیت‌الله‌العظمی جوادی آمالی
- | ۴۴ | مجلس و عنصر مصلحت / آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست
- | ۴۵ | نگاهی تاریخی به جایگاه و نقش روحانیت در مجلس از عصر مشروطه تا پهلوی / گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین رضا رمضان نرگسی
- | ۴۶ | وظایف کارگزاران دولت اسلامی از منظر حضرت امام علی علیه السلام / حجت‌الاسلام و المسلمین محمدباقر تحریری
- | ۴۷ | رأی‌دهندگان و احکام آن‌ها / حجت‌الاسلام و المسلمین سید‌جعفر ربانی
- | ۴۸ | آسیب‌شناسی مجلس شورا از نگاه «مدرس» و «شیخ فضل الله» / حجت‌الاسلام محمدصادق ابوالحسنی
- | ۴۹ | دو رویکرد طریقیت و موضوعیت در تحلیل رأی اکثریت / گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین ذبیح‌الله نعیمیان
- | ۵۰ | جایگاه روحانیت در مجلس و میزان اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر / گفت‌وگو با حجت‌الاسلام موسوی نژاد
- | ۵۱ | مشارکت حداقلی در انتخابات نمایش غیرت ملی، عزت و اقتدار ایران اسلامی است / نوشتاری از حجت‌الاسلام محمد ملک‌زاده
- | ۵۲ | بحثی پیرامون جایگاه شورایی یا مشورتی مجلس خلط شورا و مشورت و تقلیل جایگاه مجلس شورای اسلامی / گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین سید‌محمد‌هادی پیشوایی
- | ۵۳ | الگوی تعامل روحانیت و حکومت به بهانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / گفت‌وگو با دکتر عبدالوهاب فراتی
- | ۵۴ |



کanal هفته‌نامه افق حوزه  
در پیام‌رسان‌های سروش و ایتا

@ofogh\_howzah

## اشتراک افق حوزه

۰۲۵ - ۳۲۹۰۰۵۳۶

۰۹۱۹۶۹۱۴۴۵۰

هفته‌نامه افق حوزه

بهمن ۱۳۹۸؛ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱؛ فوریه ۲۰۲۰

## امظهر حضور | ویژه‌نامه انتخابات |

وظایف و مسئولیت خطیر انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان

هفتنه‌نامه افق حوزه / بهمن ۱۳۹۸ / جمادی‌الثانی ۱۴۴۱ / فوریه ۲۰۲۱

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه / مدیر مسئول: سید‌مفید حسینی کوهساری  
مدیر رسانه و اطلاع‌رسانی حوزه‌های علمیه: محمدرضا برتره  
سردیب: رمضان‌علی عزیزی، با همکاری هیئت تحریریه  
دیپر تحریریه ویژه‌نامه‌ها: حمید کرمی  
با همکاری: عماد شالیکاریان

امور هنری: سید‌امیر سجادی / کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۰۰۵۳۸ / نامبر: ۰۲۵-۳۲۹۰۱۵۲۳  
نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵ / صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱

پایگاه اینترنتی: [www.ofoghhawzah.ir](http://www.ofoghhawzah.ir)

پست الکترونیک: [info@ofoghhawzah.ir](mailto:info@ofoghhawzah.ir)

کanal هفته‌نامه افق حوزه در پیام‌رسان‌های سروش و ایتا: /ofogh\_howzah

میزان رأی ملت است



اویژه‌نامه انتخابات | وظایف و مسئولیت خطیر انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان



طليعه سخن

## منشور اخلاق اسلامی انتخابات

### دفتر امور اجتماعی و سیاسی حوزه‌های علمیه

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن زمانی



امام خمینی رهبر: «از آقایان کاندیداها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی- انسانی را در تبلیغ برای کاندیدای خود مراعات؛ و از هرگونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتك حرمت باشد خودداری نمایند.» صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۲.

امام خامنه‌ای: در انتخابات... جناح‌های مختلف کشور، بداخلانی، بدگویی، اهانت، تهمت و این حرف‌ها را مطلقاً راه ندهند. این از آن چیزهایی است که اگر پیش بیاید، دشمن ازاو خوشحال می‌شود. بیانات ۱۳۸۶/۱۰/۱۹

اکرم علیه السلام و ائمه اهل بیت علیهم السلام با همه گستره و گوناگونی آن حتی در کارزارهای سخت جلوه‌گراست؛ مکتبی

که سخن رشت و ناسرا را نسبت به معبد های مشرکان حرام می‌داند، اجازه نمی‌دهد کسی به یک مسلمان اهانت کند و برقسپ و القاب رشت را به او نسبت دهد، «وَلَا تَنابُّوْا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ» ۵ پس باسته است با پیروی از این رهنماوهای الهی و پیشوایان پاک و حجت‌های آسمانی، هیچ‌گاه از حدود الهی تجاوز نکرده و ضمن داشتن کیاست سیاسی و انجام وظایف انقلابی، حریم و حرمت افراد را پاس داریم.

#### ۴. قانون‌مداری در همه مراحل انتخابات

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ميثاق ملی و شرعی ملت عزیز ایران است. تسلیم بودن در برابر قانون در همه مراحل انتخابات، اعم از تأیید صلاحیت ثبت نام کنندگان، فعالیت‌های تبلیغاتی، پذیرش منتخب اکثریت و پربرینامزدهای غیرمنتخب و هواداران آن‌ها از مخالفت و جوسازی علیه منتخبین، نشان فرهنگ بالای اسلامی جامعه انقلابی ماست. از آنجا که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تأیید ولایت فقهی رسیده و مشروعیت دینی پیدا کرده، لازم است همه مؤمنان در برابر قانون -گرچه خلاف نظر شخص آنان باشد- تسلیم باشند. زیرا تنها راه ثبات و امنیت یک جامعه و نظام، تعیت عمومی از قانون بوده و مقوله آزادی قانون‌گذاری اقلیت‌ها میدان را برای نقض همه قوانین توسط افراد ناراضی باز خواهد کرد و عامل فریب‌شی

اعتبار همه قوانین خواهد شد. قرآن کریم براین اساس اختیار اعمال نظر شخصی مؤمنان را در برابر قوانین و تصمیمات اتخاذ شده خدا و رسولش سلب کرده است. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا فَيُكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا»

#### ۵. تعییت کامل از دستورات رهبری

یکی از نعمت‌های بزرگ الهی به ملت ایران، تحقق و حاکمیت ولایت فقهی است. نعمتی که شیعیان و کل امت اسلامی بیش از هزار سال آرزوی آن را داشتند، چراکه اشراف فقهی جامع الشرایط، عامل مصنوبیت جامعه و نظام از انواع آسیب‌ها است. چنان‌که امام خمینی رهبر فرمود: «من به همه ملت، به همه قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقهی و ولایت فقهی باشد، آسیبی براین مملکت نخواهد وارد شد». <sup>۷</sup>، شایسته است ملت مؤمن و انقلابی در مواجهه با آراء و رویکردهای متفاوت سیاسی در جریان عظیم انتخابات، رهنماوهای ولی فقهی و رهبر فرزانه را معيار سنجش راه صحیح قرار داده و به فرمان خداوند در

#### ۱. دین محوری و ارزش‌گذاری اسلامی

در جامعه دینی ایران ما، چه اکثریت مسلمان و چه اقلیت‌های دینی به طور عمیق به دین گذاشته و طالب حاکمیت خدا و تحقق آموزه‌ها و ارزش‌های الهی هستند «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» <sup>۲</sup> و همگی، رعایت اخلاق دینی و تلاش برای حاکمیت معنویت را ضروری می‌شمارند. این گذاشته بستری مناسب برای برگزاری انتخاب الگو و انتخاب متدين‌ترین افراد است.

#### ۲. حضور حداکثری و انتخاب اصلاح

آن‌چه در مرحله اول اهمیت قرار دارد حضور حداکثری مردم در انتخابات است که نشان ثبات و مردمی بودن و اقتدار نظام اسلامی است، چراکه تمامی دول استکباری و گروهک‌های ضدانقلاب سعی در کاهش حضور مردم در انتخابات دارند و حضور هر یک از هموطنان عزیز و حضور بخشیدن به دیگران مصدق دفاع دربرابر تهاجم دشمنان است.

ضمن این‌که دقت مردم مؤمن در انتخاب شایسته‌ترین نامزدها، نقش کلیدی در سرنوشت آینده قوانین و رویکردهای مجلسین دارد. تأکیدات امام راحل و رهبر فرزانه انقلاب بر انتخاب شخصیت‌های دارای شاخص‌های ارزشی: مؤمن، انقلابی، با سوابق درخشان دینی، متخصص، شجاع، رنج فقر و محرومیت

چشیده، ساده‌زیست و ضد اشرافی‌گری، مدافعان طبقات محروم، ضد استثمار و استکبار، معتقد به توامندی ملت و خودکفایی داخلی، حاصل تجربه‌های چند دهه شیرین و تلح گذشته است که می‌تواند نقشه راه انتخاب نمایندگان صالح برای ملت عزیز ایران باشد. چنان‌که قرآن کریم معاشره‌های پیشنهادی بیت نبوت را برای انتخاب کارگزار صالح همین عناصر ارزشی توامندی برانجام مسئولیت و امانت داری ارزش‌ها معرفی کند. «فَالَّتِي إِحْدَا هُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرُهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجِرَتِ الْقُوَّةَ الْأَمِينَ» <sup>۳</sup>

#### ۳. حفظ کرامت انسانی و احترام به شخصیت همگان

کرامت انسانی در جای جای قرآن کریم «وَلَقَدْ كَرِمْنَا بَنِي آدَمَ» <sup>۴</sup> و سیره پیامبر



## میزان رأی ملت است

وظایف و مسئولیت خطی را انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان اویژه‌نامه انتخابات





## شرایط نامزد اصلاح و نقش مردم در انتخابات از نگاه امام خمینی قریب

باتوجهه به اهمیت جایگاه مجلس و تأثیر با واسطه یا بی واسطه آن بر تمدنی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی مردم، از همین رو رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قریب با بیان شرایط کاندیدای اصلاح، مسیر انتخاب نمایندگان مجلس را که امری حیاتی و سرنوشت‌ساز است برای آحاد پیروان خود روشن ساخته است که به طور مختصر در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

۱. **وفاداری به اسلام، جمهوری اسلامی و قانون اساسی**  
من متواضعانه از شما می‌خواهم که حتی الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید... و سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند. (همان، جلد ۱۲، ص ۱۴۹)

۲. **اعتقاد و وفاداری به اصل ولایت فقیه**  
بهترین اصل در اصول قانون اساسی، این اصل ولایت فقیه است. (کلمات قصار امام خمینی قریب، ص ۱۱۹)

۳. **اعتقاد به قوانین اسلامی**  
از تفرق پرهیزکنید... اشخاص را هم ملاحظه سوابقشان را بکنید که تعهد به اسلام دارد، اعتقاد به قوانین اسلام دارد، در مقابل قانون اساسی خاضع است و اصل صد و دهم آن را که ظاهراً راجع به ولایت فقیه است، معتقد است و وفادار است نسبت به آن، یک همچو شخصی را شما خودتان انتخاب کنید. (صحیفه امام، جلد ۱۱، ص ۴۸۵)

۴. **امانت داری**  
این مجلسی است که باید سیاست «نه شرقی، نه غربی» را در جهان دو قطبی اجرا کند و احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی اسلام را... به صحنه آورد و چنین مجلسی است که قدرت روحی مافق عادی و قدرت تشخیص مسائل پیچیده جهان و قدرت تصمیم‌گیری‌های قاطع، بی‌گرایش به دو قطب الحادی و سرمایه‌داری را لازم دارد. (همان، جلد ۱۸، ص ۴۶۳)

۵. **امانت داری**  
خداآونده همه ما را از این قیدهای شیطانی رها فرماید تا بتوانیم این امانت الهی را به سرمنزل مقصود برسانیم و به صاحب امانت، حضرت مهدی موعود - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - رد کنیم. (همان، جلد ۱۸، ص ۴۷۱ و ۴۷۲)

۶. **تخلّق به اخلاق و ادب اسلامی**  
وکیل‌هایی که آراسته هستند به اخلاق خوب، متعهد هستند به اسلام... انتخاب کنید. (همان، ج ۱۲، ص ۱۶۹)

۷. **وطن‌دوستی و محور قراردادن منافع ملی**  
افراد سالم، افراد وطن‌خواه، افراد وطن‌دوست، افرادی که نه شرقی باشند نه غربی، بلکه در صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت باشند، انتخاب کنید و به آن‌ها رأی بدھید. (صحیفه امام، جلد ۶، ص ۵۲۴)

۸. **مقدم داشتن مصالح اسلامی بر مصلحت خود**  
من متواضعانه از شما می‌خواهم که حتی الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید... و سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که... منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارند. (صحیفه امام، جلد ۱۲، ص ۱۴۹)

۹. **آگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و**



رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود که خدای ناکرده به کسی توهین نگردد و در صورتی که رقیب انتخاباتی به مجلس راه نیافتد، به دوستی و برادری که چیزی شیرین تراز آن نیست لطمه‌ای نخورد. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۴

همه این امور، اعتباری و زودگذر است، همه در محضر حق هستیم و آنچه در صحیفه کردار ما ماندنی است اعمال و رفتار ما و آنچه موجب سعادت و جاودانگی ما می‌شود، صفاتی معنویت و ثمرات خلوص بنده است، ما نباید خلوص عمل و جامعه اسلامی خودمان را به زنگار کدورت‌ها و اختلافات آلوده کنیم و رقابت‌های انتخاباتی هم هرگز نباید موجبات تفرقه و جدایی را فراهم نمایید». (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۱۵)

### ▪ **وظیفه ناظران و مجریان انتخابات از دیدگاه امام خمینی**

#### (الف) **وظیفه ناظران (شورای نگهبان)**

اعضای محترم شورای نگهبان - ایده‌الله تعالی - را که حافظ مصالح اسلام و مسلمین هستند... من به آقایان هشدارم دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان امری خطناک برای کشور و اسلام است... لازم است همه به طور اکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنیم و به قوانین، هر چند مخالف نظر و سلیقه شخصی مان باشد، احترام بگذاریم... و به شورای نگهبان تذکرمی دهم که در کار خود استوار باشید و با قاطعیت و دقت عمل فرمایید و به خدای متعال اتکال کنید. (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۸۰)

اما وظیفه دیگری که به عهده شورای محترم است، بررسی کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی جهت تطابق داشتن با موازین شرع و قانون اساسی می‌باشد. در اصل نود و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است:

«تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آن‌ها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است. قانون اساسی جمهوری اسلامی، ص ۵۳

#### (ب) **وظیفه مجریان انتخابات**

شما مسئول این مساله (انتخابات) هستید، هم مسئول کار خودتان و هم مسئول مسئولین دیگری که تحت نظر شما هستند، هستید که جریان انتخابات یک جریان صحیح باشد. هیچ‌کس در انتخابات بردیگری مقدم نیست، همه افراد ملت یک جور هستند، در انتخابات یعنی همان آدمی که یک کار کوچکی انجام می‌دهد با آن کسی که در راس همه امور هست در باب انتخابات هیچ با هم فرقی ندارند، این یک رای دارد آن هم یک رای دارد... انتخابات جوری باشد که مردم پسند باشند... یعنی مردم احساس بکنند به این که مساله انتخابات به آن طوری که قانون انتخابات گفته است، به آن طوری که اسلام می‌خواهد، دارد عمل می‌شود. عمل مال شماست، قانون یک ثابتی است که می‌شود، یک وظیفه‌ای تعیین می‌کند، لکن آنی که مهم است در مقام عمل است، مقام عمل جوری باشد که تطبیق بکند با قانون و مردم در راضی باشند در عمل... توجه کنید که اخال‌گرها نباید خرابکاری بکنند... کسی باید مثلاً نزدیک صندوق بخواهد به مردم بگوید به این رای بدھید... آنجا دیگر جای این حرف نیست که آنجا باشید و بگوید فلاانی خوب است فلاانی بد است... باید جلوگیری بشود، تا ان شاء الله یک انتخابات خوبی داشته باشیم». (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۵۲)

#### ▪ **وظایف نمایندگان مجلس شورای اسلامی**

واز نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواسته عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی وکالت خود را به همد و چون در مجلس اسلام تنها کافی نیست؛ بلکه باید مسلمانی باشد که احتیاجات مملکت را بشناسد و سیاست را بهمدو و مطلع به مصالح و مفاسد کشور باشد و ممکن است به شما و گروه شما هم مربوط نباشد، که اگر اصلاح را نتیج کردید، کاری اسلامی می‌کنید و این یک محکم است برای خودتان که تشخیص بدهید انتخاب برای اسلام است یا برای صلاح خودتان. امیدوارم که تا آخر هم این طور باشد و هر دوره انتخابات بهتر انجام شود. این مساله، مساله شخصی نیست؛ بلکه برای اسلام و از امور مهم است. (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۵۲)

(صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۵۹)



همه باید شرکت در انتخابات را به عنوان یک وظیفه شرعی و قانونی خود بدانیم

و بدون هیچ‌گونه درنگ و مسامحه‌ای در صحنه‌های حساس انقلاب حضور فعال داشته باشیم

و بدانیم که اگر به خاطر عدم حضور ما در سرنوشت جامعه، ضربه‌ای به انقلاب وارد شود

همه ملت در پیشگاه خداوند و شهدای عزیز مسئول خواهند بود.

### ▪ **وظیفه و نقش مردم در انتخابات از دیدگاه امام خمینی**

#### (الف) **شرکت فعالانه در انتخابات**

وصیت من به ملت شریف آن است که در تمامی انتخابات، چه انتخابات رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی... در صحنه باشند. (وصیت نامه سیاسی الهی، ص ۱۹)

همه باید شرکت در انتخابات را به عنوان یک وظیفه شرعی و قانونی خود بدانیم و بدانیم که اگر به خاطر عدم حضور ما در سرنوشت جامعه، ضربه‌ای به انقلاب وارد شود همه ملت در پیشگاه خداوند و شهدای عزیز مسئول خواهند بود. (وصیت نامه سیاسی الهی، ص ۱۹)

#### (ب) **مشورت کردن**

در تعیین رئیس جمهوری و ولایت مجلس با طبقه تحصیل کرده متعهد و روشن فکر با اطلاع از مجاری امور و غیر وابسته به کشورهای قدرتمند استیتمارگ، و اشتهرار به تقوی و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، و یا علماء و روحانیون با تقوی و متعهد به جمهوری اسلامی مشورت نموده (نمایید). (وصیت نامه سیاسی الهی، ص ۱۹)

(الهی، ص ۱۹)

#### (ج) **انتخاب اصلاح**

انتخاب اصلاح برای مسلمین یعنی انتخاب فردی که تعهد به اسلام و حیثیت آن داشته باشد و همه چیزرا بهم و چون در مجلس اسلام تنها کافی نیست؛ بلکه باید مسلمانی باشد که احتیاجات مملکت را بشناسد و سیاست را بهمدو و مطلع به مصالح و مفاسد کشور باشد و ممکن است به شما و گروه شما هم مربوط نباشد، که اگر اصلاح را نتیج کردید، کاری اسلامی می‌کنید و این یک محکم است برای خودتان که تشخیص بدهید انتخاب برای اسلام است یا برای صلاح خودتان. امیدوارم که تا آخر هم این طور باشد و هر دوره انتخابات بهتر انجام شود. این مساله، مساله شخصی نیست؛ بلکه برای اسلام و از امور مهم است. (صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۵۲)

#### ▪ **شرطیت تبلیغات نامزدهای انتخاباتی مجلس شورای اسلامی از دیدگاه حضرت امام**

«نصیحتی است از پدری پیر به نامزدهای مجلس شورای اسلامی، سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چارچوب تعالیم و اخلاق عالیه اسلام انجام شود و از کارهایی که با شؤون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت حفظ اسلام است؛ اگر در تبلیغات، حریم مسائل اسلامی





## شاخه‌های مجلس در تراز بیانیه گام دوم انقلاب

### از منظر امام خامنه‌ای

حجت‌الاسلام والمسلمین سعید صلح میرزا

هم‌چنان که شرکت در انتخابات یک وظیفه است، گرینش خوب و آگاهانه هم یک وظیفه است. با توجه به در پیش بودن انتخابات سرنوشت‌ساز مجلس یازدهم، حجت‌الاسلام والمسلمین صلح میرزا مسئول دفتر موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی در قم درگفت و گویی با هفته‌نامه افق حوزه به بررسی و تبیین شاخه‌های مجلس در تراز بیانیه گام دوم انقلاب از منظر امام خامنه‌ای پرداخته‌اند که در ادامه مرور می‌کنیم.

است و کار مهمی است. ایشان خطاب به نمایندگان مجلس می‌فرمایند: وظیفه شما حذف قوانین زائدی است که بر سر راه پیشرفت کشور قرار گرفته‌اند. بنابر نظر اهالی کسب و کار و اقتصاد، برخی از قوانین برای تاریخ خاصی به اجرا درآمده‌اند و در حال حاضر به عنوان مانعی بر سر راه فعالیت‌های اقتصادی قرار دارند. هم‌چنین برخی از قوانین، ناکارآمد هستند. مانند برخی از قوانین حقوقی که مربوط به سال‌های ۱۳۰۳ یا ۱۳۱۲ یا ۱۳۲۷ شمسی هستند و نیاز به بازبینی و بازنگری دارند.

#### (ب) نظارت بر عملکرد قوه مجریه

دیگر وظیفه مجلس شورای اسلامی، نظارت بر کار قوه مجریه است. بسیاری از عهدنامه‌ها و معاهده‌هایی که توسط دولت با دولت سایر کشورها منعقد می‌شود توسط دولت به عنوان مجری انجام می‌گردد که نیاز به تأیید نهایی مجلس دارد. بنابراین قوه مقننه قوه ای تأثیرگذار است و بنابر فرمایش حضرت امام ره مجلس در رأس امور قرار دارد و باید ناظر بر عملکرد قوه مجریه باشد.

اصرار رهبر معظم انقلاب اسلامی بر برگزاری انتخابات هم نشان‌دهنده اهمیت مجلس است. بنابراین یک مجلس خوب می‌تواند کشور را رو به جلو حرکت دهد. در حالی که مجلس ضعیفی که نظارت بر دولت را رها کند، حتی می‌تواند مضر به حال کشور باشد.

▪ نوع نگاه مقام معظم رهبری به مردم و مشارکت آن‌ها برگرفته از چه دیدگاه است؟

▪ نوع نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به مردم و مشارکت آن‌ها برگرفته از دیدگاه اسلامی ایشان است و در قالب مردم‌سالاری دینی شکل گرفته است و ایشان نقش مردم را صرفاً در موقع لزوم پشتیبانی آن‌ها، مانند: دوران جنگ نمی‌دانند و بر اساس این نوع نگاه، نقش مردم نقشی اساسی است. این طور نیست که ما جمهوریت را

از غرب گرفته و اسلامیت را به آن سنجاق کرده باشیم. برخی از بزرگان معتقد‌اند که ما اسلام را در قالب جمهوریت به عنوان یکی از قالب‌های حکومتی برگرفته از جهان غرب تزریق کرده‌ایم. اما دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی این طور است که مردم و جمهوریت در جمهوری اسلامی برگرفته از منابع قرآنی و روایی است و نقش مردم در سیره اهل بیت علیهم السلام بسیار با اهمیت است.

▪ مجلس و اهمیت آن از منظر مقام معظم رهبری چگونه هست؟

(الف) حذف قوانین زائد و ناکارآمد

بر اساس قانون اساسی، وظایف مجلس اعم از تقین و ریل‌گذاری، ذکر شده است و رهبر معظم انقلاب اسلامی با رهای فرموده‌اند: وظیفه مجلسیان، قانون‌گذاری



## میزان رأی ملت است

## ب) آگاهی سیاسی و شجاعت

رهبر معظم انقلاب اضافه می‌کنند؛ نمایندگان مجلس لازم است آگاهی سیاسی داشته و جریان‌های سیاسی را بشناسند. هم‌چنین نمایندگانی شجاع باشند. شجاعت از این جهت مهم است که وقتی نماینده‌ای مجبور می‌شود و به دل جریان‌ها می‌زند، به خصوص با ظهور فضای مجازی تهدیدهایی به سراغ او می‌آید؛ در چنین موقعی شجاعت یک نماینده به چشم می‌آید. در گذشته وقتی قصد داشتند شخصی را ترور شخصیت کنند، لازم بود کارهای زیادی را مانند توزیع شب‌نامه‌ها انجام بدھند. در حالی که امروزه با تهیه یک تصویر یا سند جعلی و انتشار آن در فضای مجازی در مدت چند دقیقه آبروی فردی را زیرسؤال می‌برند. با انجام چنین اقداماتی می‌توانند نمایندگان را تهدید کنند و تحت فشار قرار بدھند. چه بسا خانواده برخی نمایندگان با آن‌ها همسو نباشند و ترس این را دارند که خانواده آن‌ها آبروی شان را ببرند.

### ج) کارآمدی نماینده

نکته بعدی که در بیانات رهبر معظم انقلاب مورد تأکید است؛ کارآمدی نمایندگان است. بنده با یکی از نمایندگان سابق مجلس که دارای وجهه عمومی بود و تخصصی نداشت، صحبت می‌کردم؛ ایشان می‌گفتند: بنده دارای اطلاعات سیاسی و قانونی نبودم و در مراجعات مختلف هم نمی‌دانستم چه بکنم. بنابراین حقوقی را که بابت نمایندگی مجلس دریافت می‌کدم به سه قسم تقسیم کرده و به سه نفر حقوق دان، منشی و کارپرداز می‌دادم تا کارها را انجام بدھند. به عنوان مثال شخص حقوق دان مسائل قانونی را برای من توضیح بدهد. حالا ایشان شخصی متدين بودند. چنین افرادی در مجلس قادر به تشخیص مسائل نیستند.

در مسئله بنزین، مجلس به این سمت حرکت می‌کرد که این قانون را لغو کند؛ در حالی که این قانون در شورای عالی امنیت ملی بحث شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در نامه‌ای به رئیس مجلس مرقوم فرموده بودند «در مسئله بنزین مجلس در ذیل تصمیمات شورای عالی امنیت ملی عمل کنند». چراکه یک وضعیت ویژه و اضطراری بود. هم‌چنین در قضیه اصرار برخی از نمایندگان مجلس براستعفای رئیس جمهور در شرایطی صورت گرفت که همگان دیدند مسئله استعفای مقامات عالی اجرایی در لبنان و عراق به اجراء آمد و این همان نسخه بود که برای ایران هم در نظر گرفته شده بود تا کشور خالی از مقام عالی رتبه اجرایی باشد. چنین تصمیماتی نشان‌دهنده ناکارآمدی چنین نمایندگانی است. یا در دوره‌های قبلی مجلس، دیدیم که مردم در برخی از شهرها به یک کارگردان سینما رأی دادند؛ خبّ چنین شخصی دارای تخصص لام نیست. هم‌چنین در تجربه مجلس شش دیدیم که نمایندگانی وارد مجلس شدند که قادر تخصص و کارآمدی بودند. این مسئله در مجلس فعلی هم دیده شد.

### د) حمایت از حقوق ضعفا و طبقات محروم جامعه

رهبر معظم انقلاب اسلامی ویژگی بعدی نمایندگان را طرفداری از حقوق ضعفا و طبقات محروم می‌دانند. می‌بینیم برخی از نمایندگان مجلس درآمدهای بسیار بالایی دارند. وقتی نمایندگان مجلس، خودشان مشکلاتی مانند مشکل مسکن و نبود درآمد ممکن ندارند، چگونه می‌توانند در تقدیم قوانین مشکلات مالی مردم را در نظرداشته باشند. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «قانون باید گره از مشکلات باز کرده و به درد دل اشاره محروم برسد».

### ه) قدرت مقاومت

از دیگر ویژگی‌هایی که رهبر معظم انقلاب درباره نمایندگان مجلس ذکر کردن، این است که قدرت مقاومت در برابر این و آن را داشته باشند. ایشان این مسئله را درباره شجاعت بیان کردن و از قول امام رهبر معظم انقلاب گفتند: نماینده شاخص، مرحوم مدرس است و نمایندگان ما باید مانند مرحوم مدرس رهبر معظم انقلاب، نرس و شجاع باشند. چراکه در ذیل مباحثی که ما ظاهراً آن را می‌بینیم اتفاقات خاصی رخ می‌دهد. برخی از اصحاب قدرت و ثروت برای افراد فایلی باز می‌کنند که وقتی کاری برای شخصی انجام می‌دهند آن را ثبت می‌کنند تا در موقع لردن از آن استفاده کنند.

### و) ساده‌لوح نبودن

از دیگر مسائلی که رهبر معظم انقلاب در مورد نمایندگان مجلس ذکر می‌کنند، بحث ساده‌لوح نبودن است؛ ایشان می‌فرمایند: نماینده، نباید مفتون به معنای فریفته شونده باشد. در برخی از مسائل که زنگ ولایت دارد، نمایندگان تصمیمی می‌گیرند و با جمع‌آوری امضاء کارهایی صورت می‌دهند.



مقام معظم رهبری در باب نمایندگان طراز مجلس می‌فرمایند: نماینده مجلس نباید طمع ورز باشد.

از جمله مسائلی که در جامعه مطرح است این است که برخی از افراد به این دلیل

در انتخابات نمایندگی مجلس هزینه می‌کنند که بعد از انتخاب شدن به عنوان نماینده می‌توانند

این هزینه‌ها را جبراً کنند. بنابراین در قانون انتخابات مطرح شده است.

ما می‌بینیم برخی اشخاص میلیاردها تومن برای تبلیغات انتخاباتی هزینه می‌کنند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در رابطه با مجلس آلوه فرموده‌اند:

نمی‌توان با یک دستمال کثیف شیشه را پاک کرد.<sup>۱</sup> مجلسی که خود آلوه باشد اقدام به اصلاح قوانین نکرده در برابر تخلف از قانون ایستادگی نخواهد کرد. اهمیت مجلس اقتضا می‌کند مردم در انتخاب نمایندگان خود دقت بیشتری داشته باشند.

### ه) چرا این دوره از انتخابات مجلس دارای اهمیت بالایی است؟

■ این دوره از انتخابات مجلس، بسیار حساس است. از یک سوره رهبر معظم انقلاب اعلام کردن باید گام دوم انقلاب برداشته شود و هدف‌گذاری ما ایجاد تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهر امام عصر رهبر معظم انقلاب است. بنابراین قرار است کسانی انتخاب شوند که در طليعه گام دوم انقلاب هستند و چنانچه مجلسی قوی این گام را بردارد به یقین بسیار مفید خواهد بود.

نکته دوم، این است که کشور در شرایط بسیار خاصی قرار دارد. مسائلی مانند برجام و شکست این معاهده که بنابرگفته سیاست مداران داخلی و غربی، بیماری در حال احتضار است و این‌که اقتصاد کشور معطل بر جام مانده و به قول رهبر معظم انقلاب، اقتصاد کشور شرطی شده است و انجام کارها منتظر مشخص شدن نتیجه برجام و اقدام کشورهای غربی است و بسیاری از کارهای بزرگ معطل مانده و دست مستولین به کار نمی‌رود.<sup>۲</sup>

نکته سوم، بحث تحریم‌ها است. چراکه در مهارت تحریم و کم کردن اثر آن‌ها برخی بی‌تدبیری‌ها صورت گرفته است. نحوه اجرای طرح قیمت بنزین هم کشور را دچار التهاب کرد که الحمد لله مردم در کنار اعتراضات و صبری که برمشکلات دارند به صحنه آمدند. هم‌چنین کمتر از دو سال از عمر دولت حاضر باقی مانده است. بنابراین یک مجلس خوب قادر است، اتفاقات خوبی را رقم بزند.

### ه) ویژگی‌های یک مجلس خوب از منظر مقام معظم رهبری چیست؟

■ مجلس دارای یک حیثیت جمعی است که برگرفته از تک، تک نمایندگان آن است. قاعده مجلس تا به حال این طور بوده است که برخی از افراد سرشاخه و تأثیرگذار هستند، دارای سوابق اجرایی و تقنیونی هستند که سایر نمایندگان مجلس را هدایت می‌کنند و سایر نمایندگان به دنبال خواص مجلس حرکت می‌کنند. بنابراین انتخاب چنین افرادی در سرنوشت کشور تعیین کننده است. رهبر معظم انقلاب در انتخابات‌های مختلف مجلس، ویژگی‌هایی را برای نمایندگان مطلوب برشمرده‌اند.

### الف) تدبیر نمایندگان

رهبر معظم انقلاب در درجه اول بحث تدبیر نمایندگان را مطرح کرده‌اند. ورود نمایندگانی که دارای تدبیر و تعهد نباشند برای مجلس مناسب نیست. چراکه نماینده غیر متدين رأی خودش را می‌فروشد. البته منظور افراد متدين متخصص است.





#### ن) طمع ورزنشاد

هم چنین رهبر معظم انقلاب در باب نمایندگان تراز مجلس می فرمایند: نمایندۀ مجلس نباید طمع ورز باشد. از جمله مسائلی که در جامعه مطرح است، این که برخی از افراد به این دلیل در انتخابات مجلس هزینه می کنند که بعد از انتخاب شدن به عنوان نماینده می توانند این هزینه ها را جبران کنند. بنابراین در قانون بحث شفافیت هزینه تبلیغات در انتخابات مطرح شده است. متأسفانه می بینیم برخی اشخاص میلیاردها تومان برای تبلیغات انتخاباتی هزینه می کنند.

#### ج) جوان گرایی و اعتقاد به جوانان

رهبر معظم انقلاب اسلامی از دیگرویزگی های نمایندگان مجلس را جوان گرایی و اعتقاد به جوانان ذکرمی کنند. ممکن است فردی که به مجلس راه پیدا می کند، خودش جوان نباشد؛ اما برای قشر جوان برنامه ریزی می کند و گاهی این فرد به دلیل سن و سال بالا قدرت پذیرش رسیک را ندارد.

#### ط) معتقد به نظام و قانون اساسی

هم چنین ایشان بحث قبول قانون اساسی و نظام را مطرح کرده و می فرمایند: کسانی را انتخاب کنید که معتقد به نظام باشند. ایشان در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری به غیر از ویژگی های کلی نمایندگان یا نامزدهای ریاست جمهوری، مسائلی خاص را مطرح می کنند. در جلد نهم کتاب انتخاب صالحان، ایشان در هر برهه ای از انتخابات برخی از ویژگی ها را پُر زنگ رتر مطرح می کنند. به عنوان مثال در انتخابات سال ۱۳۸۲ مسئله قبول داشتن نظام را پُر زنگ تر مطرح می کنند. چراکه دوران بعد از مجلس ششم بود که در آن حتی علیه آرمان های امام <sup>ره</sup> حرف زده شد؛ رهبر معظم انقلاب تأکید کردند که نماینده مجلس باید معتقد به آرمان های امام و قانون اساسی باشد.

#### ی) ضدیت با فساد

از دیگرویزگی های مهمی که رهبر معظم انقلاب روی آن تأکید دارد، ضدیت با فساد نمایندگان است. چنین فردی باید خودش هم از فساد دور باشد. ایشان معتقداند، لام است مردم این ویژگی ها را در نامزدهای انتخابات بررسی کنند. گاهی برخی نامزدها سعی می کنند مردم را تطمیع کنند؛ ولذا ایشان می فرمایند: انتخاب صحیح یک تکلیف شرعی است. چراکه رأی دادن به نماینده ای که خانش به اهداف انقلاب باشد، موجب ضمان خواهد شد.

#### ک) خود باخته نبودن

ویژگی دیگری که رهبر معظم انقلاب مطرح می کنند، عدم خود باختگی



رشد کشور بدون حضور بخش خصوصی ممکن نیست و ما برای برخی امور نیاز به سرمایه‌گذاری داریم؛ این سرمایه مورد نیاز باید توسط بخش خصوصی تأمین شود تا سرمایه بی‌کار مردم به دلیل عدم هدایت، به صورت سرمایه‌های سرگردان به سراغ فعالیت‌های ناسالم نرود.

به عنوان مثال سرمایه‌هایی که می‌تواند وارد عرصه مسکن شود، به دلیل عدم وجود قوانین یا قوانین نامناسب به سمت کارهای نامناسب اقتصادی سوق داده می‌شود. یک مجلس قوی می‌تواند رئیس جمهور یا وزیر مربوطه را به مجلس بکشاند.

گام دوم انقلاب، نیازمند مجلسی فعال، شجاع، انقلابی و دارای ویژگی‌های نظیر ضد فساد، طرفدار محرومین که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند است. اگر زودتر چنین مجلسی را با رأی خودمان محقق کنیم، گام دوم محکم آغاز خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: گام دوم انقلاب این طور نیست که مانند گام اول انقلاب چهل ساله باشد. این گام می‌تواند با کارخوب و انقلابی مثلاً ده یا پانزده ساله محقق شود و یا این‌که با عدم به میدان آمدن مردم هشتاد سال طول بکشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در چند سخنرانی خودشان روایتی را نقل فرموده‌اند که بعد از شهادت امیر المؤمنین علی ع، قدر الهی این بود که حکومت معصومین در سال هفتاد هجری اتفاق بیفتاد اما شیعیان ما، ما را یاری نکردند.

در باب آنچه مقدار است و در تقدیر الهی است، حرفاًی زیادی هست، که پروردگار عالم یک چیزهایی را تقدیر

می‌کند و بعد بر اثر مصالحی آن‌ها را عوض می‌کند، که در باب زندگی امام صادق ع که یک حدیثی است که امام ع می‌فرمایند: خداوند این امر را برای سال هفتاد معین کرده بود؛ یعنی قرار بود که حکومت اسلامی در سال هفتاد هجری به وسیله ائمه‌اطهار ع انجام بگیرد. «فلما قتل الحسين اشتدا غضب الله على أهل الأرض»، وقتی که واقعه کربلا پیش آمد و حادثه فجیع عاشورا پیش آمد، این مطلب تأخیر افتاد برای سال ۱۴۰؛ سال ۱۴۰ یعنی درست در اوج تلاش تبلیغاتی امام صادق ع؛ آنچه هم باز یک حادثی پیش آمد که این تقدیر الهی را به عقب انداخت که در متن این روایت هست که شماها افشا کردید، شما شیعیانی که دور و بر ما هستید، گفتید مطلب را، کتمان نکردید، این بود که مطلب باز تأخیر افتاد؛ باز تأخیر افتاد. \*

نتیجه تاریخی آن هم این شد که بنی عباس در این رهبره تاریخی حکومت خود را تشکیل داد و ششصد سال برگردد جهان اسلام حکومت کردند. در روایت دارد که بعد از آن خداوند غضب کرد و مردم از حکومت اهل بیت ع محروم شدند. اگر ما هم کوتاهی کنیم ممکن است سنت تاریخی عقوبت الهی نصیب ما بشود. همان طور که بنی اسرائیل چهل سال در صحراء سرگردان بودند و نتوانستند راه به سمت فلسطین را پیدا کنند. سنت تاریخی برای امتنی که حرف ولی خود را گوش نمی‌دهند به این صورت رخ می‌دهد. امیدواریم خداوند به ما کمک کند تا این‌گونه عمل نکنیم.

#### ▪ پی‌نوشت‌ها

۱. رهبرانقلاب: «فساد مالی، مثل خوره، ایدز و سلطان است؛ باید با آن مبارزه کرد... باید با فساد مبارزه جدی کرد. یک پایه مبارزه، شمایید. آن روزی که پنده مسأله مبارزه با فساد را گفت، توقع این بود که مجلس شورای اسلامی سینه سپر کند و جلو بیاید و در این میدان حرکت کند تا مدیگر احتیاج نداشته باشیم دنبال کنیم؛ اما متأسفانه این طور نشد. آن‌ها نکردن، شما بکنید. البته به قول برادر طفیل و نکته سنتی من، با دستمال کشیف نمی‌شود شیشه را تمیز کرد. اگر انسان بخواهد با فساد مبارزه کند، باید در رجه اول مراقب باشد که فساد دامن خود را رانگیرد. داخل خودتان و درون مجلس مراقب باشید. دست پاک، زبان پاک و چشم پاک خواهد توانست در حوزه اقتدار وسیعی که شما دارید، همه چیز را پاک کند. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۰۳/۲۷

۲. رهبرانقلاب: «بنده پشت قضیه حمایت از تولید داخلی ایستاده‌ام و شما بدانید که کمک می‌کنم؛ تولید باستنی در کشور رواج بیدا کند. راهبرد اساسی ما مصون سازی اقتصاد از تحریم و مسلح کردن انقلاب به تولید و اراده داخلی است. یکی از بابتین مشکلات کشور این است که اقتصاد را شرطی کنیم؛ «بیینیم ابتکار رئیس جمهوری فرانسه بر جام چه می‌شود...» حالام بعضی سعی می‌کنند باز شرطی کنند؛ «بیینیم ابتکار رئیس جمهوری فرانسه چه می‌شود...» این‌ها را باید کنار گذاشت. بیانات رهبرانقلاب در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

۳. بیانات در دیدار پرستن و فرماندهان ارتش، ۱۳۷۵/۱/۲۸

۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۴/۰۱/۲۳

افرادی را پیدا کنیم که افرادی متخصص و توانمند هستند و از آن‌ها کمک بگیریم. به این صورت مسئولیت شرعی بر عهده آن‌ها خواهد بود.

ممکن است کسی توانمندی داشته و دارای آگاهی سیاسی است و می‌تواند تشخیص بدهد که نامزد صلاحیت دارد یا خیر. اما ممکن است کسانی توانمندی تشخیص نداشته باشند، بنابراین می‌توانند به لیست‌ها اعتماد کنند. حتی خود رهبر معظم انقلاب در دوره قبلی انتخابات مجلس فرمودند: بنده شناختی نسبت به برخی از این افرادی که در لیست‌ها هستند ندارم و با اعتماد به کسانی که این لیست‌ها را انتخاب کرده‌اند به نامزدها رأی می‌دهم.

#### ▪ در برخی از برده‌ها رهبر انقلاب نسبت به برخی از این شاخصه‌ها تأکید بیشتری داشته‌اند، لطفاً در این باره توضیح دهید؟

▪ تا به اینجا به برخی از ویژگی‌های نمایندگان از زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره کردیم و ایشان در برخی از مقاطع روی برخی ویژگی‌ها از قبیل شجاع بودن یا مؤمن بودن تأکید کرده‌اند. شجاعت یک نماینده، بسیار مورد تأکید رهبر معظم انقلاب است. البته شجاعت به داد و فریاد کدن نیست که یک نماینده یک کار شعاری در تربیون انجام بدهد. برخی اوقات شجاعت در رأی‌گیری در فراکسیون‌ها یا کمیسیون‌ها مشخص می‌شود. این که شخصی علیه دولت، بلند صحبت کند شجاعت نیست. برده کنونی کشوریک برده حساس است. اگرچه تاریخ انقلاب ما به دلیل دشمنان متعدد داخلی و خارجی همیشه سخت بوده است. اما دوران حاضری دلیل قرارگرفتن در طليعه گام دوم انقلاب و تقویت مناسب جبهه مقاومت بسیار حساس است و یک مجلس قوی می‌تواند دولت را هم کمک کند.

اگر در این چند سال، یک مجلس توانمند در کنار دولت قرار داشت، وضعیت چند ساله ما بهتر از این بود. به عنوان مثال، اگر اصلاح قیمت بنزین به دلیل مسائل سیاسی به تعویق نمی‌افتد تا ناگهان با یک جهش قیمتی رو به رو شود، برخی از این مسائل پیش نمی‌آمد؛ این وضعیت در مباحث فرهنگی و علمی هم وجود دارد.

امیدواریم با انتخاب خوب مردم این اتفاق رخ بدهد. خوانندگان محترم می‌توانند مجموع بیانات رهبر معظم

انقلاب اسلامی درخصوص نماینده صالح را در کتاب انتخاب صالحان ملاحظه کنند و این کتاب از سایت

#### تفکیک بین وظیفه و نتیجه انتخابات از منظور مقام معظم رهبری

این بحث دولایه دارد. افرادی هستند که قادر به انجام یک کار طبیعی سیاسی نیستند، مانند فردی که دائم مشغول کار است و حوصله بحث‌های سیاسی را ندارد و فقط در انتخابات به عنوان وظیفه شرکت می‌کند. این فرد می‌تواند یا رأی ندهد و یا در انتخابات شرکت کرده و با حجت شرعی به یک لیست رأی بدهد؛ یا در مورد افراد تحقیق کند و سوابق اورا بینند. گرینه دیگر هم این است که بدون تحقیق و یا با تحقیق به فردی که می‌داند فاقد صلاحیت است، رأی بدهد. واضح است که شرکت نکردن در انتخابات به معنای عدم دخالت در سرنوشت است و این فرد بعداً نمی‌تواند از مجلس گله داشته باشد. ضمن این‌که این کار او، مسئولیت شرعی را برایش به همراه دارد و باید در مقابل آن پاسخ بدهد.

قبل از انقلاب، انتخابات صوری بود. اما امروزه این طور نیست. اگرکسی هم می‌داند که یک فرد غیر صالح را انتخاب می‌کند و روی مسائلی قومی و عشیره‌ای و... به اورأی می‌دهد، تکلیف مشخص است. فقط کار کسانی صحیح است که با تحقیق به فرد یا لیست رأی می‌دهند.

#### ▪ مجلس همگام با بیانیه گام دوم چگونه مجلسی است؟

▪ رهبرانقلاب در پایان بیانیه گام دوم، هفت توصیه را در خصوص اخلاق و معنویت، سبک زندگی، اقتصاد، پژوهش، استقلال، آزادی و مباحث بین‌الملل مطرح می‌کنند که تحقق این‌ها نیازمند افراد توانمند است. برای رسیدن به یک اقتصاد پویا که در برابر موج‌های خارجی مقاومت کند نیاز به یک مجلس توانمند است. هم‌چنین در بحث فرهنگ و سبک زندگی مجلس، می‌تواند مؤثر باشد؛ باید نوع قوانین به‌گونه‌ای باشد که سبک زندگی اسلامی ایرانی را تسهیل کند.

پژوهش، نیاز امروزه کشور ما است و اگر امروز اندوخته دانشی نداشته باشیم در آینده با مشکل مواجه خواهیم شد؛ مجلس در این خصوص بسیار مؤثر است. یک مجلس پویا دولت را به کار می‌اندازد، با قوانینی که ایجاد می‌کنند بخش خصوصی را در عرصه فرهنگ و اقتصاد به کار می‌گیرد؛ یک مجلس خوب می‌تواند همه ظرفیت‌ها را به میدان بیاورد. حتی اگریک مجلس صد درصدی هم نداشته باشیم، بهتر از مجلسی است که سرگرم بازی‌های سیاسی باشد. دغدغه قشر بزرگی از جامعه مسئله معیشت است و اگر مجلس به نپردازد، نشان‌دهنده شکاف بین نیاز مردم و تغییر مجلس است. نظرات و بازرسی می‌تواند کار را به جلو ببرد. گاهی برخی گزارش‌های تخلف، دو سال در مجلس معطل می‌ماند؛ ظاهراً یکی از نمایندگان این مسئله را در رسانه ملی مطرح کرد. گاهی برخی قوانین در برابر کارهای اقتصادی سالم سنگ‌اندازی می‌کند؛ در حالی که راه برای متخلوفین باز است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در فرمان هشت ماده‌ای مبارزه با فساد گفتند: یکی از مسائل مهم وجود منافذ در قوانین کشور است. بنابراین در بحث مبارزه با فساد، علاوه بر قوه قضائیه و سازمان بازرسی، باید به مجلس هم توجه کنیم. برخی مسائل فساد خیراست و این مسائل استخراج هم شده است، اما همت و شجاعت تصویب قوانین مورد لزوم وجود نداشته است تا راه باز شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند:



## بیانیه هیأت علمیه نجف با تأییدیه آخوند خراسانی قیمت درباره انتخابات مجلس

### لزوم آگاهی و احساس مسئولیت در مردم

یادداشتی از علی رضا جوادزاده

ای ملت ایران! حال قریب چند ماه به وقت انتخاب دارید. به شما گفتیم، تنبیه نمودیم، راه را ز چاه شناساندیم تامن بعد نگویید غافل بودیم، اشتباہ کردیم؛ تا آن که بعضی از جهال، مقام منبع ریاست روحانی را مورد اشکال قرار دهند. هر چه بشود، به حسن با سوء اختیار خود شما هاست. کسی تقصیر ندارد. چشم های خود را باز کنید، انتخاب مردمان صحیح نمایید که ان شاء الله تعالیٰ بر حسب غیرت مسلمانی و حمیت ایرانی خود هست کنید و مفاسد سابقه این مملکت را اصلاح و اساب آسایش عامه را فراهم آرید و لقد اذر من اذنر.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم تو خواه از سخن پندگیر و خواه ملال

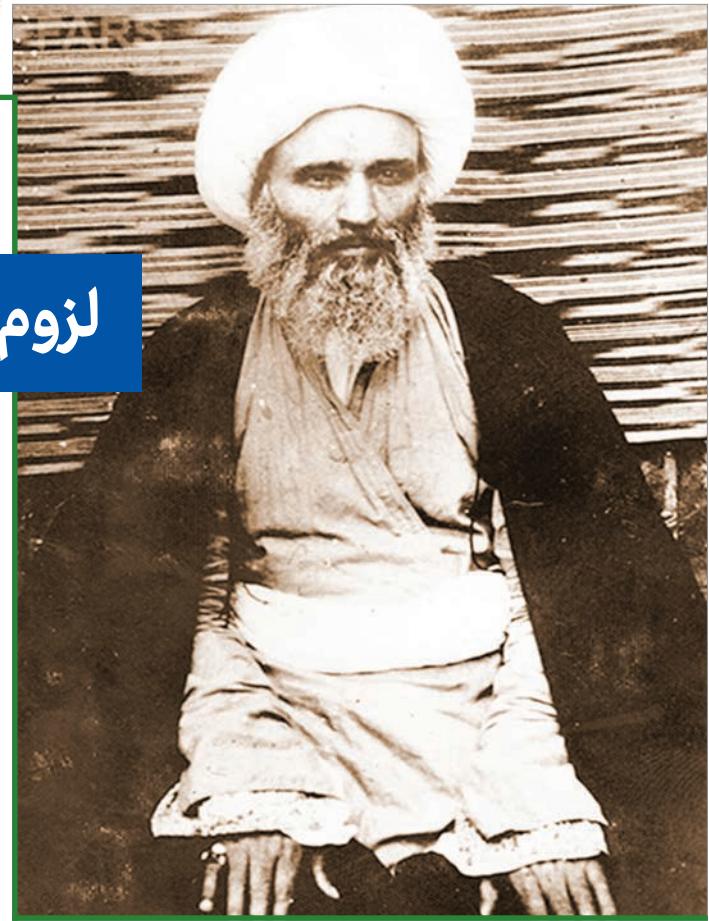
می کرد؛ برای نمونه، ایشان در تلگرافی که در همان ماه ذی حجه برای یکی از مسئولان (ناصرالملک) می فرستد، با تأکید بر لزوم اجرایی شدن اصل دوم متمم قانون اساسی (نظارت فقهاء بر مصوبات مجلس)، به انتقاد از مطالب ضدیدنی برخی نشریات می پردازد. آخوند ضمن بیان برخی مصادیق نشر مطالب ضدیدنی (مقاله‌ای در ترویج بی جهابی زنان در یکی از نشریات تبریز)، این گونه مطالب را بالاترین وسیله برای انصاف مردم از مشروطه ذکر می کند. ایشان در ادامه، به موضوع مدارس می پردازد و انتظار خود را برای «تهذیب مدارس و مکاتب و اصول تدریسات از منفایات اسلامیه، و گماشتن معلمین مذهبی برای تعلیم اصول و فروع لامه مذهبیه» بیان می کند. پایان بخش این نامه، درخواست اجرای صحیح «قانون عدله» است که بر اساس آن، اولاً «امقام قضاؤت شرعیه»

با اینکه در اختیار فقهاء باشد (نه غیرفقیه)؛ ثانیاً احکام صادره قضائی توسعه فقهاء، عملی گردد.

در این زمان، حزب دموکرات و در رأس آن سید حسن تقی زاده که جدایی روحانیت از سیاست را در مرام نامه خود آورده بودند. می کوشیدند در اداره های حساس و دربار نفوذ یابند و اندیشه های غیردینی خود را حاکم کرده، نظام مشروطه را به سمت مشروطه غیری سوق دهند. افراط کاری تقی زاده باعث شد در دوازدهم ربیع الثانی ۱۳۲۸ دو فقیه نامدار نجف با صدور حکمی، مسلک تقی زاده را در تضاد با «اسلامیت مملکت و قوانین شریعت» بیان کنند و از علما، دولت مردان، نمایندگان مجلس و همه طبقات مردم بخواهند تا از دخول وی به مجلس جلوگیری و او را از کشور تبعید نمایند. در پایان نیز نوشتند: «هر کس ازاو همراهی کند، در همین حکم است». این حکم، همانند برخی موارد دیگر، به واسطه اعمال نفوذ و سانسور گروهی خاص، برای مدتی منتشر نمی شود؛ گرچه در مقام عمل، از نمایندگی او جلوگیری می شود و بعد از مدتی نیز وی به خارج از کشور می رود. آخوند خراسانی و مازندرانی پس از پیگیری و تحقیق در راستای تحقق اصل دوم متمم قانون اساسی مبنی بر نظارت شرعی بر مصوبات مجلس، در سوم جمادی الاول ۱۳۲۸، طی نامه ای به مجلس، بیست نفر از فقهاء را به مجلس معرفی می کنند تا مجلس پنج نفر را به اکثریت (اتفاق) آرایا قرعه انتخاب نمایند. آنها مدتی بعد (۲۹ جمادی الثاني)، با توجه به آشکار شدن اهداف غیر اسلامی برخی از مشروطه خواهان، در تلگراف مهم و نسبتاً تفصیلی که برخی محققان از آن به «منشور اسلامیت مشروطیت ایران» تعبیر کرده اند. اهداف نهضت مشروطه را بیان می کنند و در ادامه، به انتقاد شدید از اقدامات ضدیدنی عناصر غرب گرا و فرست طلب می پردازند. در این تلگراف، هدف از مشروطیت مورد نظر، امور ذلیل بیان شده است:

۱. حفظ دین؛ ۲. احیای وطن اسلامی؛ ۳. آبادانی و پیشرفت کشور؛ ۴. اجرای احکام و قوانین مذهب؛ ۵. جلوگیری از حیف و میل اموال عمومی، ولزوم صرف آن در قوای نظامی و دیگر مصالح عمومی؛ ۶. از بین بردن زمینه های ظلم و استبداد.

مجتهد مازندرانی در همین دوره در نامه ای به یکی از آشنايان خود، با اشاره به آشکار شدن تعارض او و آخوند با گروهی که آنان را «مواد فاسد مملکت» می نامند، از خطر جانی خود و آخوند از سوی انجمن های سزی وابسته به این گروه خبر می دهد. در همین زمان، افرادی در نجف که در مقام سوء قصد به آخوند خراسانی بودند، دستگیر می شوند. در یکی از اسناد وزارت خارجه عثمانی مربوط به سوم رمضان ۱۳۲۸ چنین آمده است: «افرادی که به قصد سوء قصد به ملاکاظم خراسانی، از علمای ایرانی مقیم نجف، از ایران به نجف آمده بودند، از سوی میرزا مهدی، فرزند ملا کاظم، دستگیر شده و به همراه یک عدد کتاب و دو عدد نامه تسلیم حکومت گردیده، از نجف به کربلا و از کربلا به بغداد فرستاده شدند. دو شخص به نام های اسد الله و سید عبدالحمید، که از منتبه ایان به همیاری هاستند، به همراه کتاب و اوراق مذکور تسلیم کار پردازی ایران در بغداد شدند». روند امور ایران به تدریج موجب شد بی توجهی مسئولان به تذکرات و تلگراف های آخوند بیشتر شود. با این



#### مقدمه

با فتح تهران در اوخر جمادی الثانی ۱۳۲۷، اداره پایتخت به دست فاتحان، متشكل از قوای بختیاری، گیلانی و ارمی افتاد. در این زمان، وضعیت در تهران تغییر کرده بود و با کنار رفتن گروه مخالف مشروطه، دعوای آزادی خواه و مستبد، جای خود را به دعوای اعتدالی و دمکرات داده بود. در مرجع بزرگ مشروطه خواه نجف، آخوند ملام محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی، سعی داشتند با ارسال نامه ها و تلگراف های متعدد، ثبات و امنیت در ایران برقرار گردد و مشروطه مورد نظر آنها محقق شود.

حدود چهار ماه پس از فتح تهران، در ابتدای ذی قعده ۱۳۲۷، دوره دوم مجلس شورای ملی افتتاح می شود. آخوند خراسانی و مازندرانی طی تلگرافی به علمای ایران، از آنان می خواهند برای تحقق اصل دوم متمم قانون اساسی (نگاهبانی فقهیان بر مصوبات مجلس)، افراد دارای صلاحیت را پیشنهاد دهند تا آن دو بتوانند با آگاهی بیشتریست نفر را به مجلس معرفی کنند.

در اوخر سال ۱۳۲۷ (اول ذی حجه)، آخوند و مازندرانی در بیانیه مهمی نگرانی شدید خود را از نفوذ عناصر منحرف و مخالف با دین در صفویه مشروطه خواهان اعلام می کنند و به تبیین دقیق مشروطه از دیدگاه خود می پردازند. آنچه در این لایحه و بیانیه آمده است، تفاوت اساسی با مشروطه غربی دارد و بیانگر تفسیر و برداشتی دینی و اسلامی از مشروطیت است. این مشروطه - که ما از آن با عنوان «الگوی مشروطه اسلامی» یاد می کنیم - طبق عبارات آخوند، واحد و یزگی هاست زیراست:

۱. هم حکومت و هم مردم، مقید به قوانین اسلام و مذهب تشیع اند و در چارچوب آن قوانین عمل خواهند کرد؛
۲. بستروزیمه اجرای احکام الهی را بوجود می آورد؛
۳. زمینه گسترش عدالت و رفع ظلم را فراهم می کند؛
۴. زمینه ساز مشارکت مردم در عرصه سیاسی، و مانع از استبداد و خودمحوری است؛
۵. حافظ کیان اسلام و دولت اسلامی از سلطه کفار و بیگانگان است؛
۶. در مقام آن است که بودجه کشور (اموال گرفته شده از مردم) را در مصالح عمومی مرتبط با نظم جامعه و حفظ کشور به مصرف برساند.

فعالیت های عناصر غیر دینی و افراد سکولار در راستای حاکمیت مشروطه غربی و غیر دینی در کشور، رو به گسترش بود؛ از همین رو، آخوند از راه های گوناگون به مقابله با این جریان می پرداخت و برای حاکمیت الگوی «مشروطه اسلامی» تلاش





أهل التجربة والحياة من أهل البيوتات الصالحة والقدم في الإسلام؛ فإنهم أكرم أخلاقاً واصح اعراضاً واقل في المطامع اسرافاً وابلغ في عواقب الامور نظراً من غيرهم؛ فليكونوا اعونك على ما تقلدت الخ». حاصل ترجمه آنکه: «اختيار کن به جهت ریاست ادارات خود، کسانی را که عالم و عاقل و پرهیزکار و تجربه شده و باحیا باشند، واز خانواده‌های نجیب و کهنه مسلمان باشند که البته آن‌ها خوش‌الخلق ترواز دنیا بی‌نیازترو اسراف آن‌ها در خوارک کمتر، و نظر آن‌ها در عواقب امور دوربین تراست از دیگران؛ پس این‌ها اعون تو باشند [و] برادران تو».

البته معلوم است که اگر ما ملت ایران نکات سیاسی این کلام معجزیان راسمشق کیریم والفات به آن داشته باشیم و در این انتخاب جدید، رشته امور مملکتی را به دست مردمانی که دارای این صفات باشند بدھیم و هر ناھلی را وکیل مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی قرارنده‌هیم، خیر دنیا و آخرت راحائز خواهیم شد. و هر روز فریاد و اویلاً ما بلند نخواهد گردید و از کردار و گفتار و کلای نامجرب معرض، از آزادی خواهی ارجاعی بازگشت نخواهیم نمود و مقام منیع روحانیت را مورد هزارها اشکالات غیروارده قرارنخواهیم داد. و این مطلب چون تا یک اندازه بمردم مجھول است، علماء و عواظ و ناطقین و ارباب جراید و مجلات باید با لسان ساده عوام فهم به مردم بفهمانند که سلطنت حق شما هاست، مملکت از شما هاست، شما عبید نیستید، شما ها آزادید، شما باید تشکیل مجلس کنید، شما باید انجمن ترتیب دهید. مفتاح هر خیر و سعادت، وبالعکس شرور و شقاوت، نیکبختی و بدبختی، سود و زیان، نفع و ضرر، دخل و خسارت، همه در حسن انتخاب و سوء انتخاب است. به من چه و به توجه نگویید؛ از گرفتن تعریف فارنکنید و مردمان جاهل را خیار نکنید و کسانی را که معروف به فسق و فجورند، امین بر دین و دنیا خود ندانید. زمام امورتان را بدهست هرناکس ندهید. ملاحظه علم به سیاست و مقتضای وقت را بنمایید و هر جوان بی تجربه را روی کار نیاورید و مردمان وقیح بی حیا را در امورات عامة داخل نکنید و از مرمان نانجیب. که اگر تازه بدوران برسند، همچون شغال در خم افتاده می‌گویند: «این منم طاووس علیین شده». احتراز کنید. [امیرالمؤمنین علیه السلام] فرمود متولی امور مسلمین باید کهنه مسلمان باشد. فلاں مجاهد قفقازی یا مستفرنگ پاریسی دلش بحال مسلمانان نسوزد که صلاح آن‌ها را ملاحظه کند و رشوه نخورد و مآل بینی در امور نماید، [بلکه] شیره مملکت را می‌مکد [که در این صورت] اگر مملکت خدای نکرده از دست رفت، [چنین شخصی] به مملکت خود خواهد رفت [و] خسارش بر ما ایرانیان می‌ماند.

### ▪ توصیه‌پایانی

ای ملت ایران! حال قریب چند ماه به وقت انتخاب دارید. به شما گفتیم، تنبیه نمودیم، راه را از چاه شناساندیم تا من بعد نگویید غافل بودیم، اشتباه کردیم، تا آن که بعضی از جهال، مقام منیع ریاست روحانی را مورد اشکال قرار دهند. هر چه بشود، به حسن یا سوء اختار خود شما هاست. کسی تقسیر ندارد. چشم‌های خود را باز کنید، انتخاب مردمان صحیح نمائید که ان شاء الله تعالیٰ بر حسب غیرت مسلمانی و حمیت ایرانی خود همت کنید و مفاسد سایه این مملکت را اصلاح و اساس آسایش عame را فراهم آرید و لقدر اعذر من اذنر. من آنچه شرط بلاغ است با تومی گویم توخواه از سخنم پندگیر و خواه ملال

### ▪ پی‌نوشت‌ها

۱. رک: محمد مهدی شرف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ۴۴۵۴۴۲.
۲. رک: سند متذبذب در موسی نجفی و موسی فقیه‌حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۲۹۳؛ محمد ناظم‌الاسلام کرمائی، تاریخ بیداری ایرانیان، پخش اول، ص ۱۹۹۱۹۸.
۳. رک: تصویرسند دز موسی نجفی و موسی فقیه‌حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۲۹۴.
۴. ایرج افسار (به کوشش)، اوراق تازه‌های مشروطیت و نقش تقدیم، ص ۲۰۸۰۷.
۵. رک: عبدالحسین حائری (تدوین)، استاد روحانیت و مجلس، ج ۱، ص ۱۶۱۳.
۶. موسی نجفی و موسی فقیه‌حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۳۰۶.
۷. در پخشی از تلگراف چین امده است: «یحتمله ایران مملکتی است اسلامی و قاطبه امراء و سرداران عظام ملی و مجاهدین غیور و فدائیان اسلام و قاطبه ملت، با اتحاد عصر غالب بر دیانت سقّه اسلامی ثابت و راسخ، و امتیاز مشروطیت و از این مملکت جزیراساس قوی مذهبی - که ابدال‌هر خلل ناپذیر است - غیرممکن، و حفظ بیضه اسلام و صیانت وطن اسلامی، همان تکلیفی را که در هدم اساس استبداد ملعون سابق مقصی بود، در هدم این ادراه استداده مرکبۀ امواءه فاسدۀ مملکت و دشمنان دین... هم به طریق اولی مقتضی [است]: و عشق از ای پارس، قبل از این که تکلیف الله عزیزم - دریاه آن‌ها طور دیگر افلاضاً کند، به پسش خود رسپار و خود و ملتی را آسوده و این مملکت ویران را به غم‌خوارانش و آگاراند، تا به جیران[!] شکستگی و تدازک خرابی و سُدّ غورش بپردازند».
۸. رک: همان، ص ۳۹۳۶؛ همراه با تصویرسند، آقانچی فتوچانی، برگی از تاریخ معاصر، حیات‌الاسلام فی احوال آیت‌الملک العلام، ص ۷۸۷۵.
۹. ایرج افسار (به کوشش)، اوراق تازه‌یاب مشروطیت و نقش تقدیم، ص ۲۱۲۰۸، هم‌چنین، رک: جبل المتنین (کلکته)، س ۱۸، ش ۲۸، م ۱۵، رمضان ۱۳۲۸.
۱۰. علی طبری و فاطمه ترک چه (به کوشش)، آخوند خراسانی به روایت اسناد، ص ۲۲.
۱۱. رک: رحیم رضازاده ملک (به اعتماد)، اقلایب مشروطه ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (كتاب‌های آبی)، ص ۴۹۷؛ محمد مهدی شرف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ص ۶۴۶۵.
۱۲. به عنوان نمونه، رک: مشوروح مذاکرات مجلل شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۳۰۷، یکشنبه ۲۱ شوال ۱۳۲۹.
۱۳. مقصود از «سلطنت» در ادبیات سیاسی آن عرصه، مطلقاً حکومت است.
۱۴. مقصود از «نواب عام»، فقهای جامع الشرایط هستند. این عبارت به رغم گذرا بردن از اهمیت خاصی پرسخوار است؛ چراکه بهوضوح نشان می‌دهد طبق مذهب تشییع، فقهایت از شرایط حاکم است و در عصر غیبت، حکمرانی وظیفه و حق فقهاست (چه از باب ولایت عame که نتیجه آن توسعه در اختیارات فقیه حاکم است، و چه از باب حسنه که نتیجه آن تضییق در اختیارات فقیه حاکم است). اما از آنجاکه زمینه و شرایط برای حکمرانی فقهای نیست و آن‌ها تنکنن «عملی ندارند، پایاب به مرتب بعدی عدول کرد.
۱۵. ظاهر، حرف «و» اضافه است و بهترین ڈکرنی شد.
۱۶. در متن نشریه، کلمه «دسته» آمده است که تصحیح گردید.
۱۷. بهترین بودی به جای حرف «ای»، حرف «با» کفرمی شد.
۱۸. جمله‌ای که در ادامه ذکر می‌شود، به لحاظ ادبی و جمله‌بندی، تناسب با جمله ناقص و طلایی قبل، ندارد.
۱۹. در متن نشریه، کلمه «ویوهات» آمده است که تصحیح گردید.
۲۰. در نهض البلاعه‌های رایج، جملات و عبارت ذکر شده با مقداری تفاوت آمده است.
۲۱. در متن نشریه، کلمه «ندهیم» آمده است که تصحیح گردید.
۲۲. جبل المتنین (کلکته)، سال ۱۹، شماره ۹، ۱۸ شعبان، ۱۳۲۹، ص ۱۱۹.

حتی از تعریفه گرفتن و انتخاب وکیل ابا کنند و به من چه بگویند و میدان را برای مردمان هوای پرست معرض غیرمتدين خالی گذازند که به هزار حیله و پارتی بازی و رأی خرى و تهدیدات سرى و عنى، مقام منیع وکالت ملت به دست ناھل افتد. و مجلسی که نتیجه زحمات و مشقات و خدمات و خون ریزی های این ملت فلک‌زده است و رجای اصلاح مفاسد دوره منحوسه سابقه و تربیت اساس آسایش آتیه به آن هاست، مورد زد و خورد و تشکیل احزاب سیاسی گردد و تمام هم آن‌ها صرف تشاجرات انقلاب و اعتدال و ديموکرات و داشناکسيون و وو و گردد. و به عوض تشکیل قوای نظامی و تأمین طرق و شوارع و توسعه ثروت و تجارت، حزب نورد [؟] و سوسالیس [= سوسالیست] تشکیل شود و آدمکشی و اربعاب کارکنان درستکار متدين در دوازده دولتی بگذازند که فيصله امور مردم به آسانی و بدون رشو به بگذرد و اغراض مردم محفوظ ماند و آسایش خلق فراهم آید. بدیختانه کسانی را در عدلیه و نظمیه و بلدیه‌ها نصب کردن که غیرازگرفتن معاش زیاده و بی شرف کاری و شهوت رانی و از دیاد تعذیبات و پرکردن جبب خود فائده دیگرندشت.

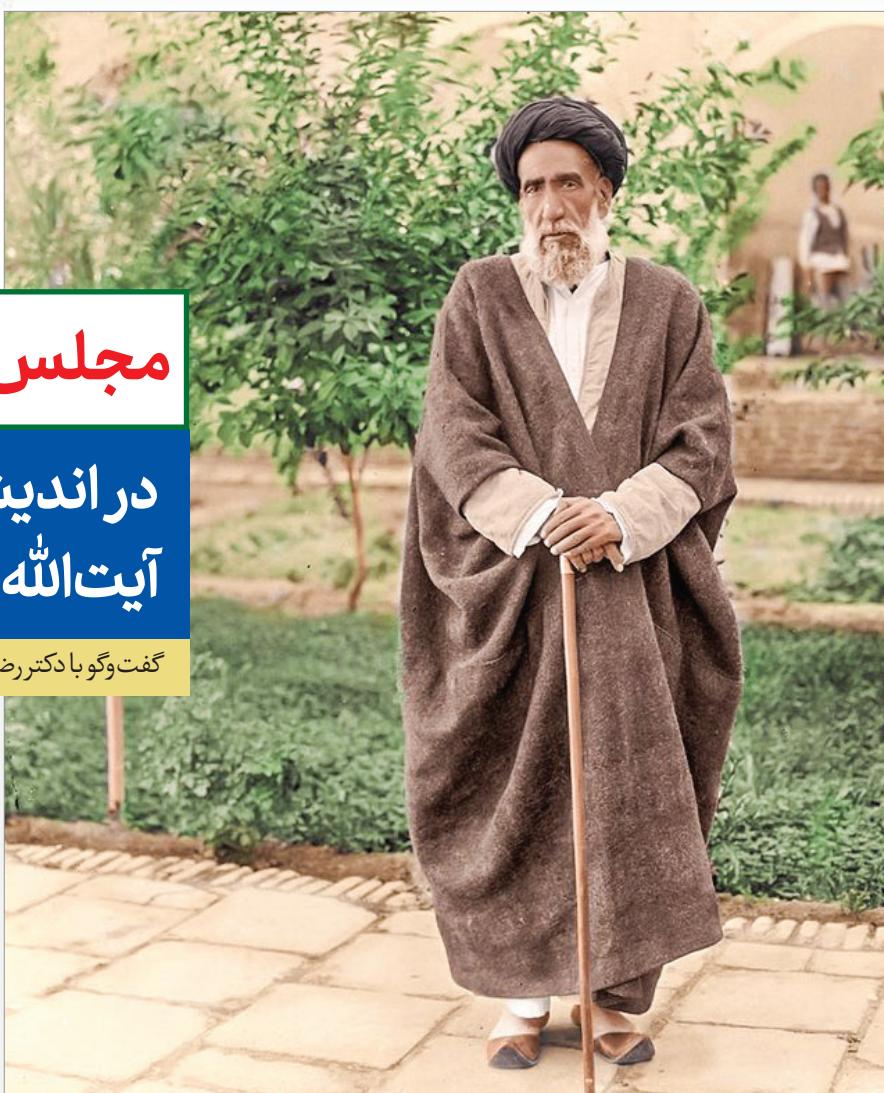
### ▪ عوایق انتصاب غیراصلاح

هر روز فریادها [و] ناله‌ها از اطراف بلدان بلند، شکایات متکاشه از مخربین دولتی به مقام منیع ریاست روحانی می‌رسید که رئیس عالیه فلان محل به رشوه و غرض شخصی حقوق شرعیه را بطال کند، نظمیه فلان بلد چنین سلوک کند، بلدیه فلان نقطه به ارتکاب نامشروع، قاطبه اهالی را بستوه آرد و به عوض آن که تقاضی مقام منیع روحانی کنند و این آزادی از رقیت را که از مبنی بزرگ حضرت شکر از آن‌ها برآیند و به حفظ نوامیس شرع منیف، آن وجودات مبارکه را دلگرم شد که مطاعتی نفوذی را که مذهب قویم اثنا عشری برای علمای ربانی و رؤسای روحانی مقرب فرموده و دیباچه کتاب سعادت و سرمایه حفظ دین و دنیا مسلمین و یگانه حارس و نگهبان ممالک اسلامیه است، سلب چنین نعمت و موهبت الهیه را سرلوحه مرانامه خود نوشت و اشاره اهالی آزاد و قانوناً مجاز و قسمی رفتار نمودند که قاطبه اهالی آزوی دوره منحوسه استبداد می‌کردن، و مردمان عوام ساده وجھاً سطحی نظر، این مفاسد را از آثار مشروطه تختیل نمودند و کثیری از آزادی خواهان، ارجاعی شدند؛ [اما] غفلت از این [مطلوب کردن] که این مفاسد تمام تقصیر خود ملت است.

اگر آن وقیعی که به قاطبه ملت گفتند بی‌اید تعریفه بگیرید [و] وکیل صحیح المسک و العقیده انتخاب کنید، قاطبه اهالی تعریفه گرفته بودند و به من چکاره از نگفته بودند، خود را سهیم این آب و خاک [و] شریک این سلطنت [= حکومت] می‌دانستند و در مجالس و محافل می‌نشستند و بحث و مشورت می‌کردند، اشخاص صحیح عالم متدين فعل انتخاب می‌کردند و وکالت مجلس ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی را به آن‌ها می‌سپردند و رأی فروشی و خاطرخواهی و غیرذلک در کار نمی‌آمد، این خاری‌ها حادث و این مقاصد ظاهر نمی‌گشت. معروف است که خود کرده را چاره نیست، باید سوخت و ساخت. حال ای ملت ایران، ای مسلمانان مظلوم، ای اسرائیل و انگلیس، ای غارت شدگان دزدهای خارجی و داخلی، بدانید مملکت ایران مشروطه شده [است]؛ یعنی کارهایمان باید از مجرای قانون مساوات بگذرد. مملکت مال ملت است، سلطنت مال ملت است، ایران و هرچه در اوست مال هیئت جامعه ایرانیان است. اصلاحات مفاسد این آب و خاک باید بسته افراد ملت بشود، در دوره سابقه تجربه کردید، مفاسد مسامحه و به من چه [گفتن] را دیدید و ملاحظه کردید که مسامحه در انتخاب وکلا باعث شد که دو سال تمام نه وکیل داشتید، نه وزیر داشتید، نه امنیت داشتید، نه کسی گوش به حرفتان می‌داد، نه شعائر مذهبی شما مقصون [ماند]؛ وبالآخره دین و دولت شما در شرف زوال بود.

### ▪ نامزد اصلاح از منظار امیرالمؤمنین علیه السلام

حال که موقع انتخاب جدید نزدیک و زمان محنت، مشرف به انقضاء است و تجربه تسامح در حسن انتخاب برای همه حاصل شد، از حالاً مختلفاً در حسن انتخاب همت فرموده، به کمال دقت نظر و غایت مراقبت فرمان لام الادعان اول معلم سیاسی عالم بشری حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را که در ضمن عهدنامه مالک اشتهر مقوم می‌فرماید، برلوح سینه خود نقش کنید، و برطبق آن عمل نمایید. می‌فرماید: «فاصطف لولایه اعمالک [؟] اهل الورع والعلم والسياسة، وتوخ منهم



# مجلس والگوی سیاست خارجہ آن

## دراندیشه سیاسی آیت‌الله شهید سید حسن مدرس

گفت و گو با دکتر رضا عیسی نیا، عضو هیات علمی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی



ممنونم از این که فرصتی را ایجاد کردید تا حقوقی را که شهید مدرس رهنما برگردان ملت ایران و مسلمانان دارد را یادآوری کنیم و بتوانیم اندیشه‌های ایشان را در ساخته‌های مختلف برجسته و به خودمان و دیگران یادآوری کنیم تا بتوانیم بر اساس این شیوه مشی کنیم و در سایه این حرکت به مطلوب خود در همه ابعاد دست پیدا کنیم. شهید مدرس رهنما یکی از بزرگ مردانی بود که بنای فرمایش حضرت امام رهنما القاب برای ایشان کم است و نمی‌توانیم لقبی را که شایسته و معرف ایشان باشد را انتخاب کنیم.

ملی یا مصالح اسلامی دست پیدا کنیم. این مسئله نیز در بحث‌های شهید مدرس رهنما خودش رانشان می‌دهد.

### ۳. دست یابی به اهداف

سومین مسئله، دست یابی به اهداف تعیین شده است که نیازهای امنیتی، استراتژیک، سیاسی، فرهنگی و نظامی را باتوجه به اهداف بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت بررسی می‌کنیم که در فرمایشات شهید مدرس رهنما می‌توانیم این بحث را دنبال کنیم که اولویت سیاست خارجی با دولت‌های اسلامی باشد یا دیگر دولت‌ها.

### ۴. شناسایی صحنه بین المللی

مسئله چهارم، شناسایی صحنه بین المللی است. بنابراین سیاست خارجہ نیازمند یک قاعده و تدبیر است که از مبانی استخارج می‌شوند و مثلاً می‌گوییم در تعاملات سیاست خارجی این قواعد از قرآن کریم استخارج می‌شود. بنابراین برپایه این اصول سیاست خارجہ را دنبال می‌کنیم.

### ▪ پنج اصل برآمده از مبانی سیاست خارجہ ایران

در اینجا به پنج اصل برآمده از مبانی در سیاست خارجہ ایران اشاره می‌کنیم. از نگاه اندیشمندان مسلمان و از جمله آن‌ها شهید مدرس رهنما، در سیاست خارجہ جمهوری اسلامی ایران چند اصل دنبال می‌شود که از جمله آن‌ها:

#### (الف) اصل عدم سلطه جویی و سلطه پذیری

اصل عدم سلطه جویی و سلطه پذیری و یا اصل نفی سبیل است که برآسان آیه ۲۷۹ سوره بقره که خداوند متعال می‌فرماید: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» برآمده است. اگرچه این آیه به مسائل اقتصادی و مسائل ربوی اشاره دارد، اما از آن استفاده می‌شود که در سیاست خارجہ نیز باید به کسی ظلم کنیم و نباید اجازه بدیم که کسی به ما ظلم کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه به این معنا اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «فَإِمَّا الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۹) که ما قیام کردیم تا افرادی که در جامعه ما نزلدگی می‌کنند از ظلم ظالمین در امنیت باشند. شهید مطهری در تفسیر این فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: یعنی مردمان هم

### ▪ الگوی سیاست خارجہ دراندیشه سیاسی شهید مدرس رهنما

در این گفت و گو دو محور را برپایه اندیشه شهید مدرس رهنما مورد بحث قرار می‌دهیم. محور اول، می‌تواند سیاست خارجہ باشد که سیاست خارجہ چیست؟ و بر اساس کدام الگوی روش می‌تواند به پیش رو و موقیت‌هایی را کسب کند.

### ▪ شهید مدرس رهنما بر اساس کدام اصل سیاست خارجی خود را انتخاب می‌کرد؟

در تعریف اهل سیاست، سیاست خارجہ عبارت است از: «استراتژی هایی که دولت‌ها در عرصه بین المللی جهت کسب اهداف خود اتخاذ می‌کنند». در اینجا چند بحث وجود دارد. اینجا بحث استراتژی‌ها مطرح است. چنانچه نقاط ضعف و قوت محیط داخلی تهدید‌ها و فرصت‌های محیط بیرونی را بررسی کنیم، می‌توانیم چهار روش را مطرح کنیم.

### ▪ استراتژی یاموقعيت یک دولت می‌تواند چهار صورت داشته باشد

(الف) تداعی: چراکه از لحاظ درونی ضعیف است و از لحاظ بیرونی نیز تهدید را دارد.  
(ب) محافظه کارانه: گاهی استراتژی سیاست خارجی یک دولت به گونه‌ای است که به لحاظ شرایط درونی و بیرونی محافظه کارانه عمل می‌کند.

### ▪ استراتژی رقابتی

(ج) استراتژی تهاجمی: این‌ها چهار استراتژی است که توسط دولت‌های مختلف دنبال می‌شود. در قرن بیستم در ساماندهی زندگی اجتماعی انسان‌ها به سه بخش اعتقاد داشتند که شامل بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی است. ما در این بحث در بخش دولتی به مستندسازی اندیشه شهید مدرس رهنما می‌پردازیم بنابراین در بررسی سیگنال‌های سیاست خارجی یک دولت به چهار عامل توجه می‌کنیم.

### ▪ تصمیم‌گیران (هیئت حاکمه)

اول، وجود تصمیم‌گیران است. در هر دورانی یک هیئت حاکمه با سلسه مرتبی که هست وجود دارد که شامل سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه است. در بحث سیاست خارجہ و در بخش قوه مجریه به وزارت امور خارجہ توجه می‌کنیم که در تصمیم‌گیری سیاست خارجی نقش ایفا می‌کند. به عنوان مثال در جریان کاپیتالیسون مجلس سنا و مجلس شورای ملی تصمیم‌گیری می‌کند و وزارت خارجہ این تصمیم را اعمال می‌کند.

### ▪ استراتژی

مسئله دوم در بررسی سیاست خارجہ یک کشور استراتژی است تا بینینم با کدام استراتژی می‌توانیم به منافع

میزان رأی ملت است



به دست آورده‌ایم و دیگران نمی‌توانند آن را به ما بدهند. باید به اینجا برسیم که خودمان باشیم، نه این‌که دیگران از ما تعریف کنند.

در مجموعه مذاکرات ایشان به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس شورای ملی آمده است: زمانی که ایشان مشغول سخنرانی در مجلس هستند رضاخان به عنوان وزیر جنگ در مجلس حضور دارند و ایشان خطاب به رضاخان می‌گویند: ای کاش شما در هنگام سخنرانی من حضور نداشتید، اما حالا که هستید اشکال ندارد و من صحبت می‌کنم و بعد ادامه می‌دهند که ما دونوع شمشیرداریم، یکی شمشیر مرصع که تزئینی است و در مراسم رژه از آن استفاده می‌شود و نوع دیگر شمشیر هم شمشیر فولادی است. در نگاه بندۀ شما که رضاخان هستید در مقام وزیر جنگ کارآمد هستید نه در پست‌های سیاسی. چراکه شما مانند شمشیر فولادی هستید و نه شمشیر مرصع. بنابراین ایشان در سیاست داخلی هم از اصل سیاست عدمی استفاده می‌کنند.

این سیاست ایشان در نهضت ملی شدن نفت هم خودش را نشان می‌دهد و کاری که سیاست مدارانی نظری‌آیت‌الله کاشانی و مصدق در نهضت ملی شدن نفت انجام دادند براساس همین سیاست عدمی شهید مدرس رهنما است که در دوران تاریک و سخت پهلوی اول چنین شعاری را در حوزه سیاست داخله و خارجه مطرح می‌کنند. این اصل در بحث روابط با کشورهای مسلمان، غیرمسلمان و انتخاب مجریان سیاست خارجه در سطح سفارت‌خانه‌ها و هم‌چنین راهکارهای تقویت سیاست خارجه و چگونگی انعقاد معاهدات در حوزه سیاست خارجه خودش را نشان می‌دهد و ایشان با هر نوع موازنۀ ایجابی و وجوهی مخالفت می‌کند؛ اولین مخالفت ایشان در بحث قرارداد ۱۹۱۹ است شهید مدرس رهنما درباره این قرارداد می‌فرمایند:

«قرارداد منحوسی بود، یک سیاست مضریه دیانت اسلام، مضریه سیاست بی‌طرفی مابود. کابینه و ثوق‌الدوله خواست ایران را زنگ بددهد، اظهار تمایل به دولت انگلیس کرد بر ضد اولت ایران قیام نمود. حال هم هر کسی تمایلی به سیاستی نماید مایعنه ملت ایران با او موافقت نخواهیم نمود؛ چه زنگ شمال و چه زنگ جنوب و چه زنگ آخر دنیا». چراکه ما ظالم یا ظلم پذیر نیستیم.

ایشان براساس این سیاست می‌گویند: ما با همه دنیا دوست هستیم. چراکه منشأ سیاست ما دیانت ماست. از آنجایی که بین سیاست و دیانت عینیت قائل هستیم با همه دنیا مدامی که کسی متعرض ناشده باشد، دوست هستیم. برخی در تعریف سیاست معتقد به دوستی یادشمنی ابدی با برخی کشورها هستند. اما ایشان می‌گویند: این که می‌گوییم با همه دنیا دوست هستیم، اصلی عام است، الا مخرج بالدلیل است؛ یعنی زمانی که کسی متعرض ما شد دیگر با او دوستی نداریم. حالا این طرف مقابل می‌تواند عثمانی باشد یا دولتی غیر مسلمان یا... ایشان می‌گویند: اگر کسی به ما تعذری کند، ما او را با تبعیغ می‌زینیم. بنابراین سیاست اعلامی ایشان این است که ما با همه دوست هستیم، مگراین که برخی متعرض ما بشوند.

#### ▪ شیاهت‌های حیات سیاسی دوران شهید مدرس بازمان حاضر

دورانی که شهید مدرس رهنما زندگی می‌کند، با دوران ماتفاق‌ت‌زیادی ندارد. در آن زمان برخی از قدرت‌ها تلاش می‌کرند دولت‌مردان ایرانی را به سمت خود بکشانند و از برخی دولت‌مردان تعریف می‌کنند. شهید مدرس رهنما براساس سیاست عدمی در این رابطه می‌گویند: «من دوست ندارم یکی از دولت‌ها خواهد استقلال اقتصادی دست پیدا نکنیم، استقلال سیاسی ما دچار مشکل خواهد بود. بنابراین لازم است به پروژه‌های صادرات و واردات توجه کنیم تا استقلال اقتصادی خود را حفظ کنیم و چنانچه قادر به ایجاد استقلال اقتصادی نباشیم، استقلال سیاسی ما شکننده خواهد بود.

#### ▪ شهید مدرس رهنما و استقلال سیاسی

شهید مدرس رهنما در بحث استقلال سیاسی بحث سیار زیبایی دارند و شما می‌توانید زیبایی این بحث را قضایت کنید. ایشان اعتقاد دارند زمانی یک کشور می‌تواند خود را مستقل و دارای قدرت و هویت و قابل ایفای نقش در جهان بداند که دارای دو مفهوم باشد.

#### ▪ جامعه جابلس او جابقا

ایشان می‌فرمایند: کشور باید جابقا و جابلس باشد.<sup>۱</sup> در لغت نامه دهخدا حدود پنج صفحه در رابطه با دو اصطلاح جابقا و جابلس توضیح می‌دهد. خلاصه مطلب این که جامعه جابلس و جابقا جامعه‌ای است که با تمام کشورها دارای ارتباط و مراوده باشد؛ بنابراین ایشان پایه بحث را روی این مفهوم قرار می‌دهند که لازم است با همه کشورها مراوده داشته باشیم.

در نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر در رابطه تعامل با دیگران آمده است، «وَأَشْعِرْ قَبْكَ الرَّحْمَةِ لِلرَّعِيَةِ وَالْمُسْكَنَةِ لَهُمْ وَالْلَطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُنْ عَلَيْهِمْ سَبْعاً ضَارِيًّا تُعَذِّبُنَمْ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صَنَفَانِ: إِمَّا أَخْ لَكَ فِي الْتَّيْنِ وَإِمَّا نَظِيرِكَ فِي الْحَلْقِ» (نامه ۵۳ نهج البلاغه) ایشان نیز این‌گونه به مسئله ورود پیدا می‌کند و می‌گوید کشور قوی، کشوری است که به هر سو دروازه‌ای داشته باشد و در هر کشوری سفیری داشته باشد که بتواند حرف خود را به گوش دیگران برساند.

#### ▪ اصل موازنۀ عدمی

سخن دیگری از شهید مدرس رهنما که بتوانیم براساس آن تفکرات ایشان را دنبال کنیم این است که ایشان می‌گویند: اصل دیگر در مسئله استقلال سیاسی اصل موازنۀ عدمی است. شعار نه شرقی و نه غربی برگرفته از همان اصل موازنۀ عدمی

روجیه ظلم‌ستیری داشته باشند و هم روچیه عدم پذیرش ظلم. یعنی کسانی که بر ملت حکومت می‌کنند، لازم است هم عدالت ایجابی داشته باشند و هم عدالت سلبی. یعنی نه اجازه بدهند به کسی ظلم بشود و نه خودشان به کسی ظلم کنند. بنابراین اصل اول، اصل عدم سلطه است که اعتقاد شهید مدرس رهنما به این اصل را مستند خواهیم کرد.

#### ▪ اصل دعوت

اصل دوم نیز اصل دعوت است که یکی از اصول در تدبیر سیاست خارجه برای دست یابی به منافع ملی و مسائل اسلامی است.

#### ▪ (ج) اصل التزام به تعهدات و پیمان‌های بین‌المللی

#### ▪ (د) اصل تأییف قلوب

#### ▪ (ه) اصل هم‌زیستی مساملت آمیز

این‌هاصولی است که در بحث سیاست خارجه براساس مبانی و منابع ماستخراج می‌شوند. البته اصول دیگری نیز وجود دارد که ما به همین پنج اصل اکتفا می‌کنیم.

#### ▪ استقلال سیاسی در اندیشه شهید مدرس رهنما

بحث‌های شهید مدرس رهنما در سیاست خارجه شامل دو محور است. یک محور بحث‌های صرفاً سیاسی است که نام آن را بحث استقلال سیاسی می‌گذاریم؛ شهید مدرس رهنما از این بحث می‌کنند که چگونه به استقلال سیاسی دست پیدا کنیم. محور دوم این است که تدام و پایداری استقلال در سیاست خارجه به چه مسائلی وابسته است.

#### ▪ رابطه و تلازم استقلال سیاسی با استقلال اقتصادی

در بحث‌های مقام معظم رهبری می‌بینیم که ایشان می‌فرمایند: دست یابی به استقلال سیاسی بداند سیاست مهندسی بداند و دست یابی به استقلال اقتصادی ممکن نیست. یعنی استقلال سیاسی نسبت به استقلال اقتصادی دارای تلازم هستند و چنانچه به استقلال اقتصادی دست پیدا نکنیم، استقلال سیاسی ما دچار مشکل خواهد بود. بنابراین لازم است به پروژه‌های صادرات و واردات توجه کنیم تا استقلال حکومتی ما دچار انحطاط در حوزه جامعه کشاورزی و جامعه تجاری نشود. بنده در مقاله «اکرانمه چهار دولت جمهوری اسلامی ایران و استقلال» اشاره‌ای به این مطلب داشته‌ام. این مقاله شامل بحث در مورد استقلال سیاسی در چهار دولت سازندگی، اصلاحات، عدالت‌خواه و اعتدال است. در این مقاله به راهبرها نیز اشاره شده است. با وجود این که دولت‌مردان را خود ما انتخاب می‌کنیم، اما چنانچه به اقتصادی خود را حفظ کنیم و چنانچه قادر به ایجاد استقلال اقتصادی نباشیم، استقلال سیاسی ما شکننده خواهد بود.

#### ▪ شهید مدرس رهنما و استقلال سیاسی

شهید مدرس رهنما در بحث استقلال سیاسی بحث سیار زیبایی دارند و شما می‌توانید زیبایی این بحث را قضایت کنید. ایشان اعتقاد دارند زمانی یک کشور می‌تواند خود را مستقل و دارای قدرت و هویت و قابل ایفای نقش در جهان بداند که دارای دو مفهوم باشد.

#### ▪ جامعه جابلس او جابقا

ایشان می‌فرمایند: کشور باید جابقا و جابلس باشد.<sup>۲</sup> در لغت نامه دهخدا حدود پنج صفحه در رابطه با دو اصطلاح جابقا و جابلس توضیح می‌دهد. خلاصه مطلب این که جامعه جابلس و جابقا جامعه‌ای است که با تمام کشورها دارای ارتباط و مراوده باشد؛ بنابراین ایشان پایه بحث را روی این مفهوم قرار می‌دهند که لازم است با همه کشورها مراوده داشته باشیم.

#### ▪ اصل موازنۀ عدمی

سخن دیگری از شهید مدرس رهنما که بتوانیم براساس آن تفکرات ایشان را دنبال کنیم این است که ایشان می‌گویند: اصل دیگر در مسئله استقلال سیاسی اصل موازنۀ عدمی است. شعار نه شرقی و نه غربی برگرفته از همان اصل موازنۀ عدمی

شهید مدرس رهنما است. معنای آن این است که هویت ما چیزی است که خود

▪ پی‌نوشت‌ها

۱. جابقاً و جابقاً (یا جابقاً و جابرساً / جابرساً / جابلاص / جابلاص)، نام دو شهر تمثیلی در جغرافیای قدیم به ترتیب در سرحد مشرق و مغرب عالم می‌باشد.

۲. پنج دوره تدوینی مجلس شورای ملی، جلد اول، ص ۴۲۳

# ویژگی‌های نامزد اصلاح و وظایف رأی دهنگان

## از منظر آیت الله العظمی بهجت فیض



اشاره: کسانی حق انتخاب شدن و امین مردم با ایمان در مورد دین و دنیا بودن را دارند، که از رجال با عقل کامل کافی و ایمان کامل از شیعه اثنی عشریه و با علم به مسائل شرعیه در شخصیات و اجتماعیات و باشند؛ و ازان‌هایی باشند که در اظهارات و تروک، «لا يخافون في الله لومة لائم» باشند؛ و از رشوه‌ها و تخویفات و نحو آن‌ها دور باشند.

در پی سوالات مکرر از آیت الله العظمی بهجت درباره انتخابات و ویژگی‌های نامزد اصلاح و وظایف رأی دهنگان، معظم‌له برای تبیین شرایط نامزدهای انتخاباتی و وظایف رأی دهنگان و در حقیقت به سوالات مطرح در بین مردم این که، «چه کسی حق انتخاب شدن دارد؟ چه کسی حق دارد امین مردم در امر دنیا و دین باشد؟ به چه کسی حق داریم رأی بدیم؟» دو بیانیه به شرح ذیل صادر نمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على سيد الانبياء محمد وآل他的 الاصحاء الطاهرين.  
وبعد، چنان‌که مکرراً از شرکت در انتخابات سؤال شده، در جواب آن‌ها، آنچه اظهار شده است، بیان می‌شود: این‌جانب، جهات سلبیه و اثباتیه<sup>۱</sup> را متعرض می‌شوم. کسانی که بنا دارند در رأی دادن و یا انتخاب شدن، شرکت نمایند، باید متذکر باشند که کسانی حق انتخاب شدن و امین مردم با ایمان در مورد دین و دنیا بودن را دارند، که از رجال با عقل کامل کافی و ایمان کامل از شیعه اثنی عشریه و با علم به مسائل شرعیه در شخصیات و اجتماعیات و باشند؛ و ازان‌هایی باشند که در اظهارات و تروک، «لا يخافون في الله لومة لائم»<sup>۲</sup> باشند؛ و از رشوه‌ها و تخویفات و نحو آن‌ها دور باشند. نظر نکنند که تا به حال چه بود؛ بلکه نظر نمایند که از حال چه باید بشود و چه باید نشود. و باید پرهیزکار و خداترس باشند، اراده خدای تعالی را برهمه چیز ترجیح بدهند.

### عواقب رأی دادن به افاده غیراصلاح

اگر فاقد بعض صفات باشند، اهل اعتمان<sup>۳</sup> نیستند، و رأی دادن برای فاقدانها بی‌اثرات است، بلکه جایز هم نیست؛ مشکوک هم، متروک است.<sup>۴</sup> تفحص هم، باید کامل باشد و بدون مداخله دوستی و دشمنی در امور نفسانیه باشد. در حال رأی دادن و گرفتن، خدای عظیم را ناظر به تمام خصوصیات همه بدانند. کسانی هم که واحد خصوصیات مذکوره باشند. که جایز باشد رأی دادن و گرفتن درباره آن‌ها. واجب می‌شود با توانایی، اگر بدانند یا احتمال بدهند که فاقد بعض آن‌ها، رأی خواهند گرفت.<sup>۵</sup>

مالحظه نمایید دُول کفر را [که] چگونه انتخاب می‌نمایند و انتخاب می‌شوند، و چه کسانی انتخاب می‌شوند، و از چه راه‌هایی انتخاب می‌شوند، و چه آرائی در مجلس‌های خودشان اظهار می‌کنند، و دولت‌های آن‌ها چه عملیاتی بر طبق قانون مملکت و برخلاف قانون عقل و دین - حتی ادیان منسخه آن‌ها - انجام می‌دهند که فساد و افساد آن‌ها برهمه عقلاً دنیا آشکار است؛ [و] مخالفت نمایید با چگونگی کارهای آن‌ها و چگونگی وسائل و اسباب و مسیبات آن‌ها، که مطابقت با هیچ دین اصل دار و هیچ قانون عقل پسند، ندارند.

### بیانیه دوم انتخاباتی

با اشاره به آنچه در سال گذشته تذکر داده شده بود، از بیاناتی که اختصاص به زمانی و مکانی ندارد و در آن‌ها تعیین توصیفی - که اتم و اعم و احسن و اکمل و ادوم از تعیین اسمی است - شده بود.  
از «حدیفه»<sup>۶</sup> مروی است که فرمود: «کانوا پیسلون رسول الله عن الخبر و كثيأسأله عن الشر»؛ باید بدانیم «شر» چیست و «أهل شر» کیست تا فرار از آن نمایم، و «خير» چیست و «أهل خير» کیست تا به سوی آن فرار نماییم. باید اهل انتخاب، در پیاده کردن کُبّیات در صُفّیات، و کلیات در جزئیات، روشن و با احتیاط باشند، و رضای خدای بزرگ را مقدم بر رضای غیر نمایند. و فحص از عقاید متدلین که اصلاح باشند نمایند و در روشنی توقف ننمایند و در تاریکی حرکت ننمایند. و از رشوه دادن و گرفتن (شیوه دُول کفر)، دور باشند. با متذلین از عقلا، که محیط به مسائل شرعیه و با ایمان اعتقادی و عملی، و پرهیزکار، و با تدبیر، و شجاعت، و اعتدال فکری و مسلکی، باشند و با غیر آن‌ها سروکار نداشته باشند، و مسلمان‌ها را گرفتار نکنند و کاری نکنند که در پشیمانی از آن، تدارک نیست.

### وطن فروشی شاخصه اصلی نامزد غیراصلاح

از وطن فروشی و وطن فروشان که غایت محبت دُول کفر است، دور باشید. عواقب وطن فروشان به دول کفر را ملاحظه ننمایید! دیدیم و می‌بینیم که به مُحلّل‌های خودشان و فانمی‌کنند، مگر تازمانی که چاره ندارند؛ و پس از آن، جز پشیمانی و عاقبت سوء برای تابعین آن‌ها نمی‌ماند. باید بدانیم که هیچ نقصی در ممالک اسلامیه نیست که منسوب به دول کفر نباشد؛ و آنچه منسوب به آن‌ها است، نقص در اسلام و ایمان است، یا منتهی به آن است.



# رضایت و تسلیم در برابر خداوند

## مسئولیت رأی دهنده‌گان و انتخاب شونده‌گان

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

کسانی که رأی می‌دهند باید افراد را بشناسند که این شخص واقعاً تسلیم امر خداوند باشد و مصلحت مملکت اسلامی را بفهمد و اصول و ارزش‌های اسلامی را حفظ کند.

همه موظب باشند که در انتخاب، اغراض دنیا و ارتباطات شخصی راملاک قرار ندهند بلکه مصلحت دین، مصلحت جامعه و مملکت را در نظر بگیرند.

در روایات داریم که اگر شخصی، کسی را برای یک کار اجتماعی منصوب کند در حالی که افراد دیگری که از او صالح تر هستند وجود داشته باشند، به خدا خیانت کرده است.

در حالی که افراد دیگری که از او صالح تر باشند وجود داشته باشند می‌فرماید «فقد خان الله»؛ به خدا خیانت کرده است.

بدانید تمام زندگی گزینش و انتخاب است. انسان اگر ملاحظه کند، در تمام برنامه‌ها مسئله انتخاب را مشاهده می‌کند، نهایت این است که در جاهایی این گزینش و انتخاب خیلی ظهرور دارد.

همین مسئله انتخابات که در پیش است - بدون جار و جنجال‌های رسانه‌ای و روزنامه‌ها - همه مردمی که رأی می‌دهند باید افراد را بشناسند که این شخص واقعاً تسلیم امر خداوند است و مصلحت مملکت اسلامی را می‌فهمد و اصول و ارزش‌های اسلامی را حفظ می‌کند و هم شجاعت دارد که اگر براین اساس عمل شود، مدینه فاضله تشکیل می‌شود.

رأی دادن مسئله آسانی نیست. برخی گمان می‌کنند همین طور باید رأی داد.

از خداوند منان مسئلت که این مملکت و مردم شریف آن را در پناه عنایت حضرت ولی عصر علیه السلام از جمیع خطرات و نقشه‌های شوم دشمنان مصون و محظوظ بدارد و به همه توفيق دهد که رضای خاطر شریف آن حضرت را در کارها و برنامه‌ها به دست آوریم، مقصد اصلی ما این است که آن وجود مقدس از ما راضی و خشنود باشد.

### ▪ چند استفتاء درباره انتخابات

انتقاد از نامزدهای انتخابات و بیان نکات منفی آن‌ها برای دیگران چه حکمی دارد؟

در صورتی که در مقام مشورت برای رأی دادن باشد و فقط نقاط ضعفی را که مربوط به حوزه فعالیت او است، بیان نمایند، اشکال ندارد؛ اما توهین، تحقیر، مذمت و تهمت نسبت به مؤمن، حرام است.

نظر حضرت عالی در مورد رأی دادن در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری چیست؟

باید مردان متدين و صالح که کفایت محافظت از قوانین اسلام و حقوق ضعفاء و شئون جامعه اسلامی را داشته باشند انتخاب شوند.

کسی که شناخت کامل نسبت به نامزدهای ریاست جمهوری یا نامیندگان مجلس ندارد و تنها اطلاع او براساس پوسترها تبلیغاتی است می‌تواند به چنین شخصی رأی بدهد؟

به افرادی که شناخت کامل و لازم دارند رأی بدهند.



بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى: «أَقْمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحُقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهَدَى فَمَا لِكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»  
مسئله انتخاب و گزینش، مسئله بسیار مهمی است. این مسئولیت - که بنهاده باید اشخاصی را برای امور مسلمان‌ها و برای جهات مختلفی که مصالح عالیه اسلام در رشته‌های مختلف تربیتی، فرهنگی، اقتصادی، قضایی و سیاسی و اجتماعی باید تأمین بشود انتخاب کنم - مسئله بسیار خطیری است.

### ▪ مسئولیت خطیر نامزدهای انتخاباتی

تکلیف خیلی بزرگ است؛ آن‌هایی که می‌خواهند عهده دار این انتخاب شوند باید بدانند که مسئولیت شان بسیار سخت است و باید جواب بدene و البته اگر انجام وظیفه کنند و دلسوی و غم خوار دین باشند و مصالح اسلام را در نظر بگیرند، ثوابش هم خیلی زیاد است همان‌طور که در روایات هست این هاخلفای خدا یعنی جانشینان خداوند می‌شوند؛ یعنی کسانی که موظبیت می‌کنند تا سیر جامعه، سیر اسلامی و دینی باشد، سیر خدایی باشد. همه الى الله و به سوی خدا سیر کنند. سمت و سوی همه ائمه علیهم السلام پیش بروند.

### ▪ قیام و قعود نامیندگان برای خدا بآشده

آن‌هایی که در مجلس قیام و قعود می‌کنند، مسئله بسیار مهمی است. باید قیامی که می‌کنند و یا اگر قیام نمی‌کنند، همه روی حساب و مصلحت باشند و خیر مردم و جامعه را در نظر داشته باشند.

همه موظب باشند که در انتخاب افراد، اغراض دنیا و ارتباطات شخصی قرار ندهند بلکه مصلحت دین، مصلحت جامعه و مملکت را در نظر بگیرند. همه این روایت را در نظر داشته باشید که فرمودند: «الإِيمَانُ أَمْتَنِي بِخَيْرٍ مَا لَتَرَ الأَمَانَةَ مَغْنِمًا وَالصَّدَقَةَ مَغْرِمًا». حضرت رسول علیه السلام می‌فرمایند: امت من همیشه در خیر و خوبی است مدامی که امانت و مسئولیت را برای خود غنیمت ندانسته و صدقه دادن را ضرر نداند.

اگر شخصی منصبی را گرفت و به مقامی رسید، آن را غنیمت نداند به طوری که فرزندان و کسان خودش را وارد کند که در این، خیر نیست.

### ▪ وظیفه خطیر مردم در عرصه انتخابات

کسانی که می‌خواهند انتخاب کنند، باید خودشان بدانند که کار بزرگی به آن‌ها واگذار شده است.

در روایتی داریم که اگر شخصی، کسی را برای یک کار اجتماعی منصوب کند

# ضرورت انتخاب اصلاح

## مسئولیت همگانی در معرفی و انتخاب اصلاح

### از منظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی



معیارگزینش افراد، و شرایط و صفات لازم در آنها، بستگی و تناسب نزدیکی با میزان مسئولیت‌های آنان دارد؛ چراکه هر نوع مسئولیتی یک نوع شرایط و صفات را ایجاب می‌کند.

حکومت اسلامی مسیر خود را زیراً یعنی از حکومت الله به سوی مردم طی می‌کند؛ لذا می‌تواند کاملاً بر موازین حکومت مردمی منطبق گردد. با این تفاوت که برخلاف سیستم حکومت غیر اسلامی، که این شرایط در آن مطلقاً مطرح نیست؛ لیکن در نامزدهای «مسئول اجرائی» حکومت اسلامی، یک سلسله شرایط از نظر اسلام، ایمان، امانت و تقوا قبلاً باید احراز گردد، این همان تفاوت مهمی است که حکومت‌های الهی را از حکومت‌های مادی جدا می‌سازد؛ هر چند هر دو ممکن است در شکل حکومت مردمی ظاهر گردد.

از این‌رو «مسئولان بالای نظام اجرائی» با مشورت و مشارکت مردم انتخاب می‌شوند تا همکاری صمیمانه‌تری در میان آن‌ها باشد؛ و این نمی‌شود مگر این‌که مردم در انتخاب آن‌ها به نحوی خواه به طور مستقیم یا غیرمستقیم دخالت داشته باشند؛ به ویژه در عصر و زمان ما که فرهنگ عمومی حاکم بر جوامع انسانی، فرهنگ مشارکت عمومی در امر حکومت است.

بنابراین قبل از افراد متعددی که صلاحیت برای این منصب مهم را دارند و شرایط لازم را برای این وظیفه حساس طبق تصدیق خبرگان صالح و بی‌نظر احراز کردند؛ به مردم معزفی می‌شوند. سپس مردم طبق یک برنامه انتخاباتی صحیح و سالم در امرگزینش یکی از آن‌ها شرکت می‌کنند و آنچه را مصدق اصلاح می‌بینند بر می‌گزینند.

نمی‌داند، لیکن اگر صالحی باشد و اصلاحی، باید سراغ اصلاح رفت.

**▪ کوتها در انتخاب اصلاح؛ خیانت به خدا، رسول**

**اکرم و مؤمنین است**

در اسلام روی مسأله «انتخاب اصلاح، تأکید شده است؛ چنان‌که، در تاریخ زندگی پیغمبر اسلام ﷺ آمده است که او از میان تمام مسلمانان، جوان بیست و چند ساله‌ای را به نام «عَتَّاب بْن اسِيد» برای فرمانداری «مکه» برگزید؛ و فرمانی به نام وی صادر کرد، چون انتخاب این جوان با توجه به کمی تجربیات او، در میان اصحاب ویاران سوال انگیزی بود و کمتر مردی در گزینش‌های پیامبر ﷺ شیوه‌آن پیدا می‌شد که برای مرکز بسیار حساسی هم چون مکه فرد بسیار جوانی را انتخاب کند، با یک جمله به تمام سُؤالاتی که در اذهان مطرح بود پاسخ داد، رو به سوی «عَتَّاب» کرده فرمود: «ای عَتَّاب آیا می‌دانی تو را برای چه به این مقام برگزیدم؟ و بر کدام قوم فرمانروا کردم؟ تو را فرماندار اهل اللہ عزیز جل (اهل حرم خدا و ساکنان مکه) نمودم؛ و اگر در میان مسلمانان کسی را برای این مقام «شایسته‌تر» از تو می‌یافتم، این کار را به او می‌سپردم!».

### ▪ ضرورت انتخاب اصلاح در آموزه‌های اسلامی

در انتخاب فرد اصلاح را در قالب یک دستور کلی بیان نموده و می‌فرماید: «مَنْ وَلَىٰ مِنْ أُمُّ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا فَوْلَىٰ رَجُلًا وَهُوَ يَجُدُّ مَنْ هُوَ أَصْلَعُ لِلْمُسْلِمِينَ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛ کسی که چیزی از امور مسلمین را بر عهده گیرد، سپس فردی را عهده‌دار کارمه‌تی کند، در حالی که فرد اصلاح از او را می‌باید، خیانت به خدا و رسول او کرده است!».

و نیز در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است: «مَنْ قَلَدَ رَجُلًا عَلَىٰ عَصَابَةٍ وَهُوَ يَحْدُثُ فِي تُلُوكِ الْعِصَابَةِ أُضِيَّ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَخَانَ الْمُؤْمِنِينَ؛ کسی که کارگوهی را بر عهده کسی بگذارد که در میان آن گروه فردی از او شایسته‌تر بپیدا می‌شود، خیانت به خدا و رسول خدا و مؤمنین کرده است!».

### ▪ هرگز باید با وجود «اصلاح» به سراغ «اصلاح» رفت

بدیهی است همیشه معیارگزینش افراد و شرایط و صفات لازم در آن‌ها، بستگی و تناسب نزدیکی با میزان مسئولیت‌های آنان دارد؛ چراکه هر نوع مسئولیتی یک نوع شرایط و صفات را ایجاب می‌کند.

لذا هر قدر مسئولیت‌ها سنگین‌تر و گسترده‌تر باشد، شرایط آن نیز به همان نسبت سنگین‌تر و گسترده‌تر خواهد بود. در حقیقت اصل «انتخاب اصلاح» یکی از اصولی ترین شرایط برای انتخاب مدیران است. در تبیین این مسأله باید گفت رابطه صالح و اصلاح در گونه ای است: گاهی صالح و اصلاح فاصله زیادی دارند، که اگر اصلاح را رهایی کنند و سراغ صالح بروند عرف می‌گوید خیانت است، گاهی صالح و اصلاح فاصله سنت آگاه‌تر است، خیانت به خدا و رسول او و جمیع مسلمانان کرده است.

در همین زمینه و در فرازی دیگر، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا عَنِ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ بَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْلَى بِذَلِكِ مِنْهُ، وَأَعْلَمُ بِكِتابِ اللَّهِ وَسُئْلَةَ نَسِيْهِ، فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَجَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ؛ هر کس از میان مسلمانان فرمانداری را برگزیند در حالی که می‌داند دیگری نسبت به او، اولویت دارد و به قرآن و سنت آگاه‌تر است، خیانت به خدا و رسول او و جمیع مسلمانان کرده است.

## میزان رأی ملت است



از روشن‌ترین نشانه‌های این انقلاب این است که همگان در راستای ساختن خود و دیگران و تشکیل یک گروه نیرومند، شایسته، شجاع و آگاه که پیچ‌مدار انقلاب باشد کوشش کنیم. لذا انتخاب فرد اصلاح مسأله کلیدی است که نقش مستقیمی در سرنوشت مردم ایفا می‌کند. در این میان بازخوانی تاریخ انقلاب ما را در انتخاب اصلاح کمک می‌کند. از نظر فقه اسلامی نیز باید با وجود «اصلاح» به سراغ صالح و یا با وجود «صالح» به سراغ «غیر صالح» رفت.

امیدواریم خداوند عنایت کند کسی که اصلاح باشد را بیاورد و بتواند مشکلات مردم را حل، نقاط ضعف را برطرف و نقاط قوت را تقویت کند.

پایگاه اطلاع‌رسانی آیت الله العظمی مکارم شیرازی

دریاداشتی تبیین شد

# انتخاب اصلاح

## از منظر آیت‌الله العظمی جوادی‌آملی

با تکیه برآیه ۵۵ سوره یوسف می‌توان نتیجه گرفت شخص اصلاح در انتخاب مردم باید کسی باشد که از دو فضیلت حکومتی؛ یعنی امانت‌داری و تخصص برخودار باشد و اگر فاقد هریک از این دو باشد، قطعاً لیاقت تصدی امر زمامداری مردم را نخواهد داشت؛ چون اگر امانت‌دار نباشد، مال، جان و ناموس مردم که در حکومت به او سپرده شده‌اند، این نخواهد بود و او ممکن است که در جایی که بخواهد، منفعت شخصی یا حزبی خود را تأمین کند، هر آینه به این امانت چنگ‌اندازی کرده و آن راتباه و نابود سازد و اگر متخصص نباشد، منابع ملی را هدرداده و موجب تضعیف بُنیه نظام و مردم خواهد شد و اگر هیچ‌یک را نداشته باشد، وضع مملکت را به جای می‌کشاند که ظلم، فساد، تبعیض و رانت، روزبه روز گسترش و عدالت اجتماعی روزبه روز کاهش پیدا کند و در حالی که خود و کابینه‌اش در بهترین وضع رفاهی به سرمی برند، مردم و رعیت وزیرستانش در حاشیه شهرها و خانه‌های فرسوده بدون بهره‌مندی از امکانات عمومی در فقر و فلاکت سپری کنند.



براساس نظرات فقهی حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی امانت‌داری، تقوا، مدبر بودن و داشتن تخصص کافی، از ضروریات کسی است که ادراک‌کشوار را به دست می‌گیرد. قبل از این‌که انسان در رابطه با هر موضوعی دست به نوشتن ببرد یا بخواهد ایراد خطابه‌ای بکند، باید ایدئولوژی خود را مشخص کند که با چه نوع جهان بینی در رابطه با یک موضوع خاص، قصد ارائه اندیشه‌های خود به دیگران را دارد. طبعاً آن‌چه از یک مسلمان و یک شیعه دوازده‌امامی توقع می‌رود، این است که اگر در صدد تبیین اندیشه خود برای دیگران است، این اندیشه را از چهار منبع اسلامی یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع برگرفته باشد و الا آن اندیشه از نظر اسلام و تابعین این دین مقدس فاقد اعتبار خواهد بود. یک از موضوعاتی که در جامعه امروز و به خصوص در این برده زمانی بسیار از آن سخن گفته می‌شود و مورد توجه اقشار مختلف سیاسی و اجتماعی قرار گرفته، موضوع «انتخاب اصلاح و بررسی مبانی آن از منابع اسلامی» است که چون متأسفانه در این زمینه کار زیادی نشده، هریک از احزاب و گروه‌ها سعی دارند، با تفسیر منابع دینی و تطبیق آن بر فرد مورد نظر خود، از این آب‌گل آسوده‌ای بگیرند و کاندیدای مورد نظرشان را فرد اصلاح معرفی کنند.

بود، وارد زندان شد و به دیدار او شتافت و سلام و درود فرمانروا را به یوسف علیه السلام ابلاغ کرد و اظهار داشت که او علاقه شدیدی به توپیدا کرده است و به درخواستی که داشتی (دائره تحقیق و جست و جواز زنان مصدر در مورد تو) جامه عمل پوشانیده و همگی با کمال صراحة به پاکی و بی‌گناهی گواهی داده‌اند؛ اکنون دیگر مجال درنگ نیست! برخیزتا نزد او برویم.

یوسف علیه السلام به نزد ملک آمد و با او به گفت و گونشست و هنگامی که ملک با اوی گفت و گوکرد و سخنان پرمغز و پرمایه یوسف علیه السلام را که از علم و هوش و درایت فوق العاده‌ای حکایت می‌کرد، شنید، بیش از پیش شیفته و دل باخته او شد و گفت: تو امروز نزد ما دارای منزلت عالی و اختیارات وسیع هستی و مورد اعتماد و وثوق ما گواهی بود. تو باید امروز در این کشور، مصدر کارهای مهم باشی و بر اصلاح امور همت کنی؛ چراکه طبق تعییری که از خواب من کرده‌ای، بحران اقتصادی شدیدی برای این کشور در پیش است و من فکرمی کنم، تنها کسی که می‌تواند براین بحران غلبه کند، تو بی.

### امانت‌دار بودن حضرت یوسف علیه السلام

در این هنگام یوسف علیه السلام خود پیشنهاد کرد که خزانه‌دار کشور مصر باشد و گفت: «مرا در رأس خزانه‌داری این سرزمین قرار ده؛ چراکه من هم امانت‌دار و متخصص خوبی هستم و هم به اسرار این کار واقفم.

### ضعف مدیریت ریشه نابسامانی و ظلم در کشور

یوسف علیه السلام می‌دانست که ریشه مهم نابسامانی‌های آن جامعه مملو از ظلم و ستم، در مسائل مدیریتی نهفته است؛ اکنون که آن‌ها به حکم اجبار به سراغ او آمدند، چه بهتر که نبضم مدیریت کشور مصرا در دست گیرد و به یاری مستضعفان بستابد. از تبعیض‌های آن‌جا که قدرت دارد، بکاهد و حق مظلومان را از ظالمان بگیرد، و به وضع بی‌سروسامان آن کشور پنهان‌ور سامان بی‌خشد.

یوسف علیه السلام در این ماجرا فرست راغیمیت شمرد و منتظر آن نماند که به او پیشنهاد پست و مقامی شود و چون در وجود خود می‌دید که می‌تواند با قبول این منصب، مردم و به ویژه مستضعفان را بیاری کند، خود پیش قدم شد و پیشنهاد مدیریت اقتصادی حکومت را به «ملک» داد و اونیز این پیشنهاد استقبال کرد.

**▪ مدیریت حضرت یوسف علیه السلام در سطح کلان کشور**  
ما در این مختصر کوشیده‌ایم، با تکیه برآیه ۵۵ سوره مبارکه یوسف علیه السلام که موضوع آن مدیریت حضرت یوسف علیه السلام در سطح کلان و مسئولیت او در سطح بالای حکومت است، راه برده صحیح در خصوصیات شخص اصلاح ارائه کنیم تا با تبیین مشخصات اصلاح از این آیه شریفه، امر تطبیق اصلاح بر افراد جامعه، سهل و آسان شود و به راحتی بتوانند در انتخابات پیش رو و سایر انتخابات، در این وظیفه خطیز، عملکردی صحیح داشته باشند و با انتخاب اصلاح جامعه را به سمت رشد و تعالی سوق دهند.

### تقوا، علم و تخصص حضرت یوسف علیه السلام در اداره کشور

در آیه ۵۵ سوره مبارکه یوسف علیه السلام آمده است: «قال اجلعلنى على خزائن الأرض إني حفيظ عليم» (یوسف علیه السلام) گفت: مرا سرپرست خزان سرزمین (مصر) قرار ده که امانت‌دار و علیم (متخصص) هستم. آیه فوق به قسمتی از زندگی یوسف علیه السلام اشاره دارد که پس از این‌که سختی‌ها و مراتب‌های تهمت و افراطی همسر عزیز مصر را تحمل کرده بود، سرانجام پاکدامنی او بر همه ثابت شد و حتی دشمنانش به پاکیش شهادت دادند، و ثابت شد که تنها گناه او که به خاطر آن، وی را به زندان افکنندند، چیزی جز پاکدامنی، تقوا و پرهیزکاری نبوده است.

در ضمن با جلوه‌ای که یوسف علیه السلام از علم و تخصص خود در زمان زندانی بودنش نشان داد، معلوم شد که این زندانی یک انسان معمولی نیست؛ بلکه کانونی از علم و آگاهی و هوشیاری و استعداد مدیریت در یک سطح بسیار عالی است؛ چراکه در ضمن تعبیر خواب «ملک» (سلطان مصر)، راه نجات از مشکلات پیچیده اقتصادی آینده را نیز به آن‌ها نشان داد.

یوسف علیه السلام در زندان بود که نماینده ویژه «ملک» در حالی که حامل پیام گرم او



وظایف و مسئولیت خطیف انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان اویژه‌نامه انتخابات |

منصبی صورت گیرد، هیچ توجیهی ندارد و تخلفی است که باید از آن جلوگیری شود.

#### ■ امانت داری امیرالمؤمنین علیهم السلام نسبت به بیتالمال مسلمین

ابن شهرآشوب در جلد دوم کتاب، صفحه ۱۰۹ داستانی را از حضرت علی علیهم السلام نقل می‌کند که عقیل از امیرالمؤمنین علیهم السلام درخواست مبلغ صد هزار درهم جهت پرداخت دیون خود کرد و چون متوجه شد، حضرت مال شخصی ندارند که به او بدهند، از ایشان خواست تا از بیتالمال مبلغی را به او قرض بدهند و حضرت ضمن رعایت کامل مسئله امانت داری نسبت به بیتالمال، در جواب برادرشان فرمودند: «اگر از مال یک نفر زدی کنی، بهتر آن است که از اموال همه مسلمانان دزدی کنی؟، چراکه بیتالمال، مال همه مسلمین است».

بسیاری از مدیران در حکومت، هر چند خود انسان‌های خوبی هستند؛ ولی به سبب فرزنددوستی، برادردوستی و... گفتار خیانت در امانت می‌شوند و دنیا و آخرت خودشان را به خاطر این حب بی‌جا، آلوده و خراب می‌کنند و رستگاری و ارجمندی نزد خدا و خلق خدا را که می‌توانستند با امانت داری کسب کنند، با جهنّم سوزان و رسوانی دنیوی عرض می‌کنند.

#### ■ تخصص از ضروریات شخص اصلاح برای تصدی امر حکومتی

خصوصیت دیگری که در آیه ۵۵ سوره یوسف به آن اشاره شده بود و از ضروریات شخص اصلاح برای تصدی امور حکومتی عنوان شده بود، خصیصه «تخصص» است که یوسف علیهم السلام خود را در آیه مذکور، به وصف «علیم» به معنای متخصص و دانا در امور، به عنوان اصلاح به پادشاه مصر معرفی کرد.

باتوجه به محدودیت حکومت در زمان حضرت یوسف علیهم السلام به دخالت حکومت در بعضی از شئون زندگی مردم، او خود را متخصص در آن شئون معرفی کرد؛ اما امروزه باتوجه به گسترش حکومتها و ورود حکومت در همه ابعاد زندگی رعیت، نظری حوزه سلامت و بهداشت، حوزه آموزش و پژوهش، حوزه رفاه و امور اجتماعی و ابعاد دیگر، شخص متخصص حکومت طبعاً نمی‌تواند شخصاً واجد تخصص در همه این امور باشد؛ اما می‌تواند با تشکیل یک دولت متخصص و کارآمد، خصیصه «تخصص» را در منصب خود تحقق بخشد.

پس شخص اصلاح به جز دارا بودن امانت داری و تقوی، باید تخصص و کارآمدی لام رانیزداشته باشد تا بتواند از منابع موجود و ثروت‌های بیتالمال، درفع حوائج مردم در همه زمینه‌ها استفاده کند.

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که دارای ذخائر سرشار نفت و گاز و معادن بسیار زیادی است؛ اما با این حال تنوانتهایم، نسبت به دارایی و امکانات مان، به رشد و توسعه قابل قبولی برسیم و از این منابع به نوح احسن استفاده کنیم و علت این امر چیزی به جزنا کارآمدی دولت‌های استفاده تخصصی از این منابع نبوده است. متأسفانه در برخی از نهادها و سازمان‌های دولتی گزینش افراد بدون درنظر گرفتن تخصص و تجربه قبلی فرد صورت می‌گیرد و بعضاً در مصالحه‌ها، صرفاً شرایط و مسائل تعهدی و دینی فرد مورد بررسی قرار می‌گیرد و هیچ‌گونه بررسی تخصصی و کاری و توان انجام کار مورد توجه واقع نمی‌شود که باید باتوجه داشت، هرچند امانت داری وصف لام برای انتخاب یک فرد صالح در تصدی یک مسئولیت است؛ اما نمی‌توان انتظار داشت که این امر ملاک تأیید تخصص و مهارت فرد در مشاغل مختلف قرار گیرد.

لذا باتکیه بر آیه ۵۵ سوره یوسف می‌توان نتیجه گرفت شخص اصلاح در انتخاب مردم باید کسی باشد که از دو فضیلت حکومتی؛ یعنی امانت داری و تخصص برخوردار باشد و اگر فاقد هر یک از این دو باشد، قطعاً لیاقت تصدی امر زمامداری مردم را نخواهد داشت؛ چون اگر امانت دار نباشد، مال، جان و ناموس مردم که در حکومت به او سپرده شده‌اند، این نخواهد بود و او ممکن است که در جایی که بخواهد، منفعت شخصی یا حزبی خود را تأمین کند، هر آینه به این امانت چنگ‌اندازی کرده و آن را بآه و نابود سازد و اگر متخصص نباشد، منابع ملی را هدر داده و موجب تضعیف بُنیه نظام و مردم خواهد شد و اگر هیچ‌یک را نداشته باشد، وضع مملکت را به جایی می‌کشاند که ظلم، فساد، تبعیض و رانت، روز به روز گسترش و عدالت اجتماعی روز به روز کاهش پیدا کند و در حالی که خود و کابینه‌اش در بهترین وضع رفاهی به سرمی‌برند، مردم و رعیت وزیرستانش در حاشیه شهرها و خانه‌های فرسوده بدون بهره‌مندی از امکانات عمومی در فقر و فلاکت سپری کنند.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی وسائل



نکته قابل توجه در این داستان این است که یوسف علیهم السلام هنگامی که می‌خواست خود را برای تصدی مدیریت بخشی از مسئولیت‌های مصر معرفی کند، به وجود دو صفت «امانت داری» و «تخصص» اشاره کرد و خود را با این دو صفت، دارای صلاحیت تصدی این امردانست و به نوعی خود را به عنوان «اصلاح» به پادشاه مصر عرضه داشت و پادشاه که دو صفت «امانت داری» و «تخصص» را منطبق با یوسف علیهم السلام می‌داند، او را بر مقام مورد درخواست او تنفیذ کرد.

#### ■ امانت داری از خصوصیات ضروری کارگزار در نظام حکومت

«امانت داری» خصوصیتی است که طبق آیه ۵۵ سوره یوسف علیهم السلام، از ضروریات و ملزومات یک کارگزار در یک نظام حکومتی است و هرچه درجه و منصب در حکومت بالاتر رود، اهمیت این خصیصه نیز بیشتر خواهد شد و لذا از یک مسئول جزء گرفته تا مسئولیتی که دارای مدیریت کلان در یک نظام حکومتی هستند، باید واجد این وصف باشند و لا جامعه دچار اختلالاتی نظری فاصله طبقاتی، حقوق‌های نجومی، املاک نجومی، اختلاس‌های نظام یافته و... خواهد شد.

بنابراین، حاکم و کارگزار باید شرایط امانت داری را بشناسد و همه حقوق صاحب اصلی امانت را مراجعات کرده و درنهایت به صاحب آن بازگرداند و صد بیته مراجعات حقوق حکومت به عنوان و دیعه و امانت الهی برای کسانی که از این امانت بهره می‌برند، آثار و برکاتی دارد که در آیات قرآن و روایات به آن اشاره شده است.

همان طور که در آیات و روایات برکاتی برای رعایت امانت بیان شده، هم چنین در منابع دینی و متون اسلامی تبعاتی نیز برای خیانت و عدم رعایت امانت داری بیان کرده که با مطالعه سطحی و غیر عمیق در یک جامعه و تطبیق آن تبعات بروضع موجود جامعه، می‌توان به امانت داری کارگزاران یک جامعه یا خیانت مسئولان آن جامعه در اموال و امورات مردم پی برد. در جامعه‌ای که حق مظلوم از ظالم ستانده نمی‌شود، انحصار طلبی و خودبودترینی بیداد می‌کند و بی تقویتی و ستم ورزی به اوج خود رسیده و مسئولین در خانه‌های میلیاردی و اشرافی زندگی می‌کنند؛ در حالی که زیردستان آن‌ها و رعیت عموماً زیر خط فقر هستند و از حداقل امکانات رفاهی بپرهیز ندارند، نشان از این دارد که کارگزاران کلان آن جامعه و به تبع آن‌ها مسئولین جزء، «امانت دار» خوبی برای حکومت که از طرف مردم به آن‌ها سپرده شده است، نبوده‌اند.

#### ■ خیانت در امانت تخطی از راه ائمه اطهار علیهم السلام

در سیره اهل بیت علیهم السلام امانت داری به وجه اکمل آن مشاهده می‌شود که این سیره، نقشه راهی را پیش روی مسئولین ترسیم می‌کند که تخطی از آن، انحراف از راه ائمه اطهار علیهم السلام است. حال این انحراف با هر لباس و



می نامند؛ لذا اگر یک فقیه یا یک فیلسوف از مصلحت دم می زند و یا نهادهای قانون‌گذار از مصلحت صحبت می کنند و یا چنان‌چه مجمعی به نام تشخیص مصلحت نظام ایجاد کرده‌ایم و یا کارگزاران نظام از مصلحت صحبت می کنند، همه این‌ها باید از مصلحت شرعی صحبت کنند؛ یعنی آن‌چه را که شرع مقدس در منظمه و مجموعه خود مصلحت می نامد. بنده این بحث را در کتاب فقه و مصلحت بحث کرده‌ام و در آن مصلحت شرعی معنی شده و ضرورت مصلحت شرعی و راه‌های کشف آن و نهاد تشخیص مصلحت به همراه ابزارهای تشخیص آن....آمده است.

#### ▪ آیا مصلحت می‌تواند به عنوان مبنای فقهی قرار بگیرد؟

بدون تردید پاسخ مثبت است؛ اما باید توجه داشته باشیم که ما به عنوان امامیه معتقد‌یم، نبایستی از اسناد چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل خارج شویم. بنابراین دلیل پنجمی به نام مصلحت ایجاد نکرده‌ایم؛ اما از ادله چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل، مصالح مورد نظر شارع را به دست می‌آوریم. وقتی قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَاكُمْ أُفْوًا بِالْغَفُورِ»، مانده آیه<sup>۲۶</sup> یا می‌فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى إِلْهَمٍ وَالْعُدُوانِ» (مانده<sup>۲۷</sup>) یا زمانی که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «الْأَضْرَرُ وَالْأَضْرَارُ فِي الْإِسْلَامِ» (وسائل الشیعه، ۱۴/۲۶)، این‌ها نصوص مبین مصالح شرعی هستند. بنابراین باید مصلحت را مبنای فقه و بالمعنى الأعم، مبنای فهم دین قرار بدھیم. مستحضرید که گاهی ادله را به صورت اتمیک و مورد به مورد نگاه می‌کنیم و گاهی هم به صورت سیستمی و نظامی نگیریم. چنان‌چه این ادله در کنار هم باشند، به صورت سیستم متعاضد حلقوی است و چنان‌چه در طول هم باشند، نظام متعاضد و مفصل طولی یا هرمی است. با این توضیحات به این نکته می‌رسیم که گفت و گو و استفاده از مصلحت، کار هر کسی نیست. نمی‌خواهیم بگوییم علوم الهی وقف عده‌ای شده و موقوف علیهم دارد. اما تخصص را نیز نمی‌توانیم نادیده بگیریم؛ بلکه باید متمحض در آن علم باشد؛ چراکه ممکن است، کسی در دانش فقه صاحب نظر بوده و توان استنباط داشته باشد؛ اما باید خود را در بخش خاصی از فقه متمحض کند تا بتواند فقه موقعي را ارائه بدهد. بحث مصلحت هم به همین صورت است. کسی که می‌خواهد از مصلحت صحبت کند و به آن ورود کند، لازم است که مطالعه‌ای متصرک و طولانی مدت روی این کار داشته باشد.

#### ▪ مجلس و مصلحت

آیا ورود به مصلحت تنها کار فقها و کارگزاران نظام در اجراست؟ به عنوان مثال آیا مجلس نمی‌تواند به مقوله مصلحت ورود کند؟ پاسخ روشن است که خیر؛ مجلس هم وقتی قصد تصویب قانونی را دارد؛ به خصوص در جایی که به برنامه‌ریزی مربوط می‌شود و می‌خواهد شیوه‌های اجرایی را بررسی کند یا قصد بررسی یک لایحه را دارد و یا عضویت جمهوری اسلامی در یک معاہده یا کنوانسیون بین‌المللی را بررسی می‌کند، شکی نیست که در چنین مواردی لازم است، مصلحت کشور را در نظر بگیرد؛ اما توهم مصلحت از در نظر گرفتن مصلحت جداست. در این موارد دو چیز خود را به صورت برجسته نشان می‌دهد.

#### الف) تخصص

یکی تخصص است که اگر بحث در مجلس شورای اسلامی باشد، نمایندگان مجلس، اگر بحث در مجمع تشخیص مصلحت باشد، اعضای مجمع و اگر بحث در شورای نگهبان باشد، فقهای شورای نگهبان باید نظر بدهند؛ بنابراین گفته نشود که شورای نگهبان کاری با مصلحت نداشته باشد.

#### ب) پرهیاز جناح بندی

مسئله دوم دوری از هر نوع جناح بندی و دخالت دادن فکر سیاسی خاص و یا گروهی که به آن وابسته هستیم؛ بنابراین مصلحت اندیشی باید از استثنای خارج باشد و شرط ورود یک شخص یا یک نهاد به عنصر مصلحت شرعی، بعد از اطلاع از دین، کارشناس بودن و امین بودن است. حضرت یوسف فرمود: «إِنَّ حَفِيظَ عَلِيِّمٍ» (یوسف/۵۵) «حَفِيظٌ» یعنی این که من امانت دار هستم و مصلحت مردم را حفظ می‌کنم و «عَلِيِّمٍ» یعنی خبره و اهل آگاهی هستم. چنان‌چه به این صورت باشد، مجلس می‌تواند در محدوده خود ورود کند؛ اما مجلس قادر نیست یک حکم مسلم فقهی و شرعی را به نام مصلحت دست کاری کند؛ بلکه در آن‌چه که به خود مجلس مربوط می‌شود، می‌تواند و باید مصالح را بینند.

گاهی وقتی از مصلحت صحبت می‌شود، مانند این است که مسئله‌ای خارج از دین را وارد دین می‌کنیم. چنان‌چه شخصی بگویید: در حال حاضر مصلحت این است، فارغ از یک بحث علمی که بگویند به این دلایل مصلحت نیست یا هست، طرف مقابل را متهم به مصلحت اندیشی می‌کنند و مسائلی پیش می‌آید که نه صلاح کشور و نه صلاح نظام است و نه صلاح انقلاب و نه مردم؛ بنابراین در موضوع‌گیری‌ها نسبت به مصلحت باید دقت کیم.

#### ▪ پی‌نوشت‌ها

۱. نظامی‌گری یا میلیتاریسم یک ایدئولوژی است که معتقد است، توان ارتضی سرچشمه و منبع همه امنیت‌هاست. نظامی‌گری در ملاجم‌ترین شکل خود، به این گزاره باور دارد که «آشتب از راه توانمندی نظامی» می‌سرم شود و آمادگی نظامی، بهترین راه دست‌یابی به صلح است.



## مجلس و عنصر مصلحت

آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست

#### ▪ چیستی مصلحت!

زمانی که برای نوشتن کتابی مشغول تحقیق درباره فقه و مصلحت بودم، از من سوال شد، نظر شما راجع به مصلحت چیست؟ در پاسخ گفتم: مصلحت سوزه‌ای است که پرداختن به ضرورت خطرناک برای تصمیمات خطرناک تر و ضروری تراست؛ چراکه نمی‌شود از دین اسلام به عنوان دین خاتم و خاتم و یک دین جهانی و جاودانی و یک دین جامع دم بزنیم و به سراغ نهاد مصلحت نزیم؛ چه برای فهم و چه برای فهم شریعت که کار فقه است. چنان‌چه نمی‌توان از حکومت اسلامی دم زد و در عین حال بگوییم: کاری با مصلحت نداریم. بنابراین در حال این‌که گفت و گواز این نهاد یک ضرورت است، توجه به اجرای آن نیز یک ضرورت است؛ اما مصلحت خطرناک نیز هست؛ چراکه می‌بینیم در طول تاریخ در موارد متعددی کج اندیشی و بدفهمی از دین صورت گرفته و فتاوی غیرمنضبطی هرچند در جهان غیرشیعه به اسم مصلحت صادر شده است. همان‌گونه که به نام مصلحت تصمیمات خطرناکی گرفته شده که خون‌های زیادی ریخته شده و حقوق زیادی سلب شده و آزادی‌های بسیاری دفع شده است. همان‌گونه که عرض شد، ما نمی‌توانیم در اجراء مصلحت را نادیده بگوییم؛ اما چنان‌چه نهاد آن را تعیین نکنیم و دقت نکنیم و یا سلایق شخصی را به نام مصلحت اجرا کنیم، هر آن از دین خدا و شریعت فاصله خواهیم گرفت. به هر حال پرداختن به نهاد مصلحت در بحث‌های نظری و استفاده از آن در اجراء عمل، ضرورتی خطرناک است که هم لازم است و هم نیاز به مواضع بسیار دارد.

#### ▪ مفهوم‌شناسی و مصادق‌شناسی مصلحت

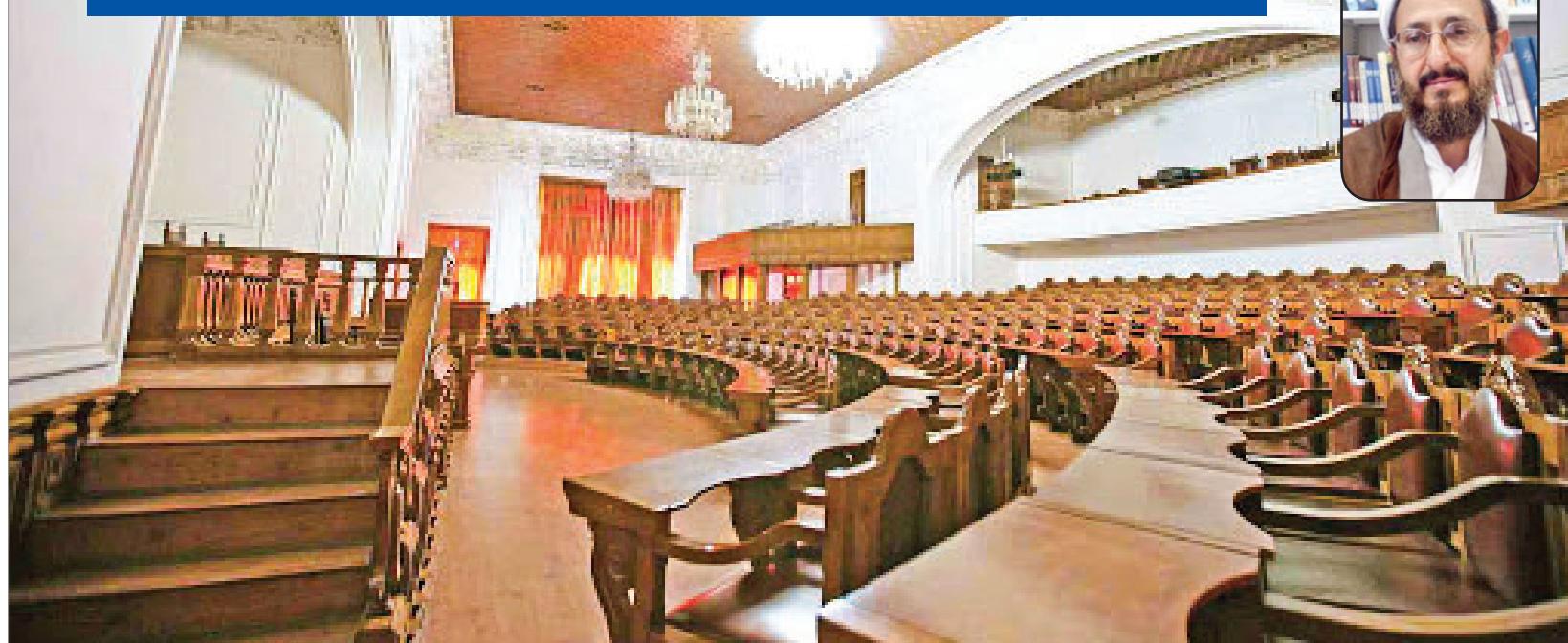
وقتی از مصلحت صحبت به میان می‌آوریم، منظور ما مصلحت شرعی است. ممکن است برخی اندیشه‌ها را داشته باشیم که هر منفعتی یا هر نوع رفاه و راحتی را مصلحت قلمداد کند. اولمانیزم، حاکمیت اراده انسان را عین مصلحت می‌داند. گاهی برای تأمین منافع یک کشور به نام مصلحت اقداماتی انجام می‌دهند و به عنوان مثال جهان را پر از سلاح می‌کنند تا کسب سود کند و میلیتاریسم<sup>۱</sup> را مصلحت، می‌نامند و یا در سیاست به راحتی دروغ پردازی می‌کنند و می‌گویند: هدف وسیله را توجیه می‌کند و ما کیاولیسم را مصلحت



# نگاهی تاریخی به جایگاه و نقش روحانیت در مجلس

## از عصر مشروطه تا پهلوی

گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین رضا رمضان نرگسی  
استاد تاریخ معاصر و عضو گروه تاریخ و اندیشه معاصر مؤسسه امام خمینی



### ▪ مدرس و شناخت اواز تاثیرگذاری مجلس

بعد از انحلال مجلس دوم، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی به نجف اشرف برگشتند؛ اما مرحوم مدرس خودش را کاندیدا کرد و وارد مجلس شد. یعنی ایشان اهمیت مجلس را درک کردند. بعد هم ایشان در مجلس چهارم حضور پیدا کرد و در مجلس پنجم یاششم بود که رضاخان تقلب سراسری کرد که مرحوم مدرس داشت. هم‌چنین در دوران جنگ جهانی اول بعد از اولتیماتوم روسیه مجلس نداشتیم. اما در همان سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ هجری و هم‌چنین در خلال سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۳۰۴ در کشور ما مجلس وجود داشت. هم‌چنین در دوران جنگ جهانی اول به خوبی مشخص بود. هم‌چنین در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ مجلس اهمیت خود را به خوبی نشان داد. هم‌چنین در دوران کنونی تفاوت میان مجلس مستقل و مجلس غیرمستقل به خوبی نمایان است.

بنده در ابتداء مقداری در باب اهمیت مجلس صحبت می‌کنم. جمله معروفی که حضرت امام فرمودند که مجلس در رأس امور است، به این معنی نیست که مجلس سکاندار کشور است، بلکه منظور ایشان اهمیت مجلس است و این اهمیت مخصوص زمان خاصی نیست. حتی در دوران کوتاه مشروطه که در سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ هجری و هم‌چنین در خلال سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۳۰۴ در کشور ما مجلس وجود داشت. هم‌چنین در دوران جنگ جهانی اول بعد از اولتیماتوم روسیه مجلس نداشتیم. اما در همان سال‌های کوتاهی که در ایران مجلس شورای ملی وجود داشت، اهمیت آن به خوبی مشخص بود. هم‌چنین در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ مجلس اهمیت خود را به خوبی نشان داد. هم‌چنین در دوران کنونی تفاوت میان مجلس مستقل و مجلس غیرمستقل به خوبی نمایان است.

### ▪ مجلس و کارآمدی!

یکی از نکاتی که باعث کارآمدی مجلس می‌شود وجود افراد کارآمد و به اصطلاح وزنه در مجلس است. امزوه جنین شخصیت‌هایی انجیله بالایی برای شرکت در انتخابات مجلس ندارند و برعکس افرادی که به دنبال کسب قدرت هستند، علاقمندی زیادی برای شرکت در انتخابات مجلس نشان می‌دهند. در حالی که در تاریخ معاصر ایران کسانی را در مجلس می‌بینیم که در سطح بالای جامعه حضور داشتند. به عنوان مثال بعد از تشکیل مجلس دوم شورای ملی، مرحوم آخوند خراسانی افرادی نظری سید حسن مدرس و سید ابوالحسن اصفهانی که بعدها مرجع تقليید شد و سید عبدالله بهبهانی را به عنوان هیئت ناظرین به مجلس فرستاد. آن زمان هیئت ناظرات مانند امروز در بیرون از مجلس حضور نداشتند. بلکه افرادی بودند که از طرف علماء در مجلس حضور داشتند.

البته آن زمان مرحوم شیخ فضل الله نوری با این هیئت ناظرین مخالفت کرده و اعتقاد داشتند لازم است این شورا مانند روزگار امروز در بیرون از مجلس و مانند شورای نگهبان امروزی عمل کند تا ناظر بر مجلس باشد. اما چیزی که در آن مجلس تصویب شد این طور بود که علماء پنج نفر را به عنوان افرادی که نماینده آنها در مجلس هستند، معرفی می‌کردند. به هر حال افرادی مانند ابوالحسن اصفهانی وزنه‌ای بودند و بعدها مرجع تقليید شدند. در کنار ایشان نیز افرادی مانند مرحوم سید حسن مدرس حضور پیدا کردند.

اگر مرحوم مدرس هم بعد از انحلال مجلس دوم مانند مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی به نجف اشرف بر می‌گشتند، ایشان هم مرجع می‌شدند. یعنی ایشان به لحاظ جایگاه علمی دارای جایگاه ممتازی بودند. مرحوم آخوند فقط این دو نفر را در کنار سید عبدالله بهبهانی که تبعید شده بودند انتخاب کردند و به مرحوم بهبهانی گفتند: من شخص دیگری را سراغ ندارم و دو نفر دیگر را برای تکمیل شدن پنج نفره هیئت ناظرین خود شما انتخاب کنید.

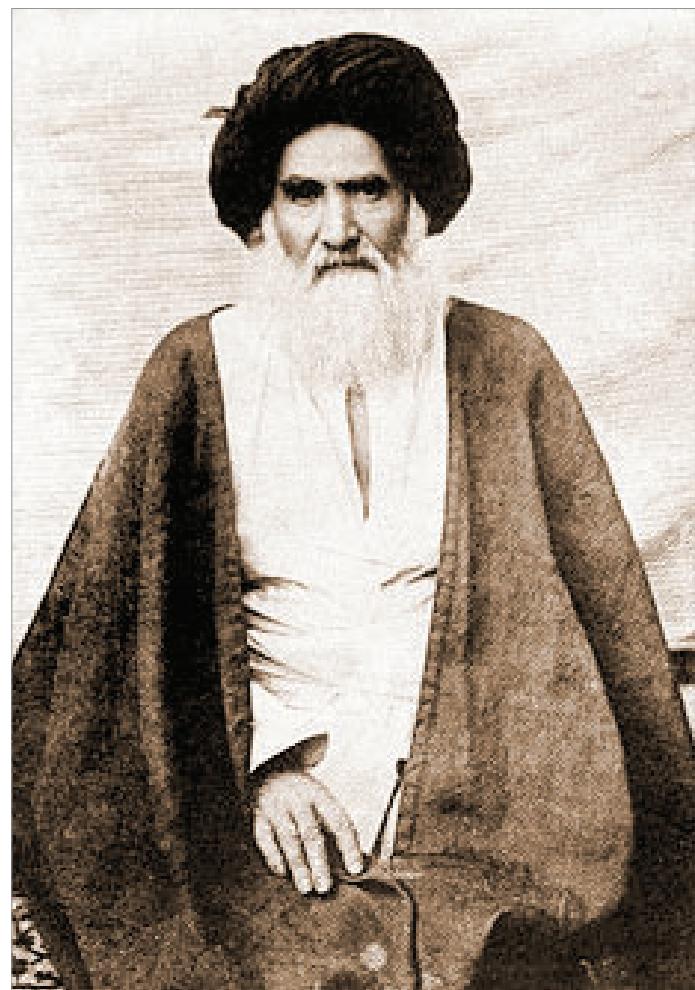
## میزان رأی ملت است



### هفته‌نامه افق حوزه

۲۲

بهمن ۱۳۹۸؛ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱؛ فوریه ۲۰۲۰



در مجلس دوم مرحوم مدرس و مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در مجلس حضور پیدا کردند کسی نمی‌توانست با آن‌ها مخالفت کند و حتی اگر در ظاهر رأی دیگری داشتند اما در دل شان حرف ایشان را قبول داشتند. بنابراین رئیس ظاهیری مجلس شخص دیگری بود و رئیس باطنی مجلس مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی بود.

امروزه در مجلس خبرگان وزنه‌های علمی حضور دارند، اما لازم است در دوره‌های مختلف مجلس وزنه‌های علمی حضور داشته باشند و علمای شناخته شده واستخوان خود کرده‌ای که حتی شأن اجتماعی بالای دارند در مجلس حضور پیدا کنند تا مجلس را کنترل کنند. حضور چنین وزنه‌هایی در مجلس شورای ملی باعث شد وقتی مسئله تغییر خط از فارسی به لاتین مطرح شود، چنان فضایی در مجلس ایجاد شود که حق این مسئله به صورت لایحه وارد مجلس نشد. و یا مانند قرارداد ۱۹۱۹ که شباهت‌های زیادی به برجام دارد در آن مجلس اجرایی نشود.

برای عقب نماندن از قافله بر ضد این قرارداد موضع گیری کردند. این مسئله خیلی حائز اهمیت است که افراد دارای نفوذ اجتماعی در مجلس حاضر باشند تا اگر مسئله خلافی در مجلس مطرح شود، چنین افرادی نه تنها مجلس، بلکه جامعه را علیه این مسئله خلاف بسیج کنند.

در مسئله تغییر خط آنقدر مسئله پُرنگ شد که به طرفداران این مسئله به عنوان افرادی که از غربی‌ها پول گرفته‌اند، یا قصد دارند قرآن را از سکه بیندازند، نگاه می‌شدو فضا به گونه‌ای علیه موافقان این مسئله به وجود آمد که البته آن‌ها دلیل ارائه می‌دادند؛ نظیر این‌که خط فارسی دارای اعراب نیست یا آموخت آن سخت است و... اما آیت‌الله مدرس که دارای شأن اجتماعی بسیار بزرگی بودند با آن مخالفت کردند.

بته ایشان بسیار مردمی بودند و حتی گاهی به یک نفریقال مسائل مجلس را توضیح می‌دادند و در پاسخ به اعتراضاتی که به ایشان می‌شد، می‌فرمودند: این‌ها ولی نعمت ما هستند و این‌ها به ما رأی داده‌اند تا به مجلس برویم. ایشان زمانی که متوجه شدند حریف رضاخان نمی‌شوند، حتی تلاش کردن تا رضاخان را جذب کنند. آقای منذر از قول سیدحسین لنکرانی برای مانع می‌کردن که زن مستوفی الممالک نقل کردن که یک شب سیدحسین مدرس و رضاخان و شوهر من در منزل ما جلسه داشتند. بعد از چند ساعت جلسه موقع خروج دیدم رضاخان به سیدحسین مدرس می‌گوید: سید اگر این چیزی را که تو می‌خواهی انجام بد هم من را از بین می‌برند. همین نوکری که برای من چای می‌آورد من را از بین می‌برد.

جواب نمی‌دهد و چون نمی‌توانند از رأی و نظرشان در رأی‌گیری مجلس دفاع کنند، بنابراین شفاف‌سازی آراء در مجلس را تحمل نمی‌کنند تا نظرشات پنهان بمانند. از سوی دیگر به دلیل برخی منافع با یک حزب به اشتراک رسیده‌اند و مجبور به قبول برخی نظرات هستند. چراکه مسئله منافع فردی و گروهی آشکار است. به عنوان مثال وقتی گفته می‌شود، بنزین پتروشیمی آلاینده است و بعد بنزینی بدتر از آن را وارد می‌کنند مشخص است که منافع شخصی یا گروهی در میان است. آن چیزی که این مسائل را حل می‌کند حضور یک وزنه قدرتمند دینی در مجلس است.

#### دلياهي مجلس دوم در عصر مشروطه

در مجلس دوم مرحوم مدرس و مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در مجلس حضور پیدا کردند، کسی نمی‌توانست با آن‌ها مخالفت کند و حتی اگر در ظاهر رأی دیگری داشتند، اما در دل شان حرف ایشان را قبول داشتند. بنابراین رئیس ظاهیری مجلس شخص دیگری بود و رئیس باطنی مجلس مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی بود. امروزه در مجلس خبرگان وزنه‌های علمی حضور دارند، اما لازم است در دوره‌های مختلف مجلس وزنه‌های علمی حضور داشته باشند و علمای شناخته شده و استخوان خود کرده‌ای که حتی شأن اجتماعی بالای دارند تا مجلس را کنترل کنند. حضور چنین وزنه‌هایی در مجلس شورای ملی باعث شد وقتی مسئله تغییر خط از فارسی به لاتین مطرح شود، چنان فضایی در مجلس ایجاد شود که حتی این مسئله به صورت لایحه وارد مجلس نشد. و یا مانند قرارداد ۱۹۱۹ که شباهت‌های زیادی به برجام دارد در آن مجلس اجرایی نشود.

#### شباهت‌های قرارداد ۱۹۱۹ و برجام

قرارداد ۱۹۱۹ به صورت مخفیانه میان دولت ایران و دولت انگلستان به امضاء رسید و حتی قبل از امضاء آن، شروع به اجرای آن کردند. وقتی مجلس آن‌زمان متوجه چنین مسئله‌ای شد، به سرعت در برابر آن موضع گیری کرد و مرحوم مدرس با توجه به این‌که یک وزنه علمی بود، علما و تمام جامعه را علیه این قرارداد بسیج کرد. یعنی آنقدر مسئله در جامعه پُرنگ شد که حتی افراد غرب‌گرایی مانند رضاخان و یحیی دولت‌آبادی<sup>۱</sup> هم بر ضد آن موضع گرفتند. چراکه می‌دیدند هر کس علیه این قرارداد موضع گیری نکند، مارک انگلیسی بودن به او می‌چسبد. بنابراین افراد وابسته به انگلستان مانند یحیی دولت‌آبادی هم



بنابراین سید حسن مدرس شخصی نبود که بگوید حالا اگر کار به سرانجام نرسید آن را رها کند و تا آخرین مراحل تلاش کرد تا مسئله را به سرانجام برساند و حتی تلاش کرد رضاخان را از انگلیسی‌ها جدا کند که موفق به انجام این کار نشد. بنابراین باید تا آخرین لحظه به تکلیف عمل کرد و امروزه به چنین افرادی نیاز داریم.

#### ▪ ضرورت حضور بزرگان و فقهاء تأثیرگذار در مجلس شورای اسلامی

عرض بنده این است که در روزگار کنونی لازم است علمای شناخته شده و حتی افرادی که ممکن است سخن از مرجعیت آن‌ها باشد برای حضور در مجلس اقدام کنند. اساساً مرجعیت شیعه برای امور سیاسی و اجتماعی شیعه تأسیس شده است.

ما تا قبل از سال ۱۲۰۰ هجری قمری چیزی به اسم مرجعیت شیعه نداشت. البته مجتهدین حضور داشتند اما مرجع نداشتیم. مرجع یک شأن علمی نیست. بلکه یک شأن اجتماعی و سیاسی است و حتی اشکالی ندارد افرادی در حد مراجع یا کمتر از آن وارد مجلس شوند. مسئله مجلس شوخت نیست!

در قضایای اقتصادی اخیر چنانچه وزن مجلس بالاتر بود شرایط بسیار متفاوت می‌شد. در حال حاضر افرادی در مجلس حضور ندارد که سایرین از او حرف شنوی داشته باشند و یا یک فرد مذهبی قوی در مجلس حضور ندارد که جو مجلس را در اختیار بگیرد و آن را اداره کند. بنابراین حضور علمای طراز اول در مجلس بسیار ضروری است. نباید کسی شأن خود را بالاتر از حضور در مجلس بداند و بنا بر فرمایش حضرت امام ره ما باید همه چیز خودمان حتی آبروی خودمان را برای اسلام خرج کنیم.

اگر مجلس در رأس امور است و تصمیم نهایی را برای کشور می‌گیرد، بنابراین قوی‌ترین افراد باید در مجلس حاضر باشند. بر جام توسط مجلس تصویب شد. پالمو و مسائلی مانند آن توسط مجلس تصمیم‌گیری می‌شود. مجلس می‌تواند برای برکناری یا انتخاب وزرا و یا برای تعیین قانون اساسی و در همه مسائل کشور دخالت کند. اما مجلس که فشل باشد باعث می‌شود تا کشور فشل شود. مجلس در رأس امور نه به معنای دستور دادن مجلس و اطاعت سایرین است. «لا اکراه فی الدین» (بقرة/۲۵۶) یعنی دین از روی اجبار امکان ندارد. مجلس در رأس امور هم یعنی عملای مجلس برای کشور نقش آب یا هوا برای بدن را دارد. یعنی اگر مجلس سالم باشد، کشور سالم است و اگر مجلس فاسد شد، کشور فاسد می‌شود.

#### ▪ ضرورت همراهی مجلس با نظریات رهبری

قرآن کریم در سوره جن آیات ۱۶ و ۱۷ می‌فرماید: «وَأَنْ لَوَاشْتَقَامُوا عَلَى الظَّرِيقَةِ لَأَشْقَيْنَاهُمْ مَاءً عَدَّاً لِنَفْتَنَهُمْ فِيهِ وَقَنْ يُعْرِضُ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكُهُ عَدَّاً بِإِصْدَادِهِ وَأَكْرَمِهِ وَرَزَّنِدْ قطعاً آبَ گوارای بدبختان نوشانیم و در همین مسئله آن‌ها را مورد امتحان قرار می‌دهیم و اگر از ذکر ما عراض کنند به آن‌ها عذاب روزافرون می‌چشانیم. اعراض از ذکر ما یعنی اعراض از ولی امر. همان طور که امام زمان ع می‌فرمایند: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهَةٍ حَدَّبِشَتَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدق، ج، ص ۲۸۴، اسلامیة) و مصدق امروزی حدیث ولی امر است. حتی نباید منتظر نظر ولی امر بمانیم بلکه باید نظر ایشان را استنباط کنیم. امروزه در برخی از مسائل وقتی از نمایندگان سوال می‌شود که چرا نظر ولی امر را در نظر نگرفتید، می‌گوید چون ایشان تصریح نکرده‌اند! خوب شاید ایشان معدودی دارند و نمی‌توانند تصریح کنند. اما شما که نظر ایشان را می‌فهمید؛ وقتی نظر مجلس با نظر ولی امر منطبق نباشد بدبهختی‌های ما روزافرون می‌شود. قرآن می‌فرماید: ما به چنین افرادی عذاب روزافرون می‌چشانیم. چراکه از ولی امر اطاعت نشده است. مجلس باید به صورت باشد که نگاه کند تا خوشحالی و ناراحتی ولی امر در چیست و با خوشحالی ولی امر خوشحال و با ناراحتی او ناراحت شود. باید بینند نظر ولی امر چیست و تشخیص بددهد و منتظر دستور او نباشد. اگر ولی امر دستور صریح بددهد دشمنان می‌گویند، نظام دیکتاتوری است. اما اگر نظر مجلس به نظر ولی امر منطبق شد، کشور روى آرامش و آسایش را می‌بیند. اما وقتی مجلس بآشنازی یک مجتهد بودند که وارد مجلس شدند. مدیریت ایشان در مجلس به این صورت بود که ابتدا سعی کردند روش فکران را بدل به متحد خود کنند. بنابراین لیستی که برای مجلس شانزدهم دادند بسیاری از روش فکران غرب‌گرا حضور داشتند. مرحوم آیت الله حسین لنکرانی می‌گویند: من به ایشان اعتراض کردم که بیشتر این افراد ریش تراش و متgather به فسق هستند. چرا این‌ها را در لیست قرار داده‌اید؟ ایشان فرمودند: من که نمی‌خواهم پشت سر این‌ها نماز بخوانم. بلکه قصد دارم از آن‌ها کمک بگیرم تا نفت را ملی کنم. چراکه افرادی هستند که وابسته به غرب نیستند و منافع شخصی را بر منافع ملی ترجیح نمی‌دهند. از سوی دیگر جبهه نیروهای اسلام‌گرا در اقلیت بودند و این نیروها قادر نبودند در برخی محاذل مانند دادگاه لاحه حضور پیدا کنند. بنابراین مرحوم آیت الله کاشانی این نیروهای ملی‌گرا را با خود همراه کرد که آن‌ها در مسئله ملی کردن نفت با ایشان همراهی کنند. حتی ایشان نامه‌ای را که برای اسلام ملی کردن نفت در مجلس بعد از مشروطه کسی که در مجلس حرف اول را می‌زد مرحوم مدرس بود. ایشان شخصیتی بودند که تمام مجلس روی استدلالات ایشان قانع می‌شدند. چراکه می‌دانستند ایشان از روی هوی و هوس صحبت نمی‌کند و هم این‌که شخصیت علمی ایشان که شخصی با سواد و با بصیرت است را قبول داشتند و ایشان را شخصیتی آزاده می‌دانستند.

#### ▪ نقش بر جسته آیت الله کاشانی در مجلس چهاردهم

از مجلس پنجم که به صورت فرمایشی درآمد تا مجلس چهاردهم که آیت الله کاشانی در آن حضور پیدا کردند، شخصیت مبرزی در مجلس حضور نداشت. در زمان مجلس چهاردهم آیت الله کاشانی را دستگیر کردند و ایشان در مجلس حضور پیدا نکردند. اما از مجلس شانزدهم ایشان رئیس مجلس بودند. آیت الله

# میزان رأی ملت است





# وظایف کارگزاران دولت اسلامی

## از منظرا مام علی

حجت الاسلام والملمین محمد باقر تحریری

حکومت تقریباً پنج ساله حضرت علی (علیه السلام)، نمونه‌ای ماندگار از نظام سیاسی اسلام و شیوه زمامداری مبتنی بر دین و عدالت و آزادی را به بشریت راه داد که می‌توان با بازکاری باشته و سنجیده آن، رهیافت هایی مطلوب را برای مدیریت جامعه در دنیا کنونی به دست آورد و به کار بست. هفتة نامه افق حوزه درگفت و گویی با حجت‌الاسلام والملمین تحریری، تولیت حوزه علمیه مروی به بررسی مهمترین ویژگی‌ها و وظایف کارگزاران در عهدنامه مالک‌اشتر پرداخته‌اند که متن تفصیلی این مصاحبه به شرح زیر است.



**د) دورنمایی از نامه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به مالک‌اشتر**  
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، هَذَا مَا أَمْرَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَلَهُ مَصْرِحَةٌ جَبَانَةٌ خَرَاجِهَا وَجَهَادُهَا وَأَشْيَاصَ لَهَا وَعَمَارَةَ بَلَادِهَا أَمْرَهُ بِقُوَّى اللَّهِ وَإِنْقَارِ طَاغِيَّتِهِ وَأَتَيَّهُ مَا أَمْرَيْهِ فِي كِتَابِهِ مِنْ فَرَائِضِهِ وَشَتِّنَهُ الَّتِي لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا وَلَا يُشَقِّي إِلَّا مَعْ جَحْوِهَا وَإِسْاغَيَّهَا وَأَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ سَبِّحَانَهُ بِقُلْبِهِ وَبِدِهِ وَلِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ أَسْمَهُ قَدْ تَكَلَّفَ بِتَضْرِمِنْ نَصْرَةٍ وَإِعْزَازٍ مَّنْ أَعْزَهُ وَأَمْرَهُ أَنْ يَكْسِرَ نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَيَرْعَهَا عِنْدَ الْجَمْعَاتِ فَإِنَّ النَّفْسَ أَمَارَةٌ بِالشُّوُعِ إِلَّا مَا رَحِمَ اللَّهُ ثُمَّ أَعْلَمَ يَا مَالِكَ أَتَيْهِ قَدْ وَجَهْتُكَ إِلَى بَلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دُولٌ قَبَلَكَ مِنْ عَدْلٍ وَجَوْرٍ وَأَنَّ النَّاسَ يَتَظَرُّونَ مِنْ أَمْرُوكَ فِي مَثْلِ مَا كَنْتَ تَتَنَظُّرُ فِيهِ مِنْ أَمْرِ الْوَلَاةِ قَبْلَكَ وَيَقُولُونَ فِيهِمْ وَإِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يُحْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى الْشَّنِ عِبَادَهُ فَلَيْكَ أَحَبَّ الدُّخَانِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةُ الْعَمَلِ الصَّالِحِ فَأَمْلِكْ هُوَكَ وَشَحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ فَإِنَّ السُّلْطَنَ عَلَيْكَ أَحَبَّ الْأَنْصَافَ مِنْهَا فِيمَا أَجَبَتْ أَوْ كَرَهَتْ...»

امام علی (علیه السلام) در نامه بسیار عمیق خودشان به جناب مالک‌اشتر (علیه السلام) چارچوب‌هایی از وظایف گوناگون را برای توجه ایشان بیان می‌کنند. هم‌چنین برخی اوصاف خاص را که لازم است ایشان در جایگاه حاکمیت از خود بروز و ظهر بدهند را بیان می‌کنند. فرمایشات ایشان در این نامه به چند قسم تقسیم می‌شود. یک قسم وظایف خاص اجرایی است که شخص در جایگاه فرمانداری، حاکمیت و ولایت، لازم است آن را اجرا کند. قسم دوم، چارچوب اصلی دین است که براین وظایف خاص و جزیی در اداره منطقه تحت حاکمیت اش می‌شود. قسم سوم، حالات نفسانی است که فرد در عین توجه به وظایف اول و دوم، لازم است به احوال نفسانی خود نیز توجه داشته باشد که حاکمیت بدل به حاکمیت دینی بشود و قوام حاکمیت دینی بر رعایت این سه مسئله اساسی استوار است.

### (الف) حفظ بنیه اقتصادی حاکمیت

مسئله اولی که لازم است حاکم در اداره جامعه به آن توجه کند، حفظ بنیه اقتصادی حاکمیت است و این معنا با جمع‌آوری مالیات و خراج شکل می‌گیرد که دارای شئون مختلفی است.

### (ب) مدیریت بنیه دفاعی جامعه

مسئله دوم نیز مدیریت بنیه دفاعی جامعه در برابر دشمنان بیرونی است.

### (ج) توجه به امور عمومی جامعه

مسئله سوم نیز توجه به امور عمومی جامعه است تا جامعه بر اساس صلاح اداره بشود. لازم است افراد و اقوام مختلف جامعه، مدیریت بشوند تا در قدم اول استعدادهای آن‌ها شناخته شود و در قدم دوم در انجام امور اداره جامعه از آن‌ها استفاده شود. مسئله بعدی، آبادانی و اداره امور انسانی است که این کار با بهره‌برداری از امکانات مادی، تحت اختیار حکومت صورت می‌گیرد و مسئله اول در راستای تحقق این مسائل صورت پیدا می‌کند.

ولذا اداره جامعه بر پایه این چهار محور، شامل آبادانی، اصلاح مردم، به دست آوردن مسائل اقتصادی و

هزار رأی ملت است



برای حل مشکلات خود یا دیگران در محیط اجتماع حرکت کند.

حضرت می فرمایند: کسانی که در رأس امور جامعه قرار می گیرند، باید توجه داشته باشند که این کار امانتی از جانب خداوند متعال است و هیچ گاه خداوند حاضر نمی شود برای همیشه بندگانش در رنج باشند؛ این از دیگر سنن الهی است. اگر در بهره ای از زمان، بندگان تحت فشار باشند؛ خداوند متعال تحولاتی را ایجاد می کند که از این مشکلات خارج شوند. چنانچه انسان در این راستا قرار بگیرد که در جهت لطف و رحمت به مردم قرار بگیرد و برای مشکل گذاری از کار مردم تلاش کند، عنایت الهی شامل حال او می شود و خدای متعال او را راهنمایی خواهد کرد. البته انسان مورد امتحان نیز قرار می گیرد. به عنوان مثال با مهربانی مواجه می شود. افراد مختلف هستند و عده ای لطف او را نمی بینند و احساس خصوصت می کنند. لذا فردی که قصد دارد در چنین جایگاهی قرار بگیرد لازم است صاحب دیدی وسیع باشد و تا جایی که می تواند لغوش را نادیده بگیرد. لذا حضرت در قسمتی از فرمایشات خود به این نکته توجه می دهد.

#### **▪ از توجه به ذلت وجودی غافل نشویم!**

در عین حال کسی که در جهت خدمت رسانی به مردم حرکت می کند، نیز بشراست. در این جایگاه خواه یا ناخواه شخص دارای یک برتری است و ممکن است حالت غلو یا برتری برای او پیدا بشود و جایگاهی برای خود قائل شود. چراکه هواهای نفسانی راه های متعددی دارد و شیطان از این راهها وارد می شود تا به انسان ضربه بزند. برای تحقق شاخصه دوم، لازم است همواره به آسیب های آن توجه کنیم. لذا امیرالمؤمنین علی علیه السلام به این آسیب ها توجه می دهدند تا چنانچه در مقام اجرا برای شخصی حالت خود بزرگ بینی پیدا شد، توجه داشته باشد که تحت حاکمیت قانون الهی و ولی الهی است و خود ولی الهی نیز تحت حاکمیت خداوند قرار دارد. بنابراین هیچ گاه نباید از توجه به ذلت وجودی غافل بشویم و اشخاص در بالاترین مناسب حکومتی نیاز این جهت که در ارتباط با خدا هستند، ذلت وجودی به پیشانی آن ها می خورد.

ممکن است شخص در مقطعی اظهار علوبه صورت مستقل شکل بگیرد. لذا اولیاء الهی حالات تضعیع به درگاه متعال اجازه نمی دهد که این اظهار علوبه صورت مستقل شکل بگیرد. لذا حضرت حالت خود را فراموش نمی کنند. لذا حضرت در قسمتی از فرمایشاتشان به این نکته توجه می دهدند که ممکن است مقصود انسان در ابتدای ورودش به مناصب حکومتی مقدس باشد. اما با قرار گرفتن در معرض جلوه گری های دنیا مقصود را فراموش کند.

در ابتدای کار فرد دارای صفاتی باطن است و به قصد خدمت ورود می کند. اما با غفلت از لوازم خدمت، کار او به عنوان مال اندوزی و امثال آن کشیده شود. لذا حضرت توجه می دهدند تا انسان مبتلای به غرور و خودبینی نشود. لذا برای کارگزاران لازم است از نظر روحی و تربیتی و از ابتدای انتها توجهی وجود داشته باشد. البته این توجه برای همه لازم است. چراکه انسان را از طغیان گری باز می دارد. فرقان کریم می فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى \* أَنْ رَأَهُ أَشْتَغَنَّى» (سوره علق آیه ۶-۷) این طغیان با تختیل استغنا برای انسان پیدا می شود. چه این فرد در رأس باشد و افرادی تحت فرمان او باشند او خودش را کسی بداند یا در ذیل باشد و بر فرمانده خود طغیان کند. اگرچه حضرت این مسائل را به فرماندار خود بیان می کنند، اما این تذکرات برای همه لازم است.

#### **▪ توجه به حداقل های دستورات شرع مقدس**

نکته دیگری که امام علی علیه السلام به آن تذکر می دهدند، توجه به حداقل های دستورات شرع مقدس است. لازم است در مقام اجرا به واجبات الهی و دوری از محظمات توجه کنیم. مطلب دیگر این است که قانون گذار یا مجری قانون، باید حال عموم را مراقبات کند تا همه بتوانند در یک حد لازم به وظایف ملتم بشوند. در هر جامعه ای افراد پرتو نقی وجود دارند که به قوم و قبیله ای خاص با برخی از مقامات وابسته هستند. حضرت توجه می دهدند که در حاکمیت الهی نباید به این جایگاه های اعتباری اشخاص توجه کرد. چراکه اساس تبعیت از حق و پیاده کردن آن است و این مسئله جایگاه ظاهري نمی شناسد. لذا در سیره اهل بیت علیهم السلام می بینیم وقتی در جایگاه موقتی قرار می گرفتند، فرزندان آن ها نسبت به عموم جامعه در حداقل های ممکن قرار می گرفتند.

#### **▪ دوری از حب و بغض های شخصی**

امام علی علیه السلام در این فزار ازنامه هشدار می دهدند که برای انسان در ارتباطات اجرایی یا قانون گذاری تمایلاتی نسبت به افراد پیدا می شود که این تمایلات نباید مانع توجه به حق یا اجرای قانون حق نشود. این مسئله در قوای سه گانه مجریه، قضاییه و مقننه ای افراد پرتو نقی وجود دارند که به عنوان محور کارها قرار بگیرند. اگر محور اصلی اطاعت، تقوی و عمل صالح باشد، باعث می شود انسان متوجه باشد که ارتباطات او باید بر چه اساسی باشد. وقتی در جامعه عده ای صاحب امتیاز می شوند، افرادی هم هستند که قصد دارند به نوعی خود را به حاکمیت نزدیک کرده و از این طریق سوء استفاده کنند. بنابراین شروع به عیب گویی از دیگران می کنند تا آن ها را نزد حاکم تنقیص کنند و خود جلو آمده و جلوه گری کنند. بنابراین یکی از مسائلی که لازم است در تعاملات اجتماعی به آن توجه داشته باشیم، مسئله توجه نکردن به غیبت و سخن سخن چینان است. این مسئله هم در روابط اجتماعی و هم در روابط سیاسی تأثیر زیادی دارد و بر حاکم لازم است که تحت تأثیر شوون اعتباری جامعه و جو روانی قرار نگیرد.

می فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مِنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هُوَا؟» (جایه ۲۳) از آنجا که اساس حاکمیت دینی بر عبودیت خداوند متعال است، لازم است کسانی که تحت این حاکمیت قرار می گیرند به این دو شاخصه توجه داشته باشند. فهرآ طاعت با عمل صالح شکل می گیرد و عمل صالح مخصوصیت ماندگاری است. با دید وسیع، عمل صالح شامل تمامی کارهای یدی یا فکری است.

#### **▪ بندگی خداولین شاخصه قانون گذاران جامعه دین**

به عنوان مثال قانون گذاری یک کار فکری است و اگر قانون گذاران ما بخواهند قانون گذار اسلام و جمهوری اسلامی باشند، لازم است به این شاخصه های اصلی توجه کنند. اول، بندگی خداوند است که این بندگی با اطاعت و مراعات تقوی به دست می آید و دیگر این که قانون بر اساس قانون الهی باشد و در امر قانون گذاری در تمایلات غیر الهی انسان توجه نشود. البته انسان نیازهایی دارد. اما لازم است این نیازها بر اساس شرع مقدس باشد. همان طور که در اعمال فردی به این مسئله توجه می کنیم، لازم است در مسائل اجتماعی نیز اعمال ما و قانون گذاری ما بر اساس شرع مقدس شکل بگیرد.

عمل صالح در حیطه قانون گذاری همین مسئله است که قانون گذار توجه داشته باشد که قانون گذاری بر اساس شرع مقدس، عملی صالح است و در غیر این صورت عملی باطل است. همین معنا در قوه قضاییه نیز شکل می گیرد و از این جهت تفاوت وجود ندارد. اما قوه قضاییه از یک جهت مجری است و از جهت دیگر قانون گذاری نیز انجام می دهد و با پشتونه قانونی شرعی مسائل را حل می کند تا به اینجا امیرالمؤمنین علی علیه السلام یک شاخصه کلی را ترسیم می کند که از ابتدای حرفک انسان در مقام اجرا و در مقام قانون گذاری لازم است به این شاخصه توجه شود.

#### **▪ موعظه، نیاز دائمی زمامداران جامعه اسلامی**

فرمان امام علی علیه السلام همانند قرآن کریم شامل جنبه های موعظه ای نیز هست. این جنبه ها زمینه ساز تنبه انسان برای قرار گیری در مسیر حق می شوند. همه ما نیازمند موعظه هستیم. تلاطم اجتماعی کسانی را که در فعالیت های اجتماعی قرار می گیرند از مقصود و مسیر صحیح حرکتی، غافل می کند. موعظه به دلیل دارا بودن جنبه هشدار، باعث بیداری انسان می شود. حضرت در این بخش موعظه ای دارند و می فرمایند: حاکمان و کسانی که فعالیت های اجتماعی را در جامعه اسلامی انجام می دهند، مورد توجه مردم هستند. ایشان نکوهش هایی که به حکام و قانون گذاران ظلم داشتند را به افرادی که در حال حاضر قصد قرار گیری در آن مسند را دارند ارائه می کنند. لذا انسان باید توجه داشته باشد، که اعمال و رفتار او در درجه اول در نقطه دید خداوند و در درجه دوم در نقطه دید مردم است. اگر شخص در مسیر صلاح باشد خداوند متعال این جایگاه را نشان می دهد و این جایگاه به نوعی در سرپوشید انسان دخالت دارد.

در نقطه مقابل چنانچه فرد در مسیر صلاح حرکت نکند هر چند این حرکت در مسیر ناصحیح را مخفی کند، روزی ظهور خواهد کرد. نظام عالم برحق است و خداوند متعال اجراه نمی دهد امور عالم برای همیشه مخفی باقی بماند. لذا حضرت این توجه را به کارگزاران اسلامی می دهدند که از مسائل بسیار مهم است. زمانی که انسان درگیر برخی از امور می شود، از برملا شدن این امور غفلت می کند و می گوید: در حال حاضر بالفعل کار دل خواه را انجام بدھیم. لذا گاهی برنامه های مخفی برای خودش تعییه می کند و گمان می کند، کسی متوجه او نیست.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: این چنین نیست که امور برای همیشه مخفی بمانند. و این تنبه خوبی است برای کسانی که مشغول فعالیت های اجتماعی یا حاکمیتی هستند و این مسئله از سنن الهی است.

#### **▪ شیوه مراوده زمامداران جامعه اسلامی با مردم**

«وَأَشْعِرْ قَلْبِكَ الرَّحْمَةً لِلرَّعْيَةِ وَالْمَحْبَةَ لِلْعَيْنِ وَالْلَّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَ عَلَيْهِمْ سَبِيعًا صَارِيًّا تَعْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صَنْعَانِ إِمَامًا أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَامًا نَظِيرًا لَكَ فِي الْخَلْقِ يَقْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلَلَ وَتَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلَ وَيُؤْتَى عَلَيْهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَا فَأَعْطَاهُمْ مِنْ عَنْوَكَ وَصَفَحَكَ مِثْلَ الذِّي تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَنْهُ وَصَفَحَهُ...»

در قسمت سوم این فرمان، امام علی علیه السلام به حالاتی می پردازند که لازم است حاکم اسلامی در برخورد با دیگران به آن حالات توجه کند. اولین این حالات، حالت رحمت و محبت نسبت به مردم است. از دیدگاه قرآن و سنت، انسان باید



## ▪ راه مقابله با فضای اجتماعی و جنگ‌های روانی

راه مقابله با این فضا این است که با دقت وارد کارشوند و امور را به بررسی موكول کنند. این طور نباشد که به طور کامل سخنی را رد کرده و یا پذیرنند. چراکه امور سیاسی نیاز به تدبیر دارد. لام است محور تدبیر تبعیت از حق باشد و به هر آنچه که جنبه روشنگری حق برای شخص فراهم می‌کند، توجه کند و این‌ها چارچوب‌ها هستند.

یکی از این جنبه‌ها مسئله برخورداری از مشاوران است. حاکمان در امور حاکمیتی نیاز به مشاوران مناسب دارند. از جمله صفاتی که حضرت برای مشاورین بیان می‌کند این است که:

«وَلَا تُذَلِّلَنَّ فِي مَسْوِرَتِكَ بِخَيْلٍ يَعْدِلُ يَكْ عَنِ الْفَصْلِ وَيَعْدُكَ الْفَقْرُ وَلَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَلَا حَرِيصًا يُرِيَنَّ لَكَ الشَّرَّةَ بِالْجُحْرِ فَإِنَّ الْبَخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ غَرِيزَتَيْ شَرِيكَيْ سُوءَ الظَّنِّ بِاللَّهِ إِنَّ شَرَوْرَ زَرَائِكَ مَنْ كَانَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيرًا وَمَنْ شَرِيكُهُمْ فِي الْأَثْمَاءِ فَلَا يَكُونُنَّ لَكَ بِطَانَةً فَإِنَّهُمْ أَعْوَانُ الْأَنْثَمَةِ وَإِنَّهُنَّ الظَّلَمَةُ...» در رسیدن دیگران به خیر و رساندن خیر به دیگران، بخیل و تنگ‌نظر نباشد، چنانچه برخی افراد نه خود وارد کارها می‌شوند و نه اجازه می‌دهند دیگران وارد کاری شوند، چراکه می‌رسند این مسئله باعث تزلزل حاکمیت می‌شود و هم‌چنین لازم است مشاورین حریص نباشند. چراکه اشخاص برای احراق حق و اجرای حق و فهمیدن حق نیاز به مشاور دارند و حرکت بدون مشاورین ممکن نیست.

یکی از اموری که لام است در حاکمیت اسلامی مورد توجه قرار بگیرد، این است که از افرادی که ولوبا احتمال قوی و نه حتی قطعی صحبت آن‌ها در جهت تقوی شناخته شده است استفاده کنند. کسانی که از یاوران حاکم ظالم بوده‌اند و یا از مشاورین حاکم ظالم بوده‌اند، نباید در مناصب استفاده کنیم. حضرت می‌فرمایند: حاکم باید با اهل ورع ارتباط تنگاتنگ داشته باشد. اما چون نفس همیشه در معرض خطر است و گاهی از ناحیه خوبیان است که انسان زمین می‌خورد، حضرت می‌فرماید: مبادا به دلیل خوبی آن‌ها از عملکرد خودت غافل بشوی.

یکی از نکاتی که از این فرمایش امام علی علیه السلام استفاده می‌شود، این است که لام است انسان همواره اعمال خود را محک بزند و این که تنها در یک برهه در مسیر حق قدم بردارد کافی نیست.

## ▪ مبادانیکوکار و زشت‌کار در نزد تو دارای منزلتی برابر باشند

نکته دیگری که در حاکمیت حائز‌اهمیت است این است که افراد نباید از جهت تبعیت و عدم تبعیت از حق در نزد حاکم اسلامی مساوی باشند. البته لام است از جهات عمومی، افراد در نزد حاکم مساوی باشند، اما از این جهت باید هم دیگران بدانند و هم حاکم اعلام کند و در گفتار و رفتار او روشن باشد تا اشخاصی که نسبت به قوانین دینی و اجتماعی عصیان‌گر هستند، نمی‌توانند برای خودشان پایگاهی تشکیل بدهند. به هر حال حاکم با افراد مختلفی ارتباط دارد و لام است به طور دائم مراقب این ارتباطات باشند و به افراد این مسئله را بهمناند که مبادا بخواهند با تطمیع یا تهدید حاکم مسیر جامعه را تغییر بدهن. این یک قاعده است که وقتی عموم مردم از گفتار و بالاتراز رفتار شخص بفهمند که او قصد پیاده‌سازی قانون عدل را دارد، به این ترتیب عموم جامعه از او طرفداری می‌کنند و افراد خاصی که قصد سوءاستفاده دارند در انزوا قرار می‌گیرند و اگر جبهه‌گیری کنند هم به جایی نخواهند رسید. به هر حال حاکمیت حق، نیاز به طرفداری دارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: لام است حاکم به حقوق عموم مردم توجه کند و کسانی که تاب پیاده کردن دستور حق ندارند را به ساحت خود راه ندهد.

## ▪ ارتباط با علماء و حکمان ایاز دائمی دولت مردان

حضرت، این مسائل را از قواعد اساسی برای حاکمیت ذکر می‌کنند که شامل دستوراتی اجرایی و تربیتی است و لام است حاکمان جامعه به این دستورات اساسی تربیتی توجه داشته باشند. برای این که این توجهات همواره مورد توجه باقی بمانند، ایشان دستور دیگری می‌دهند و می‌فرمایند: همه ما نیازمند ارتباط با علماء و حکماء و افراد دلسوز جامعه هستیم. افرادی هستند که توانمندی داشته و نسبت به امور جامعه دل‌سوز هستند، اما توان ورود به امور اجرایی را ندارند. ممکن است مسائلی به ذهن این افراد برسد و لام است حاکم اسلامی به سخن این افراد گوش بدهد تا اموری که برای اجرا صالح هستند اجرا بشوند و لام است این ارتباط را زیاد کنیم. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «وَأَكْثَرُ مَادَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَمَنَاقَشَةُ الْحُكْمَاءِ فِي تَشْبِيهِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ مُفْرِيًّا لَدِكِ...» شما می‌بینید در زمان حاضر آسیب‌های افرادی که ارتباط اخلاقی و تربیتی و علمی را با علماء دارند و آن را حفظ می‌کنند، بسیار کمتر است.

در ادامه ایشان در فرمایشاتی افرادی را که لام است حاکم با آن‌ها مرتبط باشد را دسته بندی کرده و دستورات خاصی نسبت به هر یک از قوایی که به آن‌ها مرتبط است صادر می‌کنند. حضرت می‌فرمایند: نکته‌ای که لام است در مرحله اول مورد توجه حاکم دینی قرار بگیرد این بوده که حاکم از حال عموم مردم با خبر باشد تا هر یک از اقسام مردم به حقوق خود در جامعه دست پیدا کنند. ایشان در این فرمان نسبت به گروه‌های مختلف سفارشات متعددی را بیان می‌کنند و وظایف حقوقی و اخلاقی را برای هر یک از قوای موجود در درون حاکمیت بیان می‌کنند که بازگوکردن آن‌ها نیاز به جلسات فراوانی دارد.

## ▪ پرهیز از زیاده خواهی

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در پایان فرمایشات خود به جناب مالک‌اشتر می‌فرمایند: توجه داشته باش حال که در رأس امور هستی برای خود زیاده خواهی نداشته باشی. چراکه این حالت گاهی برای شخص پیدا می‌شود.



# رأی دهندگان

## واحکام آنها

حجت الاسلام والمسلمین سید جعفر ربانی

انتخابات مانند هر عمل و رفتاری که انسان در عرصه فردی و یا جمعی انجام می‌دهد، از نظر فقهی دارای احکام و چارچوب‌هایی است ولذا چون انتخابات رای دادن نیز عملی است که مکلفان در عرصه سروشی سیاسی و اجتماعی انجام می‌دهند، از منظر فقهی، می‌تواند حکم‌آمیز باشد. از این‌رو حجت‌الاسلام والمسلمین سید جعفر ربانی از اساتید جامعه المصطفی العالمیه<sup>علیه السلام</sup> و حوزه علمیه قم در نوشتاری به بررسی فقهی و شرعی انتخابات و مباحث پیرامون رای دادن و سهیم بودن در سروشی سیاسی فردی و اجتماعی کشور پرداخته است که در ادامه تقدیم خوانندگان ارجمند هفته‌نامه افق حوزه می‌شود.

شرکت در انتخابات، وظیفه اسلامی و ملی است؛ از این‌رو، با استمداد از الطاف خداوند، برخی از احکام شرعی که متوجه رأی دهندگان می‌باشد را متعارض می‌شویم:



### حقیقت رأي

در این که ماهیت «رأی دادن به اشخاص» (اعم از رئیس جمهور، نمایندگان خبرگان و مجالس شورای اسلامی) چیست و تحت عنوان کدام یک از «ابواب فقهی» قرار می‌گیرد، تتبعی در منابع تحقیقی صورت نگرفته است. نزدیک‌ترین وجهی که در این زمینه به نظر می‌رسد، عبارت است از «توکیل در جهت تصدی امور مملکت» به ضمیمه قانون مدنی کسب نظرات بالاتر.

### وجوب

گرچه شرکت در انتخابات، به طور مستقیم مورد امر شارع قرار نگرفته و از «عنایون اولیه واجبات» نیست؛ لکن به دولحاظ، تعلق وجوب برآن، متصور است:

#### ۱. مصدق

مصدق شدن چیزی برای یکی از عنایون واجب، سبب وجوب آن می‌گردد. فقهاء از این مقوله تعبیره «الأطباق قهري»؛ می‌کنند. بدیهی است، در آن جا که تحديد شرعی برای مصدق بیان نشده، تشخیص، با مکلف خواهد بود.

#### ۲. مقدمه

مقدمه‌یت چیزی برای ذی المقدمه واجب، سبب وجوب عقلی آن می‌گردد؛ چراکه استلزم عقلی بین ذی المقدمه و مقدمه، از ضروریات می‌باشد. بدیهی است، حفظ نظام دینی و دور نگه داشتن آن از آفات، عنوانی است که هیچ‌گونه تردید وابهامی در آن وجود ندارد و همین مطلب، سبب سریان وجوب به شرکت در انتخابات می‌گردد.

### عبدات

گرچه شرکت در انتخابات و انداختن آرا به صندوق‌ها از «توصیلات» است؛ لکن شخصی که آن را مصدق یا مقدمه امر مقدسی هم چون تقویت نظام اسلامی می‌داند، می‌تواند آن را «عبدات» محسوب کند؛ مشروط به این که همراه با قصد «تقریب الى الله» صورت پذیرد و این، همان چیزی است که فقهاء از آن به «عبدات بالمعنى الأعم» تعبیر می‌کنند.

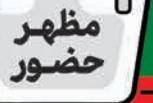
مرحوم نائینی در تعریف عبادت بالمعنى الأعم می‌فرماید: ما یؤتی به بقصد القرابة ولو لم تكن صحته منوطه بایرانه كذلك.

### سبقت

حضور کنار صندوق‌های رأی در اولین ساعت آن، مطلوب است؛ چراکه گفته‌اند: «في التأخير آفة». علاوه بر این که «سرعت» و «استباق» در کارنیک، از ارزش‌های اسلامی محسوب گشته و هرگز «مباردین» با «لاحقین»، یکسان نیستند.

### هفته‌نامه افق حوزه

بهمن ۱۳۹۸؛ جمادی‌الثانی ۱۴۴۱؛ فوریه ۲۰۲۰



## ▪ قدر ضرورت

از آن جا که «اصل اولی» در غیبت و تفحص از احوال دیگران، «عدم جواز» می‌باشد، باید تجسس و غیبت، حکمی ثانوی و اضطراری خواهد بود و بدیهی است که در تکالیف اضطراری، اکتفا به حداقل، لازم می‌باشد؛ چراکه «الضرورات تتقدّر بقدرها»

اکتفا به قدر ضرورت در زمینه تفحص از نامزدها، مستلزم رعایت چند نکته است:

### ۱. رفع ابهام

لازم است در مورد جست وجو پیرامون نامزدها به مقدار «رفع ابهام» اکتفا شده و بیش از آن، اقدامی صورت نگیرد؛ بدین معنی که رأی دهنگان تاحدی مجاز به کنکاش در معرفت شخصیت نامزدها هستند که شفافیت شکل گرفته و انتخاب کنندگان، در هنگام رأی دادن با شناخت کامل، آرای خود را داخل صندوق های بیندازند.

### ۲. جهت

واجب است پیگیری شناخت نامزدها، فقط در راستای «رأی دادن» انجام شود و نه بیشتر، به عبارت دیگر، تفحص از احوال افرادی که خود را در معرض آرای مردم قرار داده اند تا آن جا مجاز می‌باشد که رأی دهنده را در مسیر «رأی دادن» یاری کند.

### ۳. غیرواجبین شرایط

کسانی که مکلف ولی غیرواجب شرائط رأی دادن هستند، (مانند اتباع سایر کشورها) باید در صدد تفحص از احوال شخصی نامزدها برآیند؛ زیرا نسبت به آنان، مجوزی برای خروج از اصل مزبور (حرمت تجسس و غیبت) وجود ندارد.

### ▪ اطلاع رسانی

همان گونه که «شنیدن غیبت» در صورت تراحم با مصلحت اهم جایز است، «بیان اسرار» و اطلاع رسانی به دیگران نیز در حد ضرورت، جایز خواهد بود؛ چراکه ضرر راه یافتن افراد ضعیف، ناکارامد با احیاناً خائن به حوزه تصمیم‌گیری برای جامعه اسلامی، از حرمت بیشتری برخوردار می‌باشد.

آن حضرت می‌فرمایند:

إِذَا رَأَيْتُمْ أَهْلَ الرَّئِبِ وَالْبَلْدِ مِنْ بَعْدِي فَأَطْهِرُوهَا الْبَرَاءَةَ مِنْهُمْ وَأَكْتُرُوهَا مِنْ سَيِّهِمْ وَالْقُوَّلُ فِيهِمْ وَالْوَقِيعَةَ وَبَاهْتُوْهُمْ كَيْلًا بِظَمْعِهَا فِي الْفَسَادِ فِي الْإِسْلَامِ وَيَحْذِرُهُمُ النَّاسُ وَلَا يَتَعَلَّمُوا مِنْ بِدَعِهِمْ يَكْتُبُ اللَّهُ لَكُمْ بِذِلِّكُ الْحَسَنَاتِ وَبَرَّعَ لَكُمْ بِهِ الدَّرَحَاتِ فِي الْآخِرَةِ.

### ▪ زن‌ها و شرکت در انتخابات

شرکت بانوان در مسائل اجتماعی تا وقتی که منجر به معصیت و مفسد نشود، نه تنها اشکال ندارد؛ بلکه در آن جا که مسئله به سرحد لرزم رسیده، آنان نیز مشمول حکم و جوبي خواهند بود.

براین اساس، وجهی برای استثنای لرزم شرکت خانم‌های واحد شرایط شرکت در انتخابات وجود ندارد.

در استفتائی که از امام خمینی ره صورت گرفته، چنین می‌خوانیم:

شرکت زن‌ها در مسائل اجتماعی را مثل عضویت در سپاه پاسداران، شرکت در راه پیمایی‌ها، نماز جمعه و انتخابات چه حکمی دارد؟ و اگر به حدّ وجوب برسد، با نهی شوهر چگونه می‌شود؟ و آیا بین این موضوعات از

جهت حکم فرقی هست یا نه؟

### جواب

مواد مختلف است و به حسب حال اشخاص هم ممکن است فرق کند، و اگر در موردی به موجب اقتضای ضرورت واجب شد، نهی شوهر مانع نیست.

و در سوالی که از محضر مرحوم آیت‌الله العظمی شیخ جواد تبریزی شده، آمده است:

شرکت زنان در مسائل اجتماعی از قبیل تظاهرات، انتخابات و... از نظر شرعی چگونه است؟

### جواب

شرکت بانوان در اجتماعات با ملاحظه عفت مانع ندارد؛ والله العالم.

### ▪ تقلب

تقلب در انتخابات به هر شکلی که محقق شود، جایز نیست؛ چراکه عناوینی برآن منطبق می‌شود؛ مانند: ۱. شکستن قانون ۲. إضاعه حق الناس ۳. اختلال در نظام اجتماعی ۴. سلب اعتماد به نظام اسلامی.

مراجع عظام تقلید به دو صورت دیدگاه خود را در مورد «ممنوعیت ارتکاب خلاف قانون»، بیان فرموده اند:

(الف) کبرای کلی با عبارت «خلاف مقررات دولت اسلامی جایز نیست» که در پاسخ به سوالات متعدد و پیرامون مسائل مختلف بیان شده.

(ب) آنچه در خصوص تلازم بین خلاف قانون و حرمت شرعی بیان گردیده؛ مانند این استفتاء از آیت‌الله العظمی تبریزی ره:

آیا هر چیزی که خلاف قانون است، حرام شرعی و خلاف شرع است یا نه؟

### جواب

باید کاری نکرد که نظم مملکت به هم بخورد؛ مراجعات مقررات، موجب حفظ نظم در اجتماع می‌شود.

### ▪ نوبت

اویزه‌نامه انتخابات | وظایف و مسئولیت خطیرو انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

میزان رأی ملت است



۳۰ هفته‌نامه افق حوزه



## آسیب‌شناسی مجلس شورا

### از نگاه «مدرس» و «شیخ فضل الله»

حجت‌الاسلام محمدصادق ابوالحسنی



ما در حوزه علمیه، دو الگوی موفق، زمان‌شناس، دیانت‌خواه و مردم‌دوست در اختیار داریم که از مؤثرترین روحانیون در پارلمان و نهاد قانون‌گذاری اسلامی تاریخ ایران به‌شمار می‌رond که یکی آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله نوری رض و دیگری آیت‌الله سید حسن مدرس رض است. اگر حوزه بخواهد در آسیب‌شناسی تاریخی پارلمان‌تاریسم در ایران وارد شود، حتماً باید از تجربه گران‌سنج این دو عزیز بهره گیرد. حجت‌الاسلام ابوالحسنی، نویسنده، تاریخ‌پژوه و رئیس دفتر نشر آرا و آثار استاد منذر رض، در گفت‌وگویی با افق حوزه به بازخوانی موضوع آسیب‌شناسی مجلس شورا، از نگاه این چهره برجسته تاریخ معاصر ایران پرداخته است که به تفصیل تقدیم می‌شود.

اما در این وادی، ارائه الگوی ایرانی - اسلامی بر عهده کیست؟ به نظر من، حوزه‌های علمیه مثل پدری مهریان، سهم عظیمی برای الگویی جامع در عرصه قانون‌گذاری اسلامی، اجرای انتخابات، شرایط نمایندگان و تعامل آن‌ها با مردم و نحوه استیفاده از حقوق مردم توسط نمایندگان، بر عهده دارند که بایستی با استفاده از اصول جاوده‌انه اسلام و نیز طرفیت‌های تاریخی حوزه و آسیب‌شناسی‌های پیشین علمای تشیع نسبت به ادوار تاریخی مجلس، طرحی نوداندازند. اگر حوزه علمیه این الگو را ارائه ندهد، ناها لان این کار را انجام خواهند داد. پس ما به چنین الگویی نیاز فوری داریم؛ بشروط این‌که مردم هم از این الگو استفاده کنند و مجلس و مسئولین هم گوش شنوا داشته باشند.

#### دو الگوی حوزوی بزرگ برای مجلسیان

ما در حوزه علمیه، دو الگوی موفق، زمان‌شناس، دیانت‌خواه و مردم‌دوست در اختیار داریم که از مؤثرترین روحانیون، در پارلمان و نهاد قانون‌گذاری تاریخ ایران به‌شمار می‌رond که یکی آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله نوری رض و دیگری آیت‌الله سید حسن مدرس رض است. اگر حوزه بخواهد در آسیب‌شناسی تاریخی پارلمان‌تاریسم در ایران، وارد شود، حتماً باید از تجربه گران‌سنج این دو عزیز بهره گیرد. شیخ فضل‌الله نوری رض بیشتر در آسیب‌شناسی مجلس در مبانی اندیشه‌ای، دینی و قانونی آن و شهید مدرس رض نیز بیشتر در آسیب‌شناسی آن از بعد سیاسی و اجتماعی شهرت یافته است. بنابراین با تلفیق دغدغه‌های این دو عالم بزرگوار، می‌توانیم آسیب‌های مجلس را هم در عرصه نظری و هم جنبه عملی ریشه‌یابی کنیم.

#### ▪ بیومند مدرس و شیخ شهید

هنر شیخ فضل‌الله در تاریخ مشروطه این است که به مشروطه سکولار و سرکش، مهار می‌زند و اصل دوم متمم قانون اساسی را به تصویب می‌رساند که همان «نظرارت فانقه و رسمی مجتهدان طراز اول بر مصوبات مجلس شورا» است. براین مبنای، تصمیمات مجلس بدون نظرارت فقهاء، فاقد مشروعتی است.

اصل دوم متمم، قطعاً دستاورده رنج‌ها و مجاهدات جناح مشروعه‌خواه به رهبری شهید نوری است که البته با حمایت جناح مشروطه خواه متشعر نیز همراه بوده است. مبتکراین اصل، شخص شیخ فضل‌الله است که برای تصویب آن، جان خود را به خطر افکند. البته مرحوم آخوند خراسانی هم از این اصل حمایت کرد و جزء اولین کارهایی که ایشان در مشروطه دوم انجام داد، این بود که عده‌ای را به عنوان طراز اول انتخاب کرد که به مجلس بروند و البته تنها دو نفر آن‌ها حاضر شدند، به مجلس بروند که یکی مرحوم حاج امام جمعه خویی بود و دیگری مرحوم مدرس. دیگر منتخban، نظیر حاج آقا نورالله اصفهانی، به علل مختلف و از جمله نیازی که مردم منطقه به آن‌ها داشتند و شاید هم فکر می‌کردند، می‌توانند به عنوان پشتیبان مجتهدین ناظر بر مجلس، موفق تر عمل کنند، به مجلس نیامدند. در حقیقت، مرحوم مدرس با زمینه و شرایط مناسبی که شهید نوری با پایمردی خوینیش برای تصویب اصل دوم قانون اساسی فراهم کرد، مجال و امکان حضور مقندرانه در مجلس

#### ▪ حوزه علمیه و آسیب‌شناسی مجلس؛ پیش‌نیازها و ضرورت‌ها

##### مجلس شورا و پیش‌نیازهای تاریخی

قریب به ۱۱۳ سال از صدور فرمان مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی می‌گذرد. در این دوران پیروز و نشیب، حوادث نفس‌گیر و تاریخ‌سازی برخانه ملت گذشته است. این نهاد، برای نخستین بار، در سال ۱۲۸۵ خورشیدی با فرمان مظفرالدین شاه تأسیس گردید. در زمان حاکمیت قاجار، نخستین مرحله تا پنجمین دوره مجلس سپری گشت و نهایتاً در سال ۱۳۰۴، زمینه برای انقراض قاجاریه و سلطه رضاخان فراهم آمد. در طول دوران رژیم پهلوی هم ادوار مجلس تا دوره بیست و چهارم امتداد یافت تا این‌که با ظهور انقلاب، عنوان آن به «مجلس شورای اسلامی» تغییر کرد. در نظام جمهوری اسلامی نیز تاکنون ۱۵ دوره از ادوار مجلس سپری شده و امروز ملت ایران در آستانه یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی قرار دارد. به راستی آیا زمان آن فرا نرسیده که ادوار گذشته مجلس کشورمان را آسیب‌شناسی کنیم؟ آیا وقت آن نیست که قبل از این‌که آفایان به کرسی‌های آینده مجلس فکر کنند و احزاب هم دنبال سهم خواهی بیشتر باشند، اغراض جناحی را کنار بگذاریم و به منافع کلان کشور بین‌دیشیم و با یک آسیب‌شناسی تاریخی، کارایی و روزآمدی مجلس را ارتقاء داده و جایگاه پیشین آن را بازگردانیم؟ من معتقدم که ما می‌توانیم با یک بررسی عالمانه و مدیرانه، به عبرت‌ها و معیارهایی برسیم که براساس آن، مردم ما یک انتخاب شایسته و چینش مطلوبی را برای مجلس پیش رو قم بزنند. در غیراین صورت، به تعبیر امیر المؤمنین علیه السلام، اگر از تاریخ عترت نگیریم، خودمان عبرت تاریخ می‌شویم.

##### چرا بحث از مجلس و تاریخ معاصر؟

مجلس شورای اسلامی از جهت جایگاه قانون‌گذاری، ستون فقرات کشور است و در رأس امور قرار دارد؛ زیرا قوای مجریه و قضائیه حول محور قانون حرکت می‌کنند و از این منظر، بایستی از قوه مقننه یعنی «مجلس» تبعیت کنند. این مجلس است که بر اساس اصل ۵۸ قانون اساسی، نهاد قانون‌گذار کشور به شمار می‌رود و وظیفه سنگینی را به دوش می‌کشد. پدیده قانون نیز ابزار رسیدن به نظم اجتماعی و روابط مطلوب انسانی است. علامه طباطبایی رض در تفسیر المیزان، ضرورت وجود نظم و قانون در جامعه را براساس طبع استخدام گران انسان مطرح کرده است.



شورا و از آن طریق، ورود به عرصه سیاست در مرکز کشور را پیدا کرد.

کما این که بعد از مرحوم آیت‌الله کاشانی هم با همین ایده، نسبت به مسائل مجلس نظارت داشت و قیام مرحوم آقا نورالله هم با توجه به عدم اجرای همین اصل شکل گرفت و بعد از قیام توفنده حضرت امام ره هم براساس همین ایده شکل گرفت که ایشان فرمود: براساس قانون اساسی فقهای ناظر حق و تودارند؛ ولی اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه در کشور انجام نمی‌شود. پایه این کار را مرحوم شیخ فضل الله نوری ره بنا نهاد. به هر حال مجلس اول مشروطه، مقارن با تکاپوی سیاسی شیخ است. در سال ۱۲۸۸ شمسی مرحوم

شیخ فضل الله نوری ره به شهادت می‌رسد و به فاصله چند ماه، مجلس دوم تشکیل می‌گردد و مرحوم مدرس توسط مرحوم آخوند خراسانی به مجلس معرفی گردیده و وارد مجلس می‌شود.

اگر اشتباہ نکنم، در زمان اعدام شیخ شهید، آیت‌الله مدرس حدوداً ۳۹ ساله بود و در آستانه چهل سالگی قرار داشت. ۲ سال بعد از ورود مدرس به مجلس، مرحوم آخوند خراسانی به طور مشکوکی درگذشت. مرحوم مدرس در مشروطه اول، به جناح مشروطه خواه متشرع یعنی حامیان مرحوم آخوند تعلق دارد و جزء ابواب جمعی مشروطه اصفهان (به رهبری آقا نجفی و حاج آقا نورالله اصفهانی) است.

البته مدرس در مجلس دوم به عنوان «فقیه طراز اول» و دارای «حق و تو» در پارلمان حضور یافت؛ اما در مجلس بعدی (مجلس سوم) دید که این زمینه وجود ندارد و چون لیاقتمند راثابت کرده بود، با حمایت آرای عمومی پایتخت، به عنوان وکیل بر جسته، وارد مجلس سوم، چهارم، پنجم و ششم شد.

آیت‌الله مدرس ره قریب به ۹ سال در سنگر مجلس استقرار یافت و نگهبان خانه ملت بود. از مجموع این نه سال دو سال اول، با دوره دوم مجلس مصادف شد که به عنوان فقیه ناظر در مجلس حضور داشت و بعداً حدود ۷ سال در قالب نماینده منتخب مردم، با اقتدار از حقوق ملت دفاع کرد. (در آن زمان دورهای مجلس عمدتاً دو ساله بود).

مجلس ششم در حالی پایان یافت که قدرت رضاخان فروزنی یافته بود؛ تا جایی که دیگر نگذاشت، شهید مدرس به مجلس هفتم راه یابد. مدرس کاندیدا شد؛ ولی با تقلب گسترده‌ای که رضاخان علیه آرای وی انجام داد، آرای ایشان از بین رفت و همان سال ایشان را به تبعید فرستادند و نهایتاً این بزرگ مرد را در سال ۱۳۱۶ به شهادت رسانیدند.

نقشه کانونی پیوند شیخ فضل الله با شهید مدرس این است که مرحوم مدرس به عنوان مجتهد طراز اول وارد مجلس می‌شود. ایشان جزء علمای مشروطه خواه بود؛ اما در مجلس پا جای پای شیخ فضل الله گذاشت و با تقی زاده‌ها و شیخ ابراهیم زنجانی ها درگیر شد و فضای تهران را از نزدیک و آن‌گونه که شیخ فضل الله هشدار می‌داد، به عینه دید. بنابراین مدرس فقیهی ملاست که در درس بزرگانی مانند میرزا شیرازی، آخوند خراسانی و سید کاظم طباطبائی ره شرکت کرد و به عنوان ناظر به مجلس آمد و از مجلس دوم به بعد هم مجبور شد، به عنوان یکی از وکلا در مجلس حاضر شود. ایشان سابقه کار اجرایی را هم داشت و نایب رئیس انجمن ولایتی اصفهان در مشروطه بود. این انجمن، از برکات حاج آقا نورالله اصفهانی پا گرفت.

#### ▪ مبانی فکری و فرهنگی شیخ فضل الله نوری ره و آسیب‌های سیاسی و اجتماعی از منظر شهید مدرس

اگر می‌گوییم امروزه مجلس جایگاه خود را از دست داده است و اگر امام می‌فرمودند: مجلس در رأس امور است و الگوی شما باید مدرس باشد، این‌گونه نیست که هر نماینده‌ای در قد و قامت شهید مدرس باشد؛ مدرس یک مجتهد ملایی است که اگر در حوزه مانده بود، جزء مراجع بر جسته بود. با توجه به این مسئله بینیم، امروزه چه مشکلاتی در مجلس وجود دارد؟ ما می‌توانیم از آسیب‌شناسی شیخ شهید و مدرس برای حل مشکلات روزمان استفاده کنیم.

#### الف) اسلامیت و مشروعیت قوانین و چارچوب‌های قانون‌گذاری

بحث اول در آسیب‌شناسی شیخ فضل الله از مجلس، در زمینه قانون‌مندی و قانون‌گذاری آن است که ایشان عمیقاً به سیطره فقه بر قانون‌گذاری اسلامی معتقد است و بدین جهت بر نظارت فقهای شیعه تأکید می‌کند.

از نظر شیخ فضل الله، مجلس شورا - به دو شرط پاییندگان به احکام اسلام و تنفيذ مصوبات آن توسط مجتهدان پارسا - مقوله‌ای کاملاً مطلوب و قابل قبول است. رواق‌های صحن و حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام هنوز صدای رسای او را در گوش دارند که می‌گفت: «من آن مجلس شورای ملی را می‌خواهم که عموم مسلمانان، آن را می‌خواهند. به این معنی که عموم مسلمانان، مجلسی می‌خواهند که اساسش بر «اسلامیت» باشد و برخلاف قرآن و برخلاف شریعت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و برخلاف مذهب مقدس جعفری علیه السلام قانونی نگذارد. من هم، چنین مجلسی می‌خواهم».

از نظر قانون‌گذاری، تنها در دو مورد جایز بود و نیاز به امضا و تنفيذ مجتهدان ندارد: ۱. تعیین ضوابط برای امور شخصی و خصوصی، مشروط بر آن که مشتمل بر امر حرامی نباشد ۲. دستورالعمل اجرایی دولت برای مأموران خود جهت جلوگیری از ستم و تعدد آن‌ها به مردم.

اما نگارش قانون برای «عموم مردم»، و «الزام» آنان به انجام یک سری امور، دخالت در امور عامه محاسب شده و این کار، شأن ویژه نوای امام علیه السلام (فقهای جامع الشرایط) است و دیگران بدون اذن و اجازه فقیه صاحب ولایت، حق تجاوز به این عرصه را ندارند. نگارش قانون برای مردم، حتی در دایره امور مباحه نیز، بدون امضا و تنفيذ مجتهدان جایز نیست. اصولاً یکی از ایرادات اصولی شیخ به مشروطه غربی، همین بود



نکند؛ واضح تر و ساده تر بگوییم؛ یعنی بهائی نباشد...».

اشکال بعدی شیخ، به وجود ساز و کار مناسب در انتخاب وکلا باز می‌گردد؛ یعنی شیخ به نحوه انتخاب وکلا در مجلس اول نیز ایراد داشت؛ زیرا مردمی بودن نماینده برایش بسیار مهم بود. اگر مردم سالاری مهم است و اعتبار قانونی نماینده‌گان به شناخت و انتخاب نماینده‌گان از جانب مردم است، شیخ فضل الله می‌گوید: هم این نماینده‌گان چند هزار رأی بیشتر نداشته‌اند؛ چراکه مردم آن‌ها را نمی‌شناسند. میزان اعتبار نماینده این است که توده مردم به آن‌ها رأی بدھند؛ لذا نماینده‌گانی که تنها چند هزار رأی دارند، پایه اعتبار قانونی ندارند. دوم این‌که دیانت شرط اساسی است. مرحوم شیخ فضل الله نوری ره به آفایان سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی تأکید می‌کند که هشت نفر از نماینده‌گان، مسلمان نیستند؛ در حالی که به عنوان نماینده مسلمان رأی آورده‌اند و بسیاری از مردم هم فکر می‌کنند که همه نماینده‌گان مسلمانند!

### **▪ نفوذ اقلیت تندرو و منحرف، برآکثریت مجلس**

ایراد دیگر شیخ به مجلس شورای مشروطه، انفعال اکثریت اعضای آن مجلس در برابر اقلیت تندرو و شهرآشوب آن (وایادی آن‌ها در خارج از مجلس) بود. شیخ کراراً در اظهارات خویش به این معنا اشاره و از آن شدیداً انتقاد کرده است؛ مثل لوایح ایام تحصن شیخ در حضرت عبدالعظیم علیه السلام و امروز هم دیده می‌شود که ابتکار عمل و فضاسازی در مجلس، گاه به دست یک اقلیت تندرو می‌افتد و آبروی مجلس، به پای اغراض عده‌ای خاص خرج می‌شود.

### **▪ صیانت آرای مردم و آسیب تقلب در انتخابات**

از مسائل دیگری که دچار آسیب شده، بحث صیانت آرای مردم و جلوگیری از تقلب در انتخابات است. شیخ می‌بیند، برخی از این نماینده‌گان با تقلب به مجلس آمده‌اند. این مسئله در دوره‌های بعدی هم رخ می‌دهد. به عنوان مثال شیخ ابراهیم زنجانی از غرب گرایان افراطی است که از زنجان برای مجلس اول وکیل می‌شود. گویا برخی اعمال نفوذ‌ها در مجلس، جلوی تنفیذ حکم رقیش (سید سلطانیه) را در مجلس می‌گیرد و زنجانی بدین طریق به مجلس راه می‌پابد. جالب این‌که زنجانی در خاطراتش ادعا می‌کند، همه مردم زنجان بدون یک مخالف به من رای دادند! یا در پرونده سیاسی دمکرات‌های تندرو، انجام دسیسه و تقلب در انتخابات مجلس دیده می‌شود. به هر حال حضور نماینده‌گان تندرو و افراطی در مجلس و تقلب‌های ناشایست در فرایند انتخابات، از گلایه‌های مشترک شهید مدرس و مرحوم شیخ فضل الله نوری است.

هم چنین اعضای فراکسیون حزب دموکرات در آذربایجان، از قبیل سید حسن تقی‌زاده یا سید محمد رضا مساوات شیرازی یا سید جلیل اردبیلی کسانی هستند که با دسیسه و تقلب به مجلس دوم راه پیدا کرده‌اند و شخصیتی مثل مرحوم نعمت‌الله تبریزی، درباره پارتی‌بازی، زد و بند و تقلب آن‌ها در مجلس، داد سخن داده است. از این‌جاست که به آسیب‌شناسی حضور عناصر سکولار و تندرو در مجلس می‌رسیم و به خصوص حسیاست شیخ شهید را درباره خط‌رو روحانی نمایان می‌بینیم.

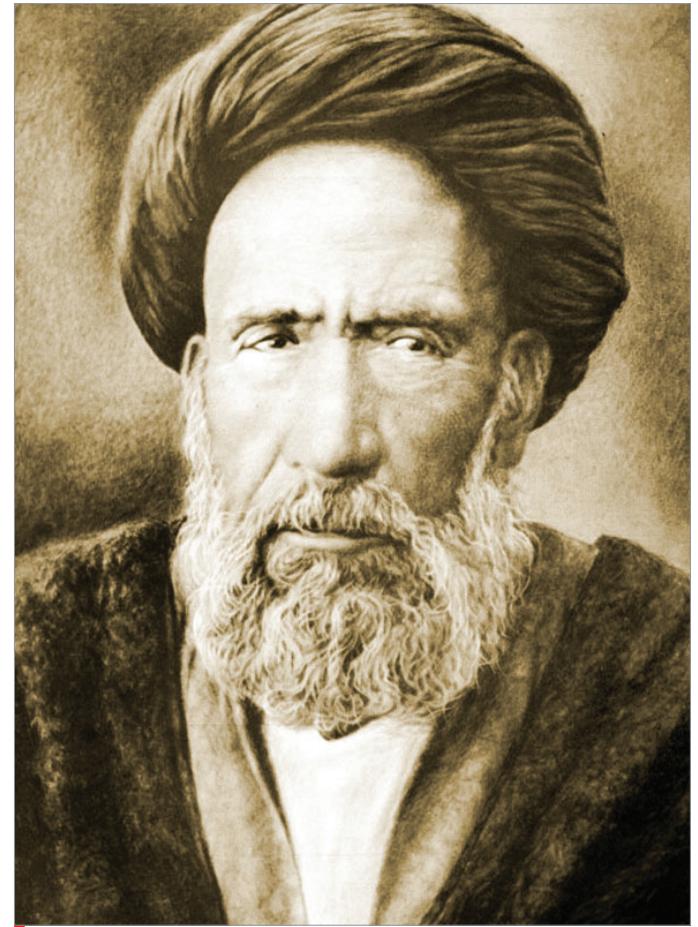
فردی مانند شیخ ابراهیم زنجانی با این‌که دانش آموخته نجف است؛ اما به نحو عجیبی عضو «لژیداری ایرانیان» و «جامع آدمیت» می‌شود و به عنوان دادستان محکمه شیخ فضل الله، زمینه اعدام ایشان را فراهم می‌کند و به وسیله پیرم خان ارمنی که رئیس نظمیه تهران بود، طناب دار به گردن شیخ انداخته می‌شود. این عناصر به مرور، مقدمات پیدایش پهلوی و رضاخان را از دل مشروطه ایجاد می‌کنند. زنجانی بعد از شهید مدرس درگیر می‌شود و خلاصه کار به جایی می‌رسد که علناً مشروب می‌خورد و نستجیر بالله به ریس مذهب جعفری علیه السلام، جسارت می‌کرده و در عین حال تا پایان عمر ملبس باقی می‌ماند.

شیخ با این روحانی نمایان منحرف بسیار مخالف است و خط‌رو این‌گونه عناصر را از تقی‌زاده‌ها بیشتر می‌داند.

### **▪ شرایط سیاسی-اجتماعی نماینده‌گان و آسیب‌شناسی آن**

یکی از شرایط مهم نماینده‌گی هوشمندی و درایت است و فقدان آن، یک آسیب بزرگ است. زمانی که کارنامه زندگی شهید مدرس را ورق می‌زنیم، اورا به عنوان یکی از نواع تاریخ ایران و روحانیت شیعه می‌بینیم. ایشان سه بار ترور می‌شوند و این‌که چگونه نجات پیدا کرده و به چه ترتیب جان سالم به درمی‌برد، از حکایات عجیب است. سومین ترور ایشان به این صورت بود که رضاخان طرفداران خود را به سراغ ایشان می‌فرستد. سید، اول صبح از خانه خارج می‌شود و ناگهان با مشتبه می‌شود. در این جا از هوا گرگ و میش اول صبح استفاده می‌کند و ضاربین را به اشتباه می‌اندازد؛ ضاربیان نیز به خیال این‌که قلب و مغزو سینه سید را می‌زنند، عمامه و دست و عبا و کتفش را مورد هدف قرار می‌دهند. مشهد مدرس روی زمین می‌افتد و افراد مسلح پا به فرار می‌گذارند. ایشان را به بیمارستان می‌برند؛ در حالی که دست‌ها و کتف ایشان به شدت آسیب دیده؛ ولی زنده می‌ماند. رضاخان برای پنهان کاری، پیغمابرای مدرس می‌فرستد که احوال حضرت عالی چه طور است و مرحوم مدرس در پاسخ پیغام می‌دهد که به کوری چشم دشمنان مدرس هنوز زنده است!

درباره زیرکی مرحوم مدرس ماجراهای جالبی نقل شده است. مدرس دو نوع امضا داشته و برای مقاطع مختلف از آن‌ها استفاده می‌کرده است. در زمانی که ایشان در حوزه علمیه اصفهان تدریس می‌کرده، با ظل السلطان حاکم مستبد اصفهان درگیر می‌شود.



اگر می‌گوییم امروزه مجلس جایگاه خود را از دست داده است و اگر امام می‌فرمودند: مجلس در رأس امور است والگوی شما باید مدرس باشد این گونه نیست که هر فایده‌ای در قد و قامت شهید مدرس باشد؛ مدرس یک مجتهد ملایی است که اگر در حوزه مانده بود جزء مراجع برجسته بود. با توجه به این مسئله ببینیم امروزه چه مشکلاتی در مجلس وجود دارد؟ ما می‌توانیم از آسیب‌شناسی شیخ شهید و مدرس برای حل مشکلات روزمان استفاده کنیم.

زمین» یا «سقط جنین» پیرهیزد؛ زیرا این‌ها مخصوص کارشناسان فقه است. مخصوصاً اگر مراجع عالی قدر نسبت به لوایح یا طرح‌ها و مصوبات مجلس، دلسوزانه انتقاد می‌کنند و در موضوعاتی مثل «دیرکرد»، «ربا»، «سود بانکی» و امثال آن اظهار نگرانی می‌نمایند، نماینده‌گان محترم، مسئله را سرسری نگیرند و به حکم این‌که عنوان اسلامی بر سردر مجلس نقش بسته و سوگند آنان نیز در راستای رعایت شرع مبین است، خالصانه از حق تبعیت کنند. به نظر من اگر مجلس و بانک‌های ما، از رهبر انقلاب و مراجع عالی قدر حوزه، حرف شنوی داشتند، امروز شاهد رویکرد ربوی در بانکداری کشور نبودیم؛ اما مع الاسف هم مردم و هم حوزه از وضع بانکداری موجود راضی نیستند.

ب) نماینده‌گان اصلاح و انتخابات سالم از منظر شیخ و مرحوم مدرس شرایط یک نماینده چیست و انتخابات باید با چه ساز و کارهایی انجام بگیرد؟ در این مورد نظر مرحوم شیخ فضل الله نوری ره و مرحوم مدرس این است که نماینده‌گان باید اصلاح باشند و منافع ملی و اسلامی را در نظر بگیرند و از دروغ‌گویی، عوام‌فریبی و وعده‌های پوچ به شدت پیرهیزند. شیخ در گفت‌وگویی که با سیدین طباطبایی و بهبهانی در تحصن حضرت عبدالعظیم علیه السلام دارد، با تأکید بر موقافت خویش با وجود مجلس شورا به عنوان مرکز قانون‌گذاری کشور، این سؤال اساسی را پیش می‌کشد که: «چه نوع وکیلی برای این مجلس لازم است؟ دارای چه صفاتی باید باشند که وکیل سی کور مردم ایران باشند؟ از تمام صفات او که صرف نظر کنیم، لااقل باید باشد مسلمان و طریقه جعفری را دارا باشد، از خدا بترسد، دین به دنیا نفوذ و برای اجنب کار



# **میزان رأی ملت است**

وظایف و مسئولیت خطیف انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان اویژه‌نامه انتخابات |



یکی از مهم‌ترین امتیازات یک نماینده، روحیه شجاعت و رشادت است که آفت آن هم، ترس، تعارف و محافظه‌کاری است.

برخی نمایندگان از گفتن حقایق می‌ترسند و اگر هم بگویند زمانی این کار را انجام می‌دهند که خطری آن‌ها را تهدید نمی‌کند و خودشان دیگران نماینده نیستند. چون در زمان لازم مطلب را می‌گویند سازنده نیست. در حالی که مرحوم مدرس مطلب را در بنزگاه آن می‌گوید لذا در نامه خود به احمدشاه می‌نویسد: خداوند دو چیز را به من نداده است که یکی ترس و دیگری طمع است و هر کسی با مصالح ملی و امور مذهبی همراه باشد، من هم با او همراه هستم والا فلا.

ایران باشد که باز نماند! بیینید، این همان توجه به ضرورت‌های اصلی در امور کشور است.

#### شجاعت و رشادت و پرهیاز تعارف و محافظه‌کاری

یکی از مهم‌ترین امتیازات یک نماینده، روحیه شجاعت و رشادت است که آفت آن هم، ترس، تعارف و محافظه‌کاری است. برخی نمایندگان از گفتن حقایق می‌ترسند و اگر هم بگویند زمانی این کار را انجام می‌دهند که خطری آن‌ها را تهدید نمی‌کند و خودشان دیگران نماینده نیستند. چون در زمان لازم مطلب را می‌گوید سازنده نیست. در حالی که مرحوم مدرس مطلب را در بنزگاه آن می‌گوید لذا در نامه خود به احمدشاه می‌نویسد: خداوند دو چیز را به من نداده است

یکی از اصول نمایندگی، دلسوزی و مردم‌داری است. این چه ویژگی است که مرحوم مدرس از جوایز و قدراء‌بندان انسان می‌سازد؟ شهید مدرس بعد از نقل داستان آن سه جاسوس در کتابش، می‌گوید: انسان، انسان است. باید روی او کار کرد.

چرا امروزه این هوشمندی و درایت رانداریم یا کمتر سراغ داریم؟ چرا که الگوی ما مردم نیست. چرا مردم در برخی موارد احساس می‌کنند، نماینده، مطالبه‌گر واقعی حقوق مردم نیست؟ مردم می‌گویند: نماینده ما شعار داده و رأی جمع می‌کند و بعد از ورود به مجلس، تا چهار سال اور انخواهیم دید و در مجلس هم آن‌چنان که باید، از حق ما دفاع نمی‌کند؛ اما مردم دوستی و مردم‌گرایی حکم می‌گویند، نماینده از توده مردم و درین توده مردم و برای مردم حرکت کند و مثل مرحوم مدرس دلسوز و مردم‌بار باشد.

#### جريان شناسی نیروهای حاضر در عرصه سیاسی کشور

از دیگر آسیب‌های موجود در نمایندگان مجلس، ضعف جريان شناسی است. هستند نمایندگانی که آرایش سیاسی جريان‌های موجود در مجلس و کشور را نمی‌دانند؛ جريان حق و باطل را از هم تفکیک نمی‌کنند و دچار دوقطبی‌های کاذب می‌شوند و لذا مسیر را گم می‌کنند و سربزگاه موضع‌گیری و رای دادنشان خلاف منافع ملی و اسلامی است. گاه در موقع حساس ساكتند و در موقعی که باید آرامش خودشان را حفظ کنند، جنجالی می‌شوند و حاشیه ایجاد می‌کنند.

آیت‌الله مدرس رهنما دقیقاً از آرایش سیاسی مجلس باخبر بود و می‌دانست که درین مسئولان چه روحیاتی وجود دارد؛ لذا می‌فرمود: برخی نمایندگان حکم شمشیر مرصع را دارند؟ به در روز سلام شاهانه می‌خورند؛ نه میدان جنگ و برخی حکم شمشیر تیزی را دارند که می‌توان با آن به مصاف دشمن تیزچنگ رفت. وی مجتهده‌ی سیاست‌مدار و شخصیتی نافذ، قوی، باصلابت و فائق بود. مرحوم مدرس از آرایش سیاسی مجلس و از روحیه مسئولان آگاه بود و عناصر وابسته به روس و انگلیس را خوب می‌شناخت و به موقع از این عناصر بهره لام را می‌گرفت.

#### دانش دشمن شناسی

آسیب بعدی فقدان دشمن دشمن شناسی است. بستن روزنه‌های نفوذ و ایستادن در برابر مطامع بیگانگان از وظایف مجلس است. هم چنین مجلس باید نسبت به قراردادهای استعماری هشیار باشد و وادادگی نشان ندهد. شهید مدرس هم با دید نافذی که داشت، دقیقاً می‌دانست که دشمن کیست و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ مثلاً قرارداد استعماری ۱۹۱۹ که قبل از به قدرت رسیدن رضاخان مطرح شد، تمام خاک ایران را به عنوان بخشی از قلمروی تحت الحمایه انگلستان انگلیس مصادره می‌کرد. اگر تلاش‌های شهید مدرس و آیت‌الله شیخ حسین لنگرانی در برابر شهرآشوبی و ثوق‌الدوله نبود، خاک کشور ما هم جزئی از کشور انگلستان شده بود! مسئله نفوذ و دشمن شناسی خیلی مهم است. شهید مدرس از جمله کسانی است که می‌داند، اگر به اندازه سرسوزنی روزنه نفوذ برای استعمارگران ایجاد کنیم، آن را به دروازه‌ای تبدیل می‌کنند که قطار شتراز آن عبور کند. ای کاش خوش‌بینی زیاد نسبت به اروپا و آمریکا، این همه ما را از شهید مدرس دور نمی‌کرد.

عممال سفارت انگلیس بارها به دنبال گشودن روزنه‌ای برای شکار ایشان بودند؛ اما هر بار به درسته برمی‌خوردند! دکتر محمدحسین مدرسی (قانع)، خواهرزاده شهید مدرس می‌گوید: در کنار ایشان بودم که دونفر آمدنند که یکی فرنگی بود. پس از لحظه‌ای، مردی که متترجم بود، گفت: ایشان سفیر انگلیس اند، چکی تقدیم می‌دارند. برای این‌که به هر نوع صلاح بدانند، مصرف نمایند. آقا گفتند: چک چیست؟ متترجم گفت: چک براتی است که بانک می‌گیرد و مبلغی که در آن قید شده، می‌پردازد. شهید مدرس خندید و گفت: به ایشان بگویید: من پول و چک قبول ندارم. اگر کسی خواست به من پول بدهد، باید تبدیل به طلا کند و بار شتر نموده، ظهر روز جمیع هنگام نماز به مدرسه سپهسالار بیاورد و آن‌جا اعلام کند، این محموله را مثلاً انگلستان یا هرجای دیگر برای مدرس فرستاده است تا آن وقت من قبول کنم!

بعد از ترجمه این سخنان، فرنگی چیزی گفت و متترجم رو به آقا کرد و گفت: او می‌گوید شما می‌خواهید در دنیا حیثیت سیاسی ما را نابود کنید. شهید مدرس رهنما با خنده گفت: به ایشان بگویید از نابودی چیزی که ندارید، نترسید...!

#### پرداختن به اصول و پرهیاز حواسی

آسیب دیگری که گاه دامن گیرنماهندگان می‌شود، پرداختن بیش از حد به حواسی و غفلت از اصول است. یک نماینده خبیر نیک می‌داند که بایستی به کدام افق‌ها چشم بدوzd و از چه مسیری برای رسیدن به این افق‌ها عبور کند و نیز بایستی فریدگر کدام نیاز جامعه باشد؟ مع الاسف، گاه می‌بینیم که بین فعالان سیاسی، بر سر مسائلی نزاع رخ می‌دهد که مسئله سطح دهم کشور است و بدین ترتیب از مسائل کلان و اصلی کشور غفلت می‌شود. بعد هم همین مسائل مدت‌ها وقت جناح‌ها و مطبوعات را می‌گیرد و امکانات و ارثی افراد بی‌دلیل صرف می‌شود؛ اما شهید مدرس به جای شاخ و برگ‌ها به ریشه و اصل ماجرا می‌پرداخت.

#### حوالات جمع دروازه‌های ایران باشد!

به عنوان نمونه، دکتر سید عبدالبابقی مدرس، فرزند آیت‌الله مدرس رهنما نقل می‌کند: یک روز همراه آقا به مجلس رفت. وقتی از پله‌ها بالا می‌رفتیم، یکی از نمایندگان مجلس که به نظم شیخ العارقین زاده بود، به ما رسید و خطاب به آقا گفت: شما در این زستان سخت و با این پیراهن کرباسی و یقه باز گرفتار سرماخوردگی می‌شوید. مدرس نگاهی تند به او نمود و گفت: «کاری به یقه باز من نداشته باشید. حواسی جمع دروازه‌های



می دهد. یعنی مدرس می دانست که با چنین کسی طرف است. ایشان حرف خودش را رک می گفت.

#### وارستگی و سلامت نفس

از دیگر آفتهایی که می تواند یک نماینده مجلس را آلوده سازد، مقام پرستی، زدبند، رشوه ستانی، رانت خواری و استفاده از مجلس به عنوان سکوی پرشی برای رسیدن به سایر مناصب سیاسی و اقتصادی است. یک نماینده حق ندارد به نمایندگی مجلس، به عنوان اهرم و سکوی پرش سیاسی نگاه کند و الا اگر به اورشوه بد هند، قبول می کند و زدبند آغاز می شود. ریاست طعمه نیست؛ امانت و وظیفه است.

این مستله یک آفتی است که در تاریخ معاصر ایران در برخی از نمایندگان دیده می شود. مثلاً دکتر آتور میلیسپو [متولد مارس ۱۸۸۳ حقوقدان و کارشناس مالی آمریکایی که در سال های ۱۹۲۷-۱۹۴۲ و ۱۹۴۵ برای اصلاح مالیه به استخدام دولت ایران درآمد] مستشار آمریکایی مشهور و رئیس کل دارایی ایران است. او کتاب مشهوری به عنوان چهارده میلیون دزد دارد که همه ایرانیان را به عنوان دزد مطرح می کند و تهمت می زند. او در این کتاب از روش‌گیری و کوپن دزدی بسیاری از عناصر مجلس چهاردهم و مسئولین وقت دربار پرده برداشت. میلیسپو می گوید: ما معمولاً شش حلقه لاستیک به نمایندگان مجلس می دادیم؛ اما آنها با این بهانه که ما خرج داریم، غالباً مراجعت کرده و لاستیک اضافه می گرفتند. وی اسامی اشخاصی را که به همانهای گوناگون لاستیک و قند و شکر اضافه می گرفتند، با اعداد و ارقام ذکر می کند. به عنوان مثال آورده، سید ضیاء الدین طباطبایی که از زمینه سازان به قدرت رسیدن رضاخان بود، برای حرب خودش... به اسم آسفالت پشت بام یا به اسم مراسم روضه خوانی از ما کالا می گرفت و ما چون به رأی و کلا در مجلس نیاز داشتیم، به آنها می دادیم. خب! حالا مدرس که به مجلس می آید، یک منزل محقری را در تهران انتخاب می کند که تفاوت را نشان می دهد.

یک شب پیکی از جانب رضاخان بود که بگیر و ساكت باش. مدرس گفت: پول را زبرت شک بگذار و برو و به اربابت بگوتا دینار آخر خرج نابودی تو خواهد شد. اگر رضایت داد که هیچ والا بیا پول را از همین جای بردار و برو. این در شرایطی است که شخصی مانند ابراهامیان که یک مورخ سکولار است، تصریح دارد که مجلس در زمان حکومت پهلوی بیشتر تشریفاتی و فرماليته بود و آلت دست دولت و دربار بود. اگر امروزه می بینید که برخی رجال سیاسی از مفاسد موجود، انتقاد می کنند؛ اما اثنا دارد، به جهت این است که مردم خود آنها را چندان پاک دست و بی طرف نمی دانند؛ ولی کلام مدرس، قاطع و بزنده بود و نفوذ کلامش از پاک دستی و استقلال رویه، ریشه می گرفت.

#### اشرافیت و دنبای پرستی

یکی از امتیازات لام در نماینده، وارستگی، صفا، صمیمیت و ساده زیستی است که در نقطه مقابل آن اشرافیت و تجمل گرایی قرار دارد. چرا در روزگار ما، مردم احساس می کنند، نماینده شان از آنها فاصله گرفته و دیگران را فراموش کرده است؟ چرا باید در یک کشور اسلامی و به نام یک مجلس اسلامی، مال اندوزی و مقام دوستی رواج داشته باشد؟ متأسفانه همان ابتدای کار که دوره جدید مجلس آغاز می شود، گاه می بینید که بر سر عضویت در چند کمیسیون خاص دعواست. امیدوارم این اشتیاق فراوان از سر خدمت باشد و چنان چه برخی می گویند، به دلیل این که فلان کمیسیون، دارای امتیازات خاص و سفرهای خارجی است، نباشد؛ اما گاهی می بینید که مثلاً چون مدیران ارشد صنایع و کارخانجات با مسئولان فلان کمیسیون زیاد دیدار می کنند و این زمینه می شود که برخی از نمایندگان بعد از پایان دوران نمایندگی، به عنوان اعضای هیئت مدیره برخی کارخانجات انتخاب شوند، آن کمیسیون همیشه پر طرفدار است.

فراموش نکنیم، آن روحیه ای که مرحوم مدرس را محبوب ساخت، این بود که دنبال لبی گری و زدبند نبود و پاک زندگی می کرد. همه ارباب قدرت، منت مدروس را می کشیدند که یک گوشه چشمی به آنها بیندازد و حاضر بودند، رشوه های سنگینی پردازند. ایشان می دانست که اگر پولی یا امتیازی از اصحاب قدرت بگیرد، نمک گیر آنها می شود؛ لذا از آنها چیزی قبول نمی کرد.

شهید مدرس همیشه نماینده نمایندگان را به پرهیز از سودجویی، منفعت طلبی، تجمل گرایی و کم کردن فاصله با مردم ترغیب می کرد. یک داستان شیرین هم در این باره به یاد دارم که شنیدنی است. وطن الدلوه از اطراف ایان فرمان فرمای گوید: چایکین، مترجم سفارت روس به ملاقات شهید مدرس می رود و شهید مدرس در سخنان بسیار شیوا و پرحرارتی آنها را به همکاری ضد انگلیسی با عناصر ملی تغییب می کند. بعد پیش ریس وزرا (شاید فرمان فرمای) می رود و برای او ماجرا را تعریف می کند و می گوید: پای کرسی مدرس هم نشستم و از چای او هم خوردم. ریس وزرا که با مدرس بد بود، می گوید: زیر آن کرسی کثیف نشستی و آن چای متfun را خوردی؟! چایکین جواب عجیبی می دهد که ای کاش همه مسئولان این پاسخ را می شنیدند. می گوید: در آن کرسی و آن چای و آن شخص، روحی را دیدم که در سالان های مجلل این شهر پیدا نمی شود!

پاسخ مترجم سفارت روسیه را بینید. این روح پاک و باشرافت یک نماینده ایرانی است که فوق العاده جذاب است والا زرق و برق های دنیا که در جای دیگر هم هست و چشم خارجی ها با اینها پرنمی شود. باید دید، چه می شود که مدرس می غرد و می خوشد و تا پای جان می ایستد؛ اما امروزه برای استیضاح یک وزیر، اول امضاهای نمایندگان جمع می شود، ولی یک شبه بالابی گری، بسیاری امضاها دوباره پس گرفته می شود. از اینجا معلوم می شود صلات و قاطعیت و شجاعت مدرس و روحیه با ج ندادن به دیگران، در بعضی از نمایندگان ما کم دیده می شود.



از دیگر آفتهایی که می تواند یک نماینده مجلس را آلوده سازد

مقام پرستی، زدبند، رشوه ستانی، رانت خواری

و استفاده از مجلس به عنوان سکوی پرشی برای رسیدن

به سایر مناصب سیاسی و اقتصادی است. یک نماینده حق ندارد

به نمایندگی مجلس، به عنوان اهرم و سکوی پرش سیاسی نگاه کند

و الا اگر به اورشوه بد هند، قبول می کند و زدبند آغاز می شود.

ریاست طعمه نیست؛ امانت و وظیفه است.

است که یکی ترس و دیگری طمع است و هر کسی با مصالح ملی و امور مذهبی

همراه باشد، من هم با او همراه هستم والا فلا.

کار به جایی می رسد که رضاخان عده ای را به مجلس می فرستاد تا

مرگ بر مدرس بگویند، ایشان فریاد می زند: زنده باد مدرس و مرگ بر رضاخان !!

این جا رضاخان بلند می شود و مدرس پنهان شود را به دیوار می کوبد و گلوی او را فشار

می کشد تا جایی که جان مدرس به خطر می افتد. در این لحظه یکی از نمایندگان

برای نجات جان مدرس دست می اندازد و دهان رضاخان را می گیرد و طوری اورا

می کشد که فریاد رضاخان بلند می شود. رضاخان هم طوری دست این نماینده را

گاز می گیرد که خون از دست او جاری می شود؛ ولی جان مرحوم مدرس رانجات

دشمن، نه موشك است و نه بمب اتم؛ بلکه تحقیر و ایجاد بحران هویت است. شاید دیده باشد، دختری که می‌خواهد عفیفه و چادری باشد، گاه به دلیل تحقیر تبلیغاتی و روانی، مجبور به پس زدن آن می‌شود. گاه یک نماینده می‌خواهد استقلال خود را حفظ کند و مقابله موج‌های رنگارنگ دشمن باشد؛ اما او را تحقیر می‌کنند که تو مرتजع و کهنه‌پرستی و از موج دنیا عقبی. یک نماینده عزت مدار و راسخ، سعی می‌کند که عزت خویش را حفظ کند و در برآر آن، تکبر را در مدعیان و مستولان بشکند.

امام راحل نیز در یکی از سخنرانی‌های خود اشاره داشتند که مرحوم مدرس، برای شکستن هیبت و هیمنه زورمندان عصر خویش و مهار آنان، تدبیرها و تمهیدهای مختلفی داشت. از آن جمله مثلاً وقتی که فرمان فرما با آن یال و کوپال و برو بیا، به منزل ساده و محقر مدرس وارد می‌شد، مدرس که در کار فراهم آوردن وسایل پذیرایی بود، مثلاً به فرمان فرما می‌گفت: تا من این کوزه قلیان را شسته و آب می‌کنم، تو هم پاشو و این آتش‌گردان را بچرخان و آش قلیان را فراهم کن! و بدین‌گونه صولت وابهت پوشالی او را می‌شکست.

حالاً این روحیه را بآنماینده‌ای قیاس کنید که در مقابل یک مقام اروپایی خود

را می‌بازد و برای سلفی گرفتن با او، آبروی مجلس و کشور را به باد می‌دهد. این نشان‌دهنده ضعف اعتماد به نفس و کمبود عزت ملی در یک نماینده است که حتی در موضع‌گیری‌های سیاسی نیز به ظهور و بروز می‌رسد.

#### استعمار و استثمار فرهنگی

نکته آخر توجه ویژه شهید مدرس به اصول فرهنگی جامعه و نگرانی از تهاجم فرهنگی و تغییر سیک زندگی در جامعه ایرانی است. شهید مدرس، منتقد و مخالف پراوازه اقدامات پهلوی اول به‌ویژه در حوزه فرهنگی و اجتماعی است که در انتقاد از یکسان‌سازی پوشش در جامعه ایرانی به تقلید از غربی‌ها داد سخن می‌داد. ایشان درباره آینده ایران در عصر پهلوی، می‌گفت: «در رژیم نوی که نقشه آن را برای ایران بینوا طرح کرده‌اند، نوعی از تجدد به ما داده می‌شود که تمدن مغربی را با رسواترین قیافه، تقدیم نسل‌های آینده خواهد نمود...»

قریباً! چوپان‌های قریبه‌های قرعینی و کنگاور با فکل سفید و کراوات خودنمایی

می‌کنند؛ اما در زیباترین شهرهای ایران هرگز آب لوله و آب تمیز برای نوشیدن

مودم پیدا نخواهد شد. ممکن است شماره‌های کارخانه‌های نوشابه‌سازی

روزافرون گردد؛ اما کوره آهن‌گذازی و کاغذ‌سازی پا نخواهد گرفت.

درهای مساجد و تکایا به عنوان منع خرافات و اوهام! بسته خواهد شد؛ اما سیل‌ها از رمان‌ها و افسانه‌های خارجی که در واقع جز «حسین کرد» فرنگی و «رموز حمزه» فرنگی چیزی نیستند، به وسیله مطبوعات و پرده‌های سینما به این کشور جاری خواهد گشت؛ به طوری که پایه افکار و عقاید و اندیشه‌های نسل جوان از دخترو و پسر. تدریجاً بر بنیاد همان افسانه‌های پوچ قرار خواهد گرفت و محکم‌ترین عبارات بیان می‌کرد. اصلاً شهرت «مدرس»، به دوران تدریس ایشان برمی‌گردد؛ زیرا ایشان از اساتید برجسته حوزه بود؛ و گرنه ایشان طبق نسب نامه‌ای که مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی تنظیم کرده و این جانب خودم دیده‌ام، از سادات طباطبائی زواره و از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام است؛ پس مدرس فامیل ایشان نبوده است. به هر حال، بیان ایشان بسیار جذاب و با چاشنی طنز همراه بود. هستند نماینده‌گانی که از دانش و هوشمتدی کافی، بی‌بهره‌اند. برخی از نماینده‌گان هم علم و بصیرت دارند؛ اما فاقد شجاعت هستند و بعضی شجاعند؛ اما منطق محکم و پولادین در سخن آن‌ها وجود ندارد و بیان آن‌ها هم ضعیف است؛ در حالی‌که تمام این صفات در مرحوم مدرس موجود می‌زد.

عبدالله مستوفی از این ویژگی مدرس در حیرت بود. یک وقته مستوفی را به سراغ مدرس فرستادند که مدرس را در برابر رضاخان نم کند. مستوفی می‌گوید: آقا شما چرا با سردار سپه درافتاده‌اید؟ برای مخالفت با رضاخان همین مقدار کافی است و چرا می‌خواهید اورا را از رئیس‌وزیری بردارید؟ او به جامعه نظم بخشیده و قشون منظم و امثال ذلك آورده؛ لذا در افتادن شما با او صلاح نیست. خود مستوفی می‌گوید: بعد از این همه تعریف، مرحوم مدرس با یک کلمه تمام رشته‌های من را پنهان کرد. ایشان گفت: سگ هر چه قدر هم که خوب باشد، همین که پای بچه صاحب خانه را گرفت، دیگر به درد نمی‌خورد و باید از خانه بیرون شود که بدین‌گونه می‌بینید که شهید مدرس استادانه روحیه طنز خود را به نمایش می‌گذشت و با بیان شگفت و استدلال قوی ممزوج می‌کرد. امروز هم مردم باید به دنبال نماینده‌ای باشند که با همه شانتازهای مطبوعاتی، حقایق را با منطق محکم و بیان شیوا افشا کند و از مطبوعات و جوسيازی‌ها در فضای مجازی نترسد.

عزت نفس و ستیزبا تحقیرشدنگی

خصلت بعدی عزت نفس و مقابله با تحقیر شدنگی است. به جرأت عرض می‌کنم که برنده‌ترین سلاح



#### امام راحل نیز در یکی از سخنرانی‌های خود اشاره داشتند که مرحوم مدرس

برای شکستن هیبت و هیمنه زورمندان عصر خویش و مهار آنان، تدبیرها و تمهیدهای مختلفی داشت.

از آن جمله مثلاً وقتی که فرمان فرما با آن یال و کوپال و برو بیا، به منزل ساده و محقر مدرس وارد می‌شد

مدرس که در کار فراهم آوردن وسایل پذیرایی بود، مثلاً به فرمان فرما می‌گفت:

تا من این کوزه قلیان را شسته و آب می‌کنم، تو هم پاشو و این آتش‌گردان را بچرخان و آش قلیان را فراهم کن!

و بدین‌گونه صولت وابهت پوشالی او را می‌شکست.

#### بیان شیوا و منطق آهنین

فاکتور لازم دیگر برای یک نماینده، بیان شیوا و منطق آهنین است و این ویژگی در مرحوم مدرس بسیار باز

بود.

لایحه مورد نیاز جامعه، با ضعیف ترین و بدترین ادبیات دفاع می‌کند و گاه به جای حفظ خونسردی و ممتاز، با ادبیات و یا رفتار تند خود سوژه مطبوعات شده و به طرف مقابل آtomی دهد؛ همین سبب می‌شود که کاملاً نظر دیگران را برکرداند؛ مخصوصاً اگر در طرف مقابل بیان خوبی داشته باشد و منطق صحیح را با بیانی شیوا تضعیف کند. در این صورت نه تنها حقایق، مورد اقبال قرار نمی‌گیرند، بلکه مردود و منفور هم می‌شوند.

شهید مدرس اساساً در سخنوری پرشور و جریان ساز بود و مغز استدلال را با روان ترین و در عین حال شهید مدرس اساساً در سخنوری پرشور و جریان ساز بود و مغز استدلال را با روان ترین و در عین حال محکم‌ترین عبارات بیان می‌کرد. اصلاً شهرت «مدرس»، به دوران تدریس ایشان برمی‌گردد؛ زیرا ایشان از اساتید برجسته حوزه بود؛ و گرنه ایشان طبق نسب نامه‌ای که مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی تنظیم کرده و این جانب خودم دیده‌ام، از سادات طباطبائی زواره و از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام است؛ پس مدرس فامیل ایشان نبوده است. به هر حال، بیان ایشان بسیار جذاب و با چاشنی طنز همراه بود. هستند نماینده‌گانی که از دانش و هوشمتدی کافی، بی‌بهره‌اند. برخی از نماینده‌گان هم علم و بصیرت دارند؛ اما فاقد شجاعت هستند و بعضی شجاعند؛ اما منطق محکم و پولادین در سخن آن‌ها وجود ندارد و بیان آن‌ها هم ضعیف است؛ در حالی‌که تمام این صفات در مرحوم مدرس موجود می‌زد.

عبدالله مستوفی از این ویژگی مدرس در حیرت بود. یک وقته مستوفی را به سراغ مدرس فرستادند که مدرس را در برابر رضاخان نم کند. مستوفی می‌گوید: آقا شما چرا با سردار سپه درافتاده‌اید؟ برای مخالفت با رضاخان همین مقدار کافی است و چرا می‌خواهید اورا را از رئیس‌وزیری بردارید؟ او به جامعه نظم بخشیده و قشون منظم و امثال ذلك آورده؛ لذا در افتادن شما با او صلاح نیست. خود مستوفی می‌گوید: بعد از این همه تعریف، مرحوم مدرس با یک کلمه تمام رشته‌های من را پنهان کرد. ایشان گفت: سگ هر چه قدر هم که خوب باشد، همین که پای بچه صاحب خانه را گرفت، دیگر به درد نمی‌خورد و باید از خانه بیرون شود که بدین‌گونه می‌بینید که شهید مدرس استادانه روحیه طنز خود را به نمایش می‌گذشت و با بیان شگفت و استدلال قوی ممزوج می‌کرد. امروز هم مردم باید به دنبال نماینده‌ای باشند که با همه شانتازهای مطبوعاتی، حقایق را با منطق محکم و بیان شیوا افشا کند و از مطبوعات و جوسيازی‌ها در فضای مجازی نترسد.

#### عزت نفس و ستیزبا تحقیرشدنگی

خصلت بعدی عزت نفس و مقابله با تحقیر شدنگی است. به جرأت عرض می‌کنم که برنده‌ترین سلاح





## دوریکرد طریقت و موضوعیت

### در تحلیل رأی اکثریت

گفت و گو با حجت الاسلام والملسمین ذبیح الله نعیمیان عضو گروه فقه سیاسی دانشگاه باقرالعلوم



در دنیای پیچیده اجتماعی و سیاسی مراجعه به آرای عمومی، یک راهکار و فضیلت در جوامع به شمار می‌رود. تا آنچا که تعیین نوع حکومت، عالی‌ترین مقامات، قوانین و مقررات کشورها از طریق مراجعه به آرای مردم تعیین می‌شود. به مناسب انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ۹۸ هفته‌نامه افق حوزه درگفت و گوی اختصاصی با حاجت‌الاسلام والملسمین ذبیح الله نعیمیان عضو هیئت علمی گروه تاریخ اندیشه معاصر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی به بررسی دوریکرد طریقت و موضوعیت در تحلیل رأی اکثریت و اعتبار و جایگاه رأی اکثریت در قانون اساسی و فقه سیاسی پرداخته‌اند که در ادامه می‌خوانید.

تشخیص تخصصی آن‌هاست و هر یک از آن‌ها با بررسی مورد و مصدقه کی که با آن مواجه هستند، تشخیص خود را بیان می‌کنند و می‌گویند اگر به این شیوه عمل شود، نتیجه بخش خواهد بود و بیمار سلامتی خود را بازخواهد یافت. اگر بعد از چند ساعت بحث و نتیجه‌گیری، یکی از اعضای شورا بخواهد یک نوع غذا را برای همه اعضاء تهیه کند و دوباره رأی‌گیری کنند، می‌توانند به دو صورت این‌کار را انجام بدeneند. می‌توانند رأی بدeneند که چه غذایی را بیشتر دوست دارند. مثلاً بگویند غذای الف را بیشتر دوست دارند یا غذای ب را. اینجا دیگر رأی دیگری حاکی از تشخیص آن‌ها نیست. بلکه قرار است سلیقه و خواست شخصی خود را بیان کنند. مگر این که مسئول جلسه بگوید به نظر شما برای این ساعت چه غذایی بهتر است که باز هم رأی‌گیری مشابه رأی پژوهشی است که تشخیص خود را بیان کنند. بنابراین از نظر فنی رأی اعضاء می‌تواند به دو صورت باشد. یکی این که موضوعیت داشته باشد و دیگری این که طریقت داشته باشد. در جایی که تشخیص خود را بیان می‌کنند، رأی آن‌ها بیانگر و طریق برای بیان مراد و تشخیص آن‌هاست و آنچایی که می‌خواهند خواسته خود را بگویند تا خواسته اکثریت به دست بیاید، می‌توانیم بگوییم این رأی طریقت برای بیان خواسته دارد. اما فی الجمله می‌توانیم بگوییم خود رأی‌گیری برای آن‌ها موضوعیت دارد یا به بیان دیگر بگوییم خواست آن‌ها موضوعیت دارد. در حالی که در رأی‌گیری اول خواست افراد موضوعیت نداشت. اگرچیزی را خواستند علت این بوده که رأی آن‌ها بیانگر تشخیص آن‌هاست. مثلاً اعضاء بگویند ما می‌خواهیم این عمل جراحی صورت بگیرد. خواست آن‌ها طریقت برای تشخیص دارد. اما در جایی خواست آن‌ها فارق از این که محتوای آن مطابق واقع و مطابق صحت بیمار باشد موضوعیت دارد.

**رأی اکثریت چه جایگاهی در قانون اساسی و فقه سیاسی می‌تواند داشته باشد و مابه چه صورتی می‌توانیم به رأی اکثریت نگاه کنیم؟**

یکی از مقولاتی که در دوران جدید با آن مواجه هستیم و در قانون اساسی هم رد پای آن را مشاهده می‌کنیم تمسک به رأی اکثریت است. رأی اکثریت مقوله‌ای است که در دنیای جدید به آن پرداخته می‌شود. اما در نگاه دینی لزوماً پیش فرض‌ها و مبانی مطرح در دنیای غرب محور فهم ما از رأی اکثریت نخواهد بود. صرف این که گفته شود اکثر مردم می‌دانند یا نمی‌دانند «اکثرهم لا یعقلون» کفايت نمی‌کند و لام است این مسئله تحلیل و بررسی شود و اگر بخواهیم در فقه سیاسی به رأی اکثریت تمسک کنیم یا تمسک نکنیم لازم است تحلیل شفافی داشته باشیم که رأی اکثریت چه ماهیتی می‌تواند داشته باشد؟ برای فهم این مطلب مثالی عرض می‌کنم. در کمیسیون پژوهشی، رأی اکثریت پژوهشکان چه شائی دارد و حاکی از چه مفهومی است؟ به طور طبیعی در شورای پژوهشکی قرار نیست هیچ یک از اعضاء دل بخواه خود را ابراز کنند و مثلاً بگویند من دوست دارم این فرد عمل جراحی بشود یا نشود. بلکه شأن جلسه و شأن رأی دادن هر یک از پژوهشکان در این شورا ارائه تشخیص آن‌هاست. یعنی بگویند با توجه به وضعیت بیمار نتیجه‌گیری می‌کند لام نیست برای او عمل جراحی صورت بگیرد. بنابراین رأی هر یک از اعضاء شورای پژوهشکی حاکی از رأی و



## میزان رأی ملست است

وظایف و مسئولیت خطیر انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان اویژه‌نامه انتخابات |

بودن لازم نیست، در مسیر دیگر می‌توانیم بگوییم رأی شما حاکی از تشخیص اصلاح است. بنابراین تا اینجا با مفهوم طریقت رأی و مشابه آن بیعت آشنا شدیم.

#### ▪ آیا بیعت به معنای رأی امروزی است؟

▪ لزوماً خیر، چراکه وقتی امروزه وارد صحنه انتخابات می‌شویم و می‌گوییم وقتی رأی دادیم با لوازمی همراه است که همان ایاز حمایت از حکومت است. اما ممکن است این لازمه را از اکثریت پذیریم یا نپذیریم. در فضای جمهوری اسلامی بحث مشروعیت مطرح می‌شود و می‌توانیم برای عده‌ای بگوییم شرکت در رأی‌گیری به معنای پذیرش جمهوری اسلامی است و برای عده‌ای دیگر می‌تواند خلاف این مطلب باشد و شرکت آن‌ها در رأی‌گیری به معنای پذیرش جمهوری اسلامی نباشد. اما در مجموع ممکن است بگوییم اکثریت جامعه این حکومت واصل آن را فارغ از نقدهای جزئی قبول دارند. بنابراین ها لوازمی هستند و آن لوازمی که دلالت مطابقی دارد، می‌گوید رأیی که من در صندوق انداخته‌ام به این معنی است که این آقا را قبول دارم که ممکن است حاکی از تشخیص و یا دلخواه من باشد. در مسیر جمهوری اسلامی مقام معظم رهبری و دیگر بزرگان انقلاب همواره با یک نگاه انقلابی می‌فرمایند: تشخیص‌های خود را ابراز کنید و مردم را به این سمت سوق می‌دهند که ابتدا ایجاد تشخیص کنید و بعد آن را با شرکت در رأی‌گیری ابراز کنید. لازمه این کار ایجاد بصیرت و تشخیص برای شناخت صالح از ناصالح و بعد از آن شناخت اصلاح از میان صالحان است.

#### ▪ این بحث به کدام قلمرو از فقه می‌تواند مربوط باشد؟

▪ در پاسخ عرض می‌کنم موردی به نام شهادت داریم. ما در محکمه به چه چیزی شهادت می‌دهیم؟ شهادت می‌دهیم که من این فرد را دیدم که چه کاری انجام داد و یا شهادت می‌دهیم که من در آن صحنه بودم و این آقا در آن صحنه حضور نداشت. بنابراین شهادت اخباری از دانسته‌ها یا احیاناً نادانسته‌ها است. اگر رأی می‌تنی بریان تشخیص باشد می‌توانیم از برخی از بحث‌های شهادت و برخی از موضوعات و لوازم بحث شهادت استفاده کنیم. مثلًاً می‌توانیم از مسئله شهادت چند نفر استفاده کنیم که مشابه آرای عمومی است. هم چنین این مسئله را مطرح کنیم که اگر دو نفر شهادت به یک طرف دادند و دو نفر دیگر شهادت به طرف دیگر دادند در این حالت تعارض شهادتین به وجود می‌آید. به عنوان مثال می‌گوییم آیا تساعد حاصل می‌شود یا خیر؟ در این حالت باید مسئله‌ای متناسب را بیان کنیم. مانند این‌که عده‌ای شهادت داده و شهادت آن‌ها در اکثریت است و عده‌ای دیگر شهادت داده‌اند و شهادت آن‌ها در اقلیت است. در این حالت این سؤال پیش می‌آید که وجه ترجیح ما در شهادت اکثریت به اقلیت چیست؟ آیا همین که شهادت یک گروه در اکثریت باشد کاشفیت آن بیشتر می‌شود؟ اگر ما تعارض شهادتین را پذیرفتیم و برفرض دو به دو مساوی شدند آیا باید دست به دامان قرعه کشی یا یمین بشویم؟ در صحنه عمومی به طور معمول مسئله تعارض شهادتین پیش نمی‌آید و کار ما راحت‌تر است. ما بحث رأی اکثریت را در انتخابات عمومی، شوراهای و یا در مجالس که نوعی شورا هستند، مطرح می‌کنیم. معمولاً تعداد را نامساوی می‌گیرند تا مساوی آراء حاصل نشود. ممکن است تعداد حاضرین هفت نفر باشد و یک نفر غایب شود. در این حالت آراء این شش نفر می‌تواند مساوی باشد. بنابراین لازم است پایه را محکم کنیم که حجت این رأی‌گیری از چه قبیل است. اگر مقوله اخبار را در نظر بگیریم این نکته مطرح می‌شود که در مثال شهادت در قضا شهادت چه کسی حجت است که بگوییم اکثر است یا اقل است؟ در ابتدا باید بیینیم فرد شاهد باید راستگو باشد. آیا شهادت هرفردی می‌تواند مفید باشد؟ به طور طبیعی مبانی می‌تواند در این حالت دخیل باشد. وقتی بحث خبر واحد را مطرح می‌کنیم از باب نگاه عقلابی می‌گوییم عقلاب خبر واحد را حجت می‌گیرند.

#### ▪ چه میزان خبر واحد را حجت گرفته و به آن اعتنای کنند؟

▪ این مسئله بستگی به مبنای حجت دارد. یک موقع می‌گوییم چون آیه فرموده است، تعبدًاً خبر واحد عمل می‌کنیم که لوازم آن با نگاه عرفی فرق می‌کند. در جایی که تعارض شد یا بحث لوازم مطرح شد، لزوماً نتیجه یکی نیست. یک مبنای این است که خبر واحد را عقلانی قبول کنیم و مبنای دیگر این است که تعبدًاً قبول کنیم. مشابه آن در بحث شهادت همین طور است.



مثال دیگری عرض می‌کنم. شما می‌خواهید به مشهد مقدس تشریف ببرید و می‌توانید از دو مسیر به مسافت بروید. یکی مسیر شمال که هم سرسبز است و هم طولانی تراست. اما مسیر دیگری هم وجود دارد که زیبایی ندارد، اما نزدیک تراست. در اینجا رأی‌گیری می‌کنیم که کدام مسیر به مصلحت ما هست. به عنوان مثال می‌گوییم قصد داریم تاریخ و ساعت مشخصی برای کاری مانند یک جلسه به مشهد برویم و اگر از مسیر طولانی حرکت کنیم به جلسه نخواهیم رسید. اینجا مصلحت و مفسد به میان می‌آید؛ اما رأی‌گیری می‌تواند به دو صورت واقع شود. حالا به سراغ مفهوم تاریخی به نام بیعت می‌روم. بیعت حاکی از کدام یک از این دو نوع است؟ آنجایی که مردم با خلیفه و امیر بیعت می‌کنند می‌خواهند بگویند ما از تو اطاعت می‌کنیم. در این حالت ماهیت بیعت حکایت‌گرای ابراز طبیعت هر فرد است. اما اینجا می‌توانیم یک قدم بالاتر بگوییم ما با این فرد بیعت می‌کنیم تا او خلیفه بشود. بنابراین فرض اول این است که شخصی خلیفه شده است و ما با او بیعت می‌کنیم که به آن بیعت اطاعت می‌گوییم که ماهیت این بیعت ابراز اتفاقیاد و اطاعت است. اما در حالتی ماهیت دیگری را انشاء می‌کند که آن خلاف است. یعنی هنوز خلافت ایجاد نشده و ما رأی می‌دهیم که شخصی خلیفه باشود.

#### ▪ این بیعت کردن که شبیه به رأی است، به چه معناست؟

▪ در پاسخ به این سؤال می‌تواند پاسخ بددهد که من از این آقا خوشم می‌آید. این مشابه انتخابات ریاست جمهوری است. یعنی رأی ما به این فرد و مبنای پذیرش او از طرف ما همین پذیرش خواست‌ها باشد. در این حالت ما ابراز خواست کرده‌ایم و بیعت ما در خدمت انعقاد امارت و خلافت است. اما پیش‌فرض ما این است که حکومت با خواست‌ها ساخته می‌شود. در زمانی می‌گوییم ابراز خواست کفایت نمی‌کند. بلکه مدل اسلامی خلافت یا حکومت متفاوت است و ما نمی‌خواهیم با ابراز خواست حکومت تشکیل بدھیم و مثلًاً این طور نیست که درصد بالایی از جامعه دل شان می‌خواهد این فرد حاکم بشود. بنابراین اگر ماهیت بیعت ابراز خواست باشد، انعقاد خلافت براساس خواست است و باید این پیش‌فرض را جلوترابات کنیم که انعقاد خلافت و عمارت و حکومت اولاً بعقد و ثانیاً با ابراز خواست صورت می‌پذیرد. در حالت دیگر می‌گوییم بیعت ما حکایت‌گرای تشخیص ما نسبت به اصلاح بودن و صالح یا ناصالح بودن افراد است. در این مسیر بیعت بیانگر تشخیص صالح و ناصالح و اصلاح است. به طور طبیعی ناصالح را کنار می‌گذاریم چراکه صلاحیت ندارد. در یک مسیر می‌توانیم پذیریم برای حاکمیت صالح بودن کفایت می‌کند و اصلاح





اهل روستا می‌توانند این خبرویت را داشته باشند؟ لزوماً خیر. بلکه باید تجربه حفر چاه و به کارگیری برخی از این ده نفر مغنمی را داشته باشند. به عنوان مثال، شخصی می‌گوید من یکی از آن‌ها را به کارگرفتم تا چاهی حفر کنم که نتوانست یک سنگ بزرگ را بیرون بیاورد و دیگری می‌گوید شخص دیگری را از آن ده نفر مغنمی برای حفر چاه به خدمت گرفتم که سنگی بزرگتر از آن را بیرون آورد. این دو شخص تجربه‌ای فی الجمله در اختیار دارند. اگر بخواهیم این مدل را پیش بیریم، لازم فقهی آن این است که افرادی که خبرویت نداشته و صاحب نظر نیستند معنا ندارد رأی بدهند. بنابراین باید ساز و کاری مناسب با هر موضوع پیدا کنیم که افرادی که اهل نظر بوده و خبرویت دارند رأی بدهند.

بنابراین یک سری آشنایی‌های عمومی است که اهالی یک روستا می‌توانند نظر بدهند. اما در برخی مسائل اهل تشخیص بودن از مخبر بودن و اهل اطلاع عمومی بودن به سوی خبرویت یا حداقل اهل تجربه بودن میل می‌کند.

#### آیا در این حالت تمامی اهل روستا حق رأی دارند یا خیر؟

از مبنای نگاه عقلایی در چنین حالتی تمام اهالی روستا دارای تشخیص نیستند و رأی آن‌ها نباید در رأی‌گیری مداخله کند. در اینجا ما کل بحث را بر طریقیت علم و طریقت رأی قرار داده‌ایم. بنابراین اینجا با حق کاری نداریم. لازم این گواهی است که هر کسی که توان تشخیص ندارد رأی ندارد که بگوییم حق رأی دارد یا خیر. یعنی اجازه ابراز رأی ندارد و اگر ابراز رأی کند، سخن او نافذ نیست.

#### چه کسی باید این نفوذ کلمه را تشخیص بدهد؟

همه مردمی که آنجا جمع شده‌اند، خودشان می‌دانند که اطلاعی دارند یا خیر. چراکه می‌خواهند معقول عمل کرده و مثلاً چنات روستا را احیاء کنند. در این بحث ما می‌گوییم چه کسی اجازه رأی دادن و یا به مفهوم دیگر بگوییم شأن و اهلیت برای ابراز نظر دارد. از این مسیر می‌بینیم، لازمه طریقت رأی این است که فرد اهلیت و شائنت ابراز رأی را داشته و اهل الانتخاب و اهل الترشیخ باشد تا تشخیص خود را ابراز کند و لازمه عرفی و عقلایی آن این است که دیگران محل توجه قرار نگیرند و هر مقدار که قدرت تشخیص دارند به سخن آن‌ها توجه شود. در مدل انتخابات خبرگان به راحتی می‌توانیم این مدل را پیاده سازی کنیم. در تشخیص این‌که یک فرد اهلیت ورود به مجلس خبرگان را دارد یا خیر دونوع صلاحیت را سراغ داریم. یکی صلاحیت عمومی مانند تقوی و دیگر صلاحیت تخصصی تر مانند توان مدیریت و تخصص خاص که همان توان اجتهاد است. اگراین مبنای را در طریقیت رأی در نظر بگیریم رأی مردم در تشخیص صلاحیت‌های

بستگی دارد که ما شهادت شاهدان را چطور قبول کنیم. می‌خواهیم توجه کنیم که اگر می‌خواهیم یک مورد را قبول کنیم چه موقع به سراغ این خبر می‌رویم؟ نگاه آیت الله مصباح این طور است که از الگوی عدول مؤمنین استفاده می‌کنند در این حالت اگر فقهیه نبود تصدی یک امر توسط عدول مؤمنین انجام می‌گیرد که این بحث مطرح نیست. ایشان می‌فرمایند: انتخابات چگونه باید باشد؟ یک مدل از انتخابات این طور است که به صورت صنفی انتخاب کنیم. به عنوان مثال، صنف طلب همدیگر را در یک کلاس می‌شناسند، مگر در بحث اخبار و شهادت نمی‌گوییم شرط داشتن اطلاع است؟ به کسی که اهل اطلاع نیست نمی‌گوییم شهادت بدهد. کسی که نمی‌داند چطور اخبار کند و شهادت بدهد؟ اگر مبنای بحث رأی اکثریت و اصل رأی را از طریق کاشفیت و طریقیت حل کنیم به سراغ بحث‌های دیگر می‌رویم. البته قصد قیاس نداریم. بلکه می‌خواهیم بینیم منطق این‌گونه بحث‌ها به چه صورت است و نکات مشترک را بینیم. خوب اگر اخبار داشته باشد باید بینیم سایر موارد به چه صورت است؟ اگر چیزی متین است، طریقیت به معنای اینجا هم همان را بگوییم. اگر می‌گوییم مبنای طریقیت است، طریقیت به معنای ابراز علم و تشخیص است که به عنوان مثال این فرد آدم خوبی است یا نسبت به دیگر کسانی که آن‌ها را هم می‌شناسم، اصلاح است. بنابراین باید دست به دامن علم بشویم. طریقیت به معنای اخبار است و من باید خبر داشته باشم تا توانم اخبار کنم. بنابراین در طراحی ساز و کارها باید به سراغ چنین مواردی برویم. سخن آیت الله مصباح این طور است که طلاق در هر کلاس یک نماینده را که صلاحیت برای کاری را دارد انتخاب کنند. شرط دوم این است که این‌ها افراد عادلی بوده و مناسب با این کار دارای شرایط باشند. البته عدالت را به معنای عام می‌گیریم و مثلاً می‌گوییم فرد راستگویی باشد و اگر کار سخت‌تری است عدالت را پرزنگ تر کنیم. پس اگر می‌خواهیم به سراغ این کار برویم باید لوازمش را بینیم. اگر مبنای این‌طور باشد که بنای عقاولاً براین باشد که ما حرف تقه را قبول کنیم و حرف غیر تقه را قبول نکرده و تفحص کنیم اینجا لوازمش می‌آید. اگر مبنای تعبد است که ما چه کسی را برای نمایندگی خودمان بفرستیم، مناسب با آن لوازمی بیش می‌آید. حالا وینگی‌های دیگر هم سرجای خودشان حکایت کنیم.

بنابراین باید اهل تشخیص بوده و در ابراز تشخیص عادله و تقه باشیم و ایجاد این سیستم هم لازم خودش را نیاز دارد. اولاً انتخاب کنندگان افراد عادل را جمع کنند و افراد غیر عادل حضور نداشته باشند. اهل شناخت بوده و توانایی شناخت را داشته باشند و احیاناً لوازم دیگری هم نیاز دارد و همین‌طور براساس مدل آیت الله مصباح مسائل را بچینیم. اما به غیر از شهادت یک راه دیگر را مطرح کنیم که مبنای بر همین ایده و الگو باشد، می‌توانیم بگوییم شهادت و اخبار اهل خبره. در این حالت اساس بحث مشابه همین بحث است که همان مفهوم خبرویت در فقه است. در برخی مواقع در تشخیص مصاديق به سراغ اهل خبره می‌رویم. اما این مورد مسئله را تا اندازه‌ای پیچیده ترمی کند. چراکه مبنای براین اصل است که برخی از کارها نیاز به تشخیص خاص دارد و تشخیص عام برای آن کافی نیست. اما اصل نکته این است که شما علم داشته باشید که چرا رأی می‌دهید. یعنی من در این موضوع اهل علم هستم. بنابراین با بحث شهادت و اخبار از یک صنف هستند؛ اما این مورد از علم خاص است. همین مطالب را وارد سطوح مختلف انتخابات می‌کنیم.

در انتخابات عمومی به عنوان مثال برای شناخت این که یک نفر عضو شورای روستا بشود، آیا اکثریت مردم روستا می‌توانند موارد مختلف را تشخیص بدند؟ تشخیص مسائلی مانند این که این فرد انسان خوبی است یا این که به عنوان مثال درد است. به طور معمول افراد یک روستا با یکدیگر ارتباط دارند و افراد صالح و ناصالح را می‌شناسند بنابراین تشخیص قابل اطمینان بودن با عادل بودن یک فرد برای آن‌ها امکان پذیر است. البته ممکن است افراد معدودی باشند که قادر به انجام این کار نباشند که می‌گویند نظری نداریم. در مثال دیگر می‌گوییم برای اصلاح چنات روستا دو نفر مغنمی لازم داریم. در روستاهای اطراف ده نفر مغنمی وجود دارند. اینجا انتخاب قدری خاص‌تر می‌شود و نیاز به خبرویت دارد. آیا همه













# مشارکت حداکثری در انتخابات

## نمایش غیرت ملی عزت و اقتدار ایران اسلامی است

نوشتاری از حجت‌الاسلام محمد ملک‌زاده

عضو هیأت علمی گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



یکی از مهم‌ترین رویدادهای انقلاب اسلامی ایران را می‌توان انتخابات به عنوان مظہر عزت و اقتدار ایران اسلامی دانست. با توجه به در پیش بودن موضوع انتخابات خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی در روزهای آتی و حساسیت این موضوع، در این فراز با الهام از دیدگاه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری نکاتی را مورد اشاره قرار می‌دهیم:



### اهمیت موضوع

انتخابات یکی از مهم‌ترین ابزارهای مشارکت سیاسی مردم و تحقق نظام مردم‌سالاری دینی می‌باشد؛ این مهم اگر با دوراندیشی و اتخاذ تدبیر لازم و مناسب عملی شود، می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را در برابر توطئه‌های گوناگون بیمه نموده و از آسیب‌ها و خطرات داخلی و خارجی مصون نگه دارد. در این دوره به ویژه انتخابات از حساسیت بالایی برخوردار است. آرایش آراء و دیدگاه‌های مختلف در داخل و صفات آرایی دشمنان خارجی نظام و توصیه‌ها و تحلیل‌های آنان پی‌رامون این موضوع، نشان‌دهنده اهمیت این دوره از انتخابات خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی است. مقام معظم رهبری، همواره در طول سال‌های گذشته بر اهمیت انتخابات به عنوان یک سرمایه‌گذاری انسانی تاکید نموده و آن را ثمره مردم‌سالاری دینی گویند.

تصویف نموده‌اند:

«انتخابات سرمایه‌گذاری عظیم ملت ایران است؛ مثل این که شما سرمایه سنگین و عظیمی را در بانک می‌گذارید، بانک با آن کار می‌کند و شما از سودش استفاده می‌کنید؛ انتخابات یک چنین چیزی است. ملت ایران سرمایه‌گذاری عظیمی را می‌کند، سپرده‌گذاری بزرگی را نجام می‌دهد و سود آن را می‌برد. آراییکایک شما مردم سهمی است از همان سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری. هر رأیی که شما در صندوق می‌اندازید، مثل این است که یک بخشی از پول آن سپرده را دارید تأمین می‌کنید. یک رأی هم اهمیت دارد. هر چه انتخابات پر شورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران، حرمت بیشتری خواهد گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال می‌شوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان می‌دهد. ایشان در بخشی دیگر از این سخنان، ضمن توصیف انتخابات به عنوان رکن و پایه نظام، آن را ثمره مردم‌سالاری دینی دانسته‌اند».

«انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست. پایه نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد؛ این هم جزء یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است».

### وظیفه نامزدهای انتخاباتی

هیچ مصلحتی نباید موجب خدشه دار شدن آرای مردم شود؛ تمایلات فردی یا گروهی و جنابی نباید بر مصالح عمومی و حقوقی افراد مقدم گردد. امام خمینی رض همواره به مسئولین گوشزد می‌کردند، «بین خودمان و خدای تبارک و تعالیٰ باید فکر بکنیم که شما مسئول این مساله هستید، هم مسئول کار خودتان و هم مسئول مسئولین دیگری که تحت نظر شما هستند، هستید که جریان انتخابات یک جریان صحیح باشد. هیچ کس در انتخابات بردیگری مقدم نیست».

#### • وظیفه نامزدهای انتخاباتی

یکی از مهم‌ترین وظایف انتخاباتی متوجه نامزدهای انتخابات می‌باشد که گاه متناسفانه دانسته یا ندانسته به آن بی‌توجهی می‌شود. در طول سالیان گذشته با توجه به برگزاری انتخابات متعدد توصیه‌های فراوانی از سوی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری در این خصوص مورد تاکید قرار گرفته که در این فراز به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. بدیهی است نحوه مواجهه کاندیدهای انتخاباتی با این وظایف، می‌تواند شاخص مناسبی برای رای ملت به ایشان باشد:

#### الف) مراقبت از بیت‌المال و پرهیز از اسراف

بر اساس نص قانون و تاکیدات مکرر امام راحل و مقام معظم رهبری هیچ نامزدی حق استفاده از بیت‌المال برای تبلیغات انتخاباتی را ندارد، آنان حتی موظف‌اند طرفداران خود را نیز در این خصوص مراقبت نموده و به آنان اجازه ندادند از بیت‌المال برای تبلیغات استفاده کنند؛ زیرا بیت‌المال حق مردم است و هیچ فردی حق دست‌اندازی به آن را ندارد. مقام معظم رهبری با تصریح به نگرانی خود پی‌رامون این موضوع می‌فرمایند:

«یکی از کارهایی که بمنه – چه در تبلیغات انتخابات مجلس و چه در انتخابات ریاست جمهوری – همیشه نگران آن هستم، این است. نه خودشان تبلیغات پُرخیج کنند، نه به طرفدارانشان اجازه دهند. بعضی افراد ممکن است بگویند به ماربطنی ندارد؛ این کار پُرخیج را دیگران می‌کنند. شما بگویید نکنند...»

از آن جا که انتخابات از حقوق مردم است، مسئولان و همه دست اندکاران امر انتخابات موظف‌اند حقوق مردم را به درستی ادا کنند. وظیفه تمام دستگاه‌هایی که در امر انتخابات نقش دارند آن است تا هم چون گذشته با تلاش خود به برگزاری انتخاباتی سالم و بدون حاشیه اقدام نمایند؛ زیرا مسلمان کوچک‌ترین سهل‌انگاری در این امر خسارتهای فراوانی را به کشور تحمیل می‌کند. این نکته‌ای است که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون همواره بر آن تاکید داشته‌اند. ایشان صندوق‌های رای را امانت‌های ملت در دست مسئولان امردانسته و همواره به تمام مسئولان توصیه نموده‌اند تا با حساسیت تمام از این امانت‌های مردم نگهداری نمایند؛ تاکید ایشان براین بوده که دقت شود حتی یک رأی از کسی ضایع نشود؛



## ب) پرهیز از تخریب

انتخابات دارای اهمیت و جایگاه بلندی است و مردم نقش بزرگی در این ایام را بر عهده دارند. امام خمینی درباره اهمیت حضور و شرکت همگانی مردم در انتخابات می فرماید: «این وظیفه ای است الهی؛ وظیفه ای است ملی؛ وظیفه ای است انسانی؛ وظیفه ای است که ما باید به آن عمل بکنیم؛ همه مان باید در انتخابات شرکت بکنیم». مقام معظم رهبری این مهم را وظیفه عموم مردم به ویژه نیروهای پسیجی می دانند تا مردم را به مشارکت حداکثری تشویق نمایند:

مسئله اول، مشارکت است. در زمینه مشارکت مردم، هر طورکه می توانید، روی خانواده ها و دوستانان کار کنید. مشارکت، یکی از اساسی ترین مسائل است. حضور مردم برای پیشرفت و صیانت کشور لازم است. نه این که اگر عده زیادی شرکت نکردند، این ها به نظام «نه» گفته اند؛ به هیچ وجه این طوری نیست. آن هایی که به خاطر «نه» گفتن به نظام نمی آیند، درصد خیلی کمی اند. یک عده به خاطر بی حالی نمی آیند؛ یک عده به خاطر بی حوصلگی نمی آیند؛ یک عده روز جمعه کار دیگری دارند و نمی آیند؛ این ها را شماره بیندازید. والا کسانی که معتقد به نظام و قانون اساسی نیستند و دلشان برای بیگانگان و نفوذ آن ها پر می زند و منتظر آمدن بیگانگان هستند، درصد بسیار کمی اند.

## ب) انتخاب اصلاح

حساسیت ویژه انتخابات مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی در این دوره ایجاب می کند که مردم با حضور پیش از انتخابات، اصل انتخاب اصلاح را تحقق بخشدند. برای انتخاب اصلاح باید به دور از هرگونه تعصب و با توجه به سوابق انقلابی نامزدها افراد دل سوز و انقلابی را برگزید. گزینش اصلاح پس از طی دو مرحله تحقیق می یابد؛ مرحله نخست توجه به معیار اصلاح است؛ مرحله دوم تطبیق افراد با این معیارهاست. معیار اصلاح در فرمایشات امام و رهبری شامل کسانی می شود که دردهای مردم را بدانند و برای ریشه کن کردن فقر و فساد عزم جدی داشته باشند و البته توان بردوش گرفتن این مسئولیت عظیم را نیز داشته و خود در دفاع از آرمان های انقلاب سد محکمی در برابر دشمن و بیگانگان باشند. در خصوص انتخابات مجلس با توجه به نقش و رسالت بزرگی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با تدوین قوانین و مقررات اسلامی و ملی بر عهده دارند، مردم باید نمایندگان را برگزینند که از هر جهت شایستگی نمایندگی ملت مسلمان ایران را داشته باشند؛ معتقد به دورکن مهم نظام یعنی «جمهوریت» و «اسلامیت» باشند تا هنگام بررسی لوایح و طرح ها این دورکن مهم را مورد توجه قرار دهد. بنیان گذار جمهوری اسلامی در یکی از بیانات خود درباره ویژگی های لام برای نمایندگی مجلس می فرماید: «من متواضعانه از شما می خواهم که حتی الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید و اشخاصی اسلامی متعهد غیر منحرف از صراط مستقیم الهی در نظر بگیرید و سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلام و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند و منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارند» مقام معظم رهبری نیز به مردم همواره تاکید نموده اند «به کسی گرایش پیدا کنید که به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معيشت مردم، به آینده مردم و به عزت مردم اهمیت می دهد» ایشان در جایی دیگر با تاکید بر کنترل و رودی های میدان سیاست می فرمایند:

«یقیناً و رودی های میدان سیاست، باید کنترل شود. باید ... معلوم گردد کسی که دارد می آید، کیست؛ اصلاً عرضه این کار را دارد یا ندارد؛ بعد، اعتقاد به این کار دارد یا ندارد؛ بعد، اصولاً می فهمد در کشور چه کار باید کرد یا نه. ملاک هایی وجود دارد؛ ... نگاه کنید بینید واقعاً چه کسی طرفدار انقلاب و طرفدار دین و طرفدار عدالت و طرفدار عدم تبعیض بین فقیر و غنی است؛ چه کسی کفایت و دنبال گیری و نشاط لازم را دارد؛ چنین کسی را پیدا کنید.»

## ج) حفظ وحدت

انتخابات در جمهوری اسلامی یکی از عرصه های تجلی وحدت و نمایش وحدت مردم است و باید تمامی تلاش ها و اقدامات در این راستا صورت گیرد. متأسفانه در سالیان گذشته گاهی در انتخابات وحدت ملی جامعه دچار آسیب شده که از رهگذار آن، ضربات و خسارات های بزرگی بر نظام و مردم تحمل گردیده است. امام خمینی با توجه به وجود دو دیدگاه های متفاوت در جامعه ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف را مردم تاکید قرار داده و می فرمودند: «البته دو تفکر هست؛ باید هم باشد دو رای هست؛ باید هم باشد سلیقه های مختلف پاید باشد لکن سلیقه های مختلف اسباب این نمی شود که انسان با هم خوب نباشد.... اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد این ناقص است. اگر در یک مجلس اختلاف نباشد این مجلس ناقص است؛ اختلاف پاید باشد. اختلاف سلیقه، اختلاف رای، مباحثه جار و جنجال این ها باید باشد لکن نتیجه این نباشد که ما دوسته بشویم... (باید) دوست هم باشیم.»

آنچه مسلم است رقابت های انتخاباتی نباید زمینه پراکنندگی، اختلاف و دشمنی در جامعه باشد. زیرا این امر زمینه نفوذ دشمنان مردم و نظام را فراهم خواهد ساخت. «من احتمال می دهم که عوامل و دست های ناپاکی بخواهند از رقابت های انتخاباتی در رسیدن به آرزو های خود استفاده کنند و با طرح مسائل پوچ و بی معنا دل ها را از یکدیگر جدا سازند.»

از این رو همه ماباید با هوشیاری و درایت کامل مراقب القاتات دشمنان و نفاق تفرقه افکان باشیم؛ با اتحاد و همدلی ضمن انتخاب نیروهای متعهد و دل سوز انتخابات را به عرصه اتحاد و انسجام ملت و جامعه تبدیل نماییم.

## د) وظیفه مردم

در انتخابات پیش رو با توجه به حساسیت آن و هجمه تبلیغات دشمنان، مردم باید در فضای آرام و منطقی بهترین تصمیم را گرفته و شایسته ترین فرد را برای خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی انتخاب کنند. با توجه به دیدگاه های امام راحل و مقام معظم رهبری چند نکته را به عنوان معلم ترین وظایف ملت در انتخابات می توان مورد تاکید قرار داد:

## الف) مشارکت حداکثری

انتخابات در جمهوری اسلامی همواره تجلی حضور و مشارکت سیاسی مردم و عرصه تحقق اراده ملت برای تعیین سرنوشت خویش بوده است؛ از این رو



# بحث پیرامون جایگاه شورایی یا مشورتی مجلس

## خلط شورا و مشورت و تقلیل جایگاه مجلس شورای اسلامی

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید محمد‌هادی پیشوایی، پژوهشگر فقه سیاسی در موسسه امام خمینی



اندازه سهم شان نظرشان مورد قبول واقع می‌شود.

در بحث اداره کشور واضح است که مجلس ما مجلس شوراست نه مجلس مشاوران. از سویی متأسفانه یک خطای دیگر در این عرصه اتفاق افتاد که آن هم به این سوء فهم در مورد جایگاه مجلس دامن زد؛ و آن هم بحث تفکیک قوا بود. عده‌ای با تأکید بر تفکیک قوا، چنین تصویر کردند که قوه اجرایی کشور و مدیریت کشور در اختیار قوه مجریه است و مجلس کارش فقط قانون‌گذاری و نظارت است. در حالی‌که از این امر غفلت شد که قانون‌گذاری هم یک بخش مهم از مدیریت کشور است.

با توجه به این دو نکته روشن است که مجلس شورای اسلامی، به رئیس جمهور مشورت نمی‌دهد، یا قوانین کلی تصویب نمی‌کند، بلکه برای اجرای امور تصمیم گرفته و به رئیس جمهور ابلاغ می‌کند. به عنوان مثال مجلس تصمیم می‌گیرد که فلان مقدار از بودجه را در چه محلی هزینه کند، یا فلان قرارداد را امضا کند و ... بنابراین بخشی از قدرت اجرایی کشور در اختیار مجلس است و بین رئیس جمهور و مجلس تقسیم کار شده است. بهترین مثال بر فهم این مسئله، مثال رابطه هیأت مدیر و هیأت امنا با مدیر عامل است. هر چند مدیر عامل مستول اصلی امور است، اما هیأت مدیر هم بخشی از کارهای واژگانی و صوری شبیه به مشورت است، اما از بنیاد با آن متفاوت است. شورا در جایی است که تعدادی از افراد حق رأی داشته و مانند یک هیأت مدیر یا هیأت امنا باید با هم تصمیم بگیرند. طبیعتاً در چنین جلساتی یک نفر مدیر جلسه است، اما دیگر تام‌الاختیار و تصمیم‌گیرنده نهایی نیست. بلکه هر یک از اعضای هیئت مدیره یا هیأت امنا یک رأی دارند و دیگر حکم مشاور رئیس را ندارند. در تصمیم مشورتی صاحب کار خودش تصمیم می‌گیرد و مشاور تنها نظر خود را او را به می‌دهد و صاحب کار اگر خواست نظر مشاور را می‌پذیرد یا رد می‌کند. مانند کسی که برای خرید منزل با افراد متخصص مشورت می‌کند و در نهایت خودش تصمیم می‌گیرد. در حالی‌که در شورا، مجموعه افراد با هم تصمیم می‌گیرند.

با توجه به بحث قبل، واضح است که دیگر جایگاه مجلس یک جایگاه تخصصی و مشورتی نیست. بلکه جایگاهی مدیریتی است. نمایندگان مجلس، به عنوان نماینده بخشی از مردم وظیفه مدیریت سهم آنان از بیت‌المال و امور عامه آنان را دارا می‌باشند. هر چند در نظام ریاستی دیگر آنان مدیر عامل کشور، یعنی رئیس قوه اجرایی را انتخاب نمی‌کنند، اما در عمل باید مانند اعضای هیأت مدیره همان کارکرد را داشته باشند. بنابراین مردم باید توجه داشته باشند، نماینده آنان در مجلس شورا، قرار نیست یک مشاور متخصص در یک عرصه خاص برای نظام اجرایی کل کشور باشد، بلکه مدیری است که باید بخشی از نظام اجرایی جامعه آنان را اداره کند. در نتیجه بحث میزان تخصص آنان وابسته به بحث میزان تخصص مدیران است.

### آیا مجلس جایگاه شورایی دارد یا مشورتی؟

مجلس شورای اسلامی یکی از بزرگترین آرزوهای جامعه اسلامی بود، که با انقلاب اسلامیحقق شد. نهادی که در نهضت مشروطه دچار انحراف شده، و عملاً زمینه‌ساز دیکتاتوری پهلوی شد. اما علی‌رغم گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، هنوز در مورد کارآمدی مجلس و جایگاه آن در میان ارکان نظام اسلامی گفت‌وگوهای بسیاری وجود دارد. به گونه‌ای که هنوز در مورد بسیاری از مباحث بنیادین این نهاد که به فرموده امام راحل «در رأس امور است»، اختلاف نظر وجود دارد. یکی از این بحث‌های بنیادین، خلط جایگاه مجلس شورای اسلامی، آن را نهاد مشورتی نظام محسوب می‌کنند!

به نظر می‌رسد که این امر ناشی از خطای ترجمه‌ای در کلمه «مجلس شورا» و معادله‌ای غربی آن consultative به معنای شورا و مشورت، در برابر استبداد صورت گرفته است. بسیاری از محققان حوزوی و دانشگاهی، شورا را در قالب «مشورت» معنا کرده، و مجلس شورا، را در قالب مجلس مشورتی تصویر کردن. در حالی‌که در تصمیم مشورتی یک نفر به عنوان مدیر یا صاحب اختیار با تعدادی از متخصصین با اهل نظر مشورت کرده و با استفاده از ظرفیت‌های عقلی آنان یک تصمیم بهتر می‌گیرد. جمله گهربار امام علی علیه السلام در اینجا می‌گوید: «مَنْ شَأْوَرَ الرِّجَالَ شَأْرَكَهُ فِي عَقْوَلِهَا». در چنین فرایندی، اعضای چنین جلسه‌ای مشاوران هستند که به شخص تصمیم‌گیرنده کمک می‌کنند تا بهترین تصمیم را بگیرند، و طبیعتاً اختیار نهایی هم با شخص تصمیم‌گیرنده است. اما تصمیم شورایی، هر چند از لحاظ واژگانی و صوری شبیه به مشورت است، اما از بنیاد با آن متفاوت است. شورا در جایی است که تعدادی از افراد حق رأی داشته و مانند یک هیأت مدیر یا هیأت امنا باید با هم تصمیم بگیرند. طبیعتاً در چنین جلساتی یک نفر مدیر جلسه است، اما دیگر تام‌الاختیار و تصمیم‌گیرنده نهایی نیست. بلکه هر یک از اعضای هیئت مدیره یا هیأت امنا یک رأی دارند و دیگر حکم مشاور رئیس را ندارند. در تصمیم مشورتی صاحب کار خودش تصمیم می‌گیرد و مشاور تنها نظر خود را او را به می‌دهد و صاحب کار اگر خواست نظر مشاور را می‌پذیرد یا رد می‌کند. مانند کسی که برای خرید منزل با افراد متخصص مشورت می‌کند و در نهایت خودش تصمیم می‌گیرد. در حالی‌که در شورا، مجموعه افراد با هم تصمیم می‌گیرند.

واضح است که بین شرایط و جایگاه یک عضو هیأت امنا و یک مشاور تفاوت جدی و مبنای وجود دارد. در جلسه مشاوران، فقط افراد صاحب نظر جایگاه ارائه نظر داشته و افراد فاقد تخصص حق اظهار نظر ندارند. اما در جلسه هیأت امنا و هیأت مدیره، اعضاء صاحب حق اند و بخشی از کاری که می‌خواهند در آن تصمیم‌گیری شود متعلق به آن‌هاست. در ترتیجه معنا ندارد که شخصی که در حیطه‌ای تخصص دارد، برای سهم کسانی که تخصص ندارند تصمیم بگیرند. هر کدام از اعضای چه متخصص و چه غیرمتخصص به

میزان رأی ملت است



که رئیس جمهور می‌شود باید دکترای علوم سیاسی داشته باشد؟ آیا وزیر نفت، باید دکترای تخصصی در صنعت نفت داشته باشد؟ آیا مدیریک بیمارستان باید یک جراح فوق تخصص باشد؟!

برای تبیین این مسئله باید پرسید که وظیفه مدیر چیست؟ آیا اداره یک بیمارستان مانند یک عمل جراحی است که یک جراح در آن تخصص داشته باشد، یا اداره یک کارخانه از سinx کارکردن با یک دستگاه تخصصی برق است، که یک مهندس برق یا مکانیک و ... بهتر بتواند با آن کار کند؟ واضح است که مدیریت از جنس علم تخصصی فنی نیست!! مدیریت یک هنر است و از مقوله علوم تجربی و فنی نیست. مدیریت کارخانه، غیر از تخصص در یک صنعت خاص در کارخانه است. مدیریت بیمارستان غیر از جراحی و ویزیت و معاینه بیماران است! حتی مدیریت در عرصه فرهنگ غیر از تخصص در یک رشته خاص فرهنگی است. مدیریت یک مسجد یا یک هیأت یا یک امام زاده غیر از علم دینی خاص در آن زمینه است. حتی مدیریت از جنس علم مدیریت هم نیست!! ممکن است شخصی دکترای مدیریت داشته باشد اما توانایی مدیریت منزل خود را نداشته باشد. علم مدیریت یک چیز است و توانایی اجرای آن امر دیگری است. مدیریت یک فن و توانمندی در عرصه اجراست و در حیطه هنر قرار می‌گیرد. برای مثال، در امور ساده، گاهی یک راننده بی‌سواد به مراتب بهتر از یک متخصص راننده‌گی می‌کند. چرا که توان تصمیم‌گیری و محاسبه در لحظه را دارد. تخصص در علم راننده‌گی غیر از اجرای آن است.

علی‌الخصوص در عرصه مدیریت انسانی، مانند نمایندگی مجلس یا ریاست جمهوری، که با اشاره مختلف مردم سروکار دارد، تخصص در یک حیطه خاص چندان کمکی به او نمی‌کند.

البته در هر صنفی علاوه بر توانمندی به مقدار محدودی علم هم در آن عرصه نیز نیاز است. کسی که قصد تجارت دارد باید بازار را بشناسد ولی لازم نیست دکترای تجارت داشته باشد. مدیریک بیمارستان، باید با فضای جامعه پژوهشی و بیمارستان آشنا باشد، اما هیچ ضرورتی ندارد که یک فوق تخصص یا جراح خاص باشد! چون اداره بیمارستان واقعاً از سinx جراحی و پژوهشی نیست؟! تخصص در اداره بیمارستان غیر از تخصص در یک رشته پژوهشی است! تخصص در اداره کارخانه غیر از تخصص در یک فن خاص کارخانه است! تخصص در اداره وزارت نفت، غیر از تخصص در یک بخش خاص از صنعت نفت است.

اصولاً در مورد خود شخص بازگان، او مهندس مکانیک بود. کسی از او سوال نکرد که مکانیک با سیاست چه ارتباطی دارد؟ آیا یک متخصص راهسازی یا یک دکترای حقوق یا یک متخصص در فن فلسفه و ... کدامیک بهتر کشور را اداره می‌کنند. فارغ از نقدهایی که بسیاری به تفکرو مدیریت مرحوم آقای هاشمی وجود دارد، همین قشریه اصطلاح متخصص، همه آقای هاشمی را به عنوان یک سیاست‌مدار و یک مدیر پرجسته در جمهوری اسلامی ایران قبول دارند! درحالی‌که شخصیتی مانند مرحوم هاشمی رادرهیج دانشگاهی درس نخوانده بود و هیچ مدرک دانشگاهی نداشت؟ در حالی‌که نسبت به بسیاری از متخصصان در رشته‌های مختلف دانشگاهی، از حیث اداره سیاسی برتر بود و می‌توانست بهتر کشور را اداره کند. در مدیریت انسانی در سطح کلان، مانند نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری، آنچه مهم است، توانان برقراری ارتباط با مردم و توانایی استفاده حداکثری از این ظرفیت‌هاست. از این‌رو در عرصه سیاست ما با دو مقوله سروکار داریم. سیاست و مدیریت. بسیاری از مدیران کلان کشور، مدیران خوبی هستند، اما سیاست‌مداران خوبی نیستند. به این معنا در عرصه سیاست، و امکان ارتباط با مردم توانایی خوبی در برقراری این ارتباط را ندارند. خوب حرف زدن و خوب با مردم ارتباط برقرار کردن خودش یکی از ارکان سیاست است که لزوماً تأثیر کلیدی بر مدیریت در یک نهاد یا وزارت خانه ندارد. شخصی می‌تواند یک وزارت خانه را اداره کرده و با کارمندان درست تعامل کند، اما نمی‌تواند با مردم عادی درست تعامل و گفتگو کند؟ از این‌رو شاید بتوان بین سیاست‌مدار و مدیر ارشد تفاوت گذاشت؟

فارغ از این بحث تخصصی، در اکثر کشورهای دنیا رؤسای جمهور مدارک بالایی ندارند. امروزه رئیس جمهور ایالات متحده یک تاجر است و نه یک اقتصاد دان و ممکن است سواد بالایی هم نداشته باشد؟ جالب این که نوع رؤسای جمهور آمریکا از حیث مدرک علمی سواد چندانی ندارند، و یک آمریکا شناس، آقای پروفسور مولانا، در بحث انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نکته جالبی نقل می‌کرد که کسی که زیاد اهل تخصص باشد در انتخابات آمریکا شناس چندانی ندارد. زیرا مردم چنین شخصیت علمی را فردی لایق برای دانشگاه می‌دانند تا ریاست جمهوری!

از این‌رو ما مدیر را بر اساس تجربه تشخیص می‌دهیم. در قانون اساسی آمده است نامزد انتخابات ریاست جمهوری باید رجل سیاسی باشد؛ یعنی توان مدیریتی داشته باشد. مثلاً وزیر بوده باشد و یک وزارت خانه را اداره کرده باشد که نشان‌دهنده توانمندی اوست. و بعد از بحث تخصص و توانمندی بحث تعهد مطرح می‌شود که شخص اهل خیانت نباشد بلکه اهل خدمت هم باید باشد. که بحث از آن نیازمند بحثی جداگانه است.



مردم باید توجه داشته باشند، غاینده آنان در مجلس شورا قرار نیست یک مشاور متخصص در یک عرصه خاص برای نظام اجرایی کل کشور باشد، بلکه مدیری است که باید بخشی از نظام اجرایی جامعه آنان را اداره کند. در نتیجه بحث میزان تخصص آنان و استه به بحث میزان تخصص مدیران است.

#### مدیران باید چه مقدار تخصص داشته باشند؟

این بحث یک بحث عام است که فقط در مورد اعضای مجلس شورای اسلامی نیست. بلکه در همه مناصب مدیریتی این بحث وجود دارد. متأسفانه در این عرصه هم هنوز دچار خلط بحث جدی هستیم. از قبل از انقلاب، مرحوم مهندس بازگان با یک اشتباه جدی، دیوار کجی بنادر کرد که بعد از سال‌ها هنوز گرفتار چیزی اندیشی در آن هستیم. ایشان با نگاه پوزیتیویستی و مهندسی به علوم انسانی مدعی شد که شیوه مدیریت کشور باید علمی باشد، به این معنا که باید اهل تخصص مدیران کشور باشند. و مشکل کشور در آن زمان و بعد از انقلاب این بوده است که مدیران مختلف تحصیلات بالای دانشگاهی نداشته و علی‌الخصوص در حیطه فنی متخصص نیستند. و باید کشور را مهندسان، به عنوان متخصصان در علوم جدید، اداره کنند. زیرا علم روز آموخته‌اند و دارای مدیریت علمی هستند. علی‌الخصوص ایشان، به شدت با مدیریت روحانیت و حضور روحانیت در عرصه اداره کشور مخالف بود. و یکی از دلایل اصلی آن هم همین متخصص نبودن روحانیت در اداره کشور می‌دانست. ایشان مدعی بود که سیاست یک امر تخصصی است و افراد غیرمتخصص، مردم عادی غیردانشگاهی، و علی‌الخصوص روحانیت در این عرصه تخصص ندارند. متأسفانه این تفکر به صورت گسترده در میان بخش وسیعی از جامعه بسط پیدا کرده و به عنوان یک گزاره علمی مقبول واقع شده است. مدیریت علمی یعنی مدیریت اهل تخصص و علی‌الخصوص اهل رشته‌های فنی برجامعه.

واضح است که این امر، ناشی از یک خلط بحث جدی است. اصولاً در اینجا یک سوال وجود دارد: آیا یک مدیر باید دکترای مدیریت داشته باشد؟ یا کسی





# الگوی تعامل روحانیت و حکومت

## به بهانه انتخابات مجلس شورای اسلامی

گفت و گو با دکتر عبدالوهاب فراتی  
عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

یا سایر ادله نقلی تکلیف سایر فقهاء، علماء و روحانیان در چنین دولتی را مشخص

نکرده بودند. حتی تمرکز امام <sup>ره</sup> در طرح بحث ولایت فقیه راجع به فقیهی بود که

به حکومت می‌رسید. اما ایشان از نقش سایر فقهاء، علماء و روحانیان و مستولیت

آنان در قبال این حکومت سخنی به میان نیاورده بودند. به همین دلیل بعد از

پیروزی انقلاب که یک فقیه، دولتی مشروع را تشکیل داد این پرسش مطرح شد

که فقها و روحانیان لازم است چگونه رابطه یا تعامل یا سببی را با این حکومت

مشروع برقرار کنند؟

نکته دوم این است که چنانچه بعد از پیروزی انقلاب به یک الگودست پیدا

کرده‌ایم، بیشتر بر اساس ضرورت‌های تاریخی و تجربه مشارکت گروه‌های سیاسی

در حکومت دینی در ایران بوده است. به این معناست که الگوی شکل گرفته

بعد از انقلاب تابع ادله نبود. بلکه تابع یک تجربه تاریخی بود. این مسئله به این

معنی است که امام <sup>ره</sup> قصد نداشتند بعد از انقلاب در ارکان و مناصب حکومتی

ایشان این دولت‌ها را دولت جائز می‌دانستند. به طوری که عقیده مذهبی حاکم تغییری در مفهوم جور

نداشته است. به عنوان مثال حاکم دولت شیعه نمی‌توانست دولت خود را از ذیل مفهوم جور خارج کند.

بنابراین فقهاء بر مبنای فهم از دین رابطه خاصی در برخورد با دولت زمان غیبت را برای خودشان تعریف کرده و

از الگوی رفتاری مدللی در فقه تبعیت می‌کردند. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و برآسانس نظریات درون

فقهی، حضرت امام خمینی <sup>ره</sup> دولتی را در ایران به حکومت رساند و این بحث مطرح شد که وقتی فقیه به

دولت می‌رسد، چگونه دولتی تشکیل می‌شود؟ اینجا حتی کسانی که با نظریه ولایت فقیه مخالف بودند معتقد

بودند که دولت فقیه در عصر غیبت یک دولت شرعی است و کسی این دولت را جائز خطاب نمی‌کرد و یا این که

به دلیل روایات نظیر روایت عمر بن حنظله توanstه خودش را از ذیل مفهوم جور خارج کرده و یک دولت شرعی

را تأسیس کند. بنابراین فرض، دولت فقیه از ذیل مفهوم جور خارج شده و به آن دولت ماذون یا دولت شرعی یا

دولت مشروع گفته می‌شد. به هر حال چنین دولتی در ذیل مفهوم جور قرار نداشت.

▪ بحث الگوی تعامل روحانیت با حکومت اسلامی از موضوعات جدیدی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

مطرح شده است، اما فاقد یک الگوی روش و مستدل ادله درون دینی است، شما این فضا را چگونه ترسیم

می‌کنید؟

▪ تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی دولتی جائز در رویگار عصر غیبت، حکومت می‌کرد و برای فقهاء ما این

مسئله وجود داشت که نسبت و رابطه علمای دینی با حکومت در عصر غیبت به چه صورت باید باشد. در طی

قرن متمادی علماء و فقهاء با این موضوع درگیر بودند و توanstه بودند این الگو را در درون گفت و گوهای فقهی خود

مستند کرده و نظریات متعددی در مورد آن ایجاد شده بود.

به عنوان مثال شیخ انصاری در کتاب المکاسب در پاسخ به این پرسش، دولت‌های عصر غیبت را به سه

دسته تقسیم کرده است:

(الف) دولت جائز موافق (سلطنت‌های شیعی)

(ب) دولت جائز مخالف (دولت‌های اهل سنت)

(ج) دولت جائز کافر که معنای آن روش است.

ایشان این دولت‌ها را دولت جائز می‌دانستند. به طوری که عقیده مذهبی حاکم تغییری در مفهوم جور

نداشته است. به عنوان مثال حاکم دولت شیعه نمی‌توانست دولت خود را از ذیل مفهوم جور خارج کند.

بنابراین فقهاء بر مبنای فهم از دین رابطه خاصی در برخورد با دولت زمان غیبت را برای خودشان تعریف کرده و

از الگوی رفتاری مدللی در فقه تبعیت می‌کردند. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و برآسانس نظریات درون

فقهی، حضرت امام خمینی <sup>ره</sup> دولتی را در ایران به حکومت رساند و این بحث مطرح شد که وقتی فقیه به

دولت می‌رسد، چگونه دولتی تشکیل می‌شود؟ اینجا حتی کسانی که با نظریه ولایت فقیه مخالف بودند معتقد

بودند که دولت فقیه در عصر غیبت یک دولت شرعی است و کسی این دولت را جائز خطاب نمی‌کرد و یا این که

به دلیل روایات نظیر روایت عمر بن حنظله توanstه خودش را از ذیل مفهوم جور خارج کرده و یک دولت شرعی

را تأسیس کند. بنابراین فرض، دولت فقیه از ذیل مفهوم جور خارج شده و به آن دولت ماذون یا دولت شرعی یا

دولت مشروع گفته می‌شد. به هر حال چنین دولتی در ذیل مفهوم جور قرار نداشت.

▪ بنابراین، این سؤال در ذیل این دولت تعریف می‌شود که تکلیف علماء و روحانیان به‌غیر از فقیه حاکم با این

دولت به چه صورت خواهد بود؟

▪ از ادله این چنین بر می‌آمد که یکی از فقهاء جامع الشرایط متولی دولت می‌شود. اما روایت عمر بن حنظله





کشور را برعهده بگیرد و یا این که برخی از مناصب سیاسی و اجتماعی را به عهده بگیرد. البته این که بگوییم دلیلی نداریم به غیر از این است که بگوییم فعلاً نباید شرکت کند.

در اوایل انقلاب شهید مطهری رض معتقد بودند چنانچه دوفروزانی و غیر روحانی و اجد شرایط نامزدی حضور در یک منصب باشند، منصب را باید به شخص غیر معمم و اگذار کنیم. بعد از پیروزی انقلاب یک الگوی تعریف شده ای که مستظره به ادله درون فقهی یا درون دینی باشد نداشتیم و الگویی که بعد از انقلاب شکل گرفت براساس تجارب سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب بود.

#### ▪ با توجه به فرمایشات حضرت عالی آیا قادریم این نسبت و تعامل را قاعده مند و تحت ضابطه ای تعریف کنیم؟

▪ بحثی که بنده قصد طرح آن در کتاب «الگوی تعامل روحانیت و حکومت» را داشتم این بود که آیا قادریم این نسبت و تعامل را قاعده مند و تحت ضابطه ای تعریف کنیم یا این که قادر باشد این نسبت و تعامل را مخصوص است. در پاسخ به این پرسش به تدریج متوجه شدم، لازم است بحث در سه سطح مطرح شود و بحث رابطه و نسبت روحانیت با نظام اسلامی، در ابعاد مختلفی قابل طرح است.

#### الف) نسبت مرجعیت دینی با نهاد ولایت فقیه در جامعه اسلامی

سطح اول، این بود که نسبت مرجعیت دینی با نهاد ولایت فقیه در جامعه اسلامی چگونه تعریف می شود. با توجه به این که بر اساس نظریه نصب در ولایت فقیه همه فقهای جامع الشرایط در عصر غیبت به وصف عنوانی صلاحیت ولایت دارند و از میان آنها فقط یک نفر متولی امور ولایت می شود؛ این سوال مطرح است که بعد از قبول ولایت امر توسط یک مجتهد سایر حوزه های ولایتی، سایر مجتهدین و مراجع در جامعه شیعه چه سرنوشتی پیدا می کنند؟ در اینجا نظریات مختلفی وجود دارد که این نظریات را زیین گفته ها و مبانی و ادلیه فقهها استخراج کردیم. به عنوان مثال برخی از فقهها معتقد بودند که فقیه حاکم در همه حوزه های اجتماعی یا حتی نوعی حق تصرف دارد و همه مردم حتی مراجع قم باید تابع حکم حاکم فقیه باشند. فقیه حاکم آنقدر اقتدار دارد که حتی لازم است شما سهم امام و سهم سادات را به او بدهید و او حق تصرف در این سهمین را دارد. فقهای دیگر ولایتی بیش از آموزش و تعلیم دروس حوزوی ندارند. به همین دلیل بعد از به قدرت رسیدن یک فقیه، سایر فقهها ولایت محدودی دارند و بسیاری از حوزه های اقتداری که در قبل از انقلاب در اختیار آنان بود ازین می روند. برخی نیز معتقد بودند در این حالت تا حدود زیادی حوزه تصرفات یا حوزه قضاوت فقهای باقی میماند. این یک سطح از بحث بود که این نسبت چگونه تعریف می شود. در حال حاضر بسیاری از مراجع یا فقهای قم معتقد اند چنانچه نظریه ولایت فقیه به طور کامل تحقق پیدا کرده و اجرایی شود به طور کلی قلمرو اقتدار آنها محدود می شود و اگر در حال حاضر بسیار نظریه نصب حوزه اقتدار آن با محدودیت جدی مواجه نشده است، به دلیل تواضع و احترامی است که امام خمینی ره با مقام معظم رهبری نسبت به مراجع قم داشته اند و چنانچه بعد از این فقیه دیگری بیاید و رویه دیگری را در پیش بگیرد، حوزه اقتدار بسیاری از مراجع در قم شکسته خواهد شد و شرایط حاضر به دلیل ویژگی های شخصیتی امام ره و با احترام مقام معظم رهبری نسبت به حوزه بوده است. اینجا این سؤال پیش می آید که ما برای ساماندهی این روابط نیاز به چه الگویی داریم که بحثی مفصل است.

#### ب) رابطه سازمان سیاست با حوزه علمیه و روحانیت

در سطح دوم از این بحث می کنیم که اساساً لازم است رابطه سازمان سیاست که دولت و قوه مجریه هستند با حوزه علمیه و روحانیت به چه صورتی باشد؟ در اینجا ما از منظر قوه مجریه به حوزه علمیه نگاه می کنیم. در این سطح بحث نیز مدل روشی وجود ندارد و تعامل میان سازمان سیاست و روحانیت بر حسب نظریه، فکر و رویه دولت ها در جمهوری اسلامی دچار قبض و بسط شده است. به عنوان مثال آقای سید محمد خاتمی در زمان قبول تصدی پست ریاست جمهوری رویه ای در تعامل با حوزه علمیه داشتند که با رویه آقای احمدی نژاد در زمان ریاست جمهوری ایشان متفاوت بود. علت این تغییرات این بود که هر کدام از آنها مبنای متفاوت داشتند. آقای خاتمی معتقد بودند باید با استفاده از نهادهای مدنی یا نهادهای واسطه وارد این رابطه شد و از نظر ایشان بیوت مراجع اهمیت زیادی داشتند و در تعامل با حوزه به جای ارتباط با بدنه حوزه و روحانیان و طلاق ارتباط خود را با بیوت مراجع مستحکم می کرد این در حالی بود که آقای

# میزان رأی ملت است

این طیف از حوزه با مناصب سیاسی و ساختار قدرت را قاعده‌مند کنیم تا از آسیب‌ها پیش‌گیری کنیم. بنده در این کتاب بیشتر به دنبال پاسخ به همین سؤال بودم. در حالی که بحث‌هایی که در حوزه علمیه مطرح می‌شود بیشتر به سمت شخص ولی فقیه بوده است. در صورتی که نظریه ولایت فقیه نیازمند پرداختن به بعد دوم نیز هست. یعنی اگر قرار است فقیه راحاکم کند بعد باید پرسید که بقیه باید چه بکنند؟ آیا لازم است حوزه علمیه در ادامه از او حمایت کند یا این‌که خود را کنار بکشد و آیا حوزه تا کجا می‌تواند از دولت حمایت کند و دولت تا کجا می‌تواند مشروعت خود را از حوزه به دست بیاورد؛ این‌ها پرسش‌هایی است که لازم بوده به آن‌ها پرداخته شود. بنده سعی کردم در تصویر جلد کتاب نیز همین موضوع را منعکس کنم.

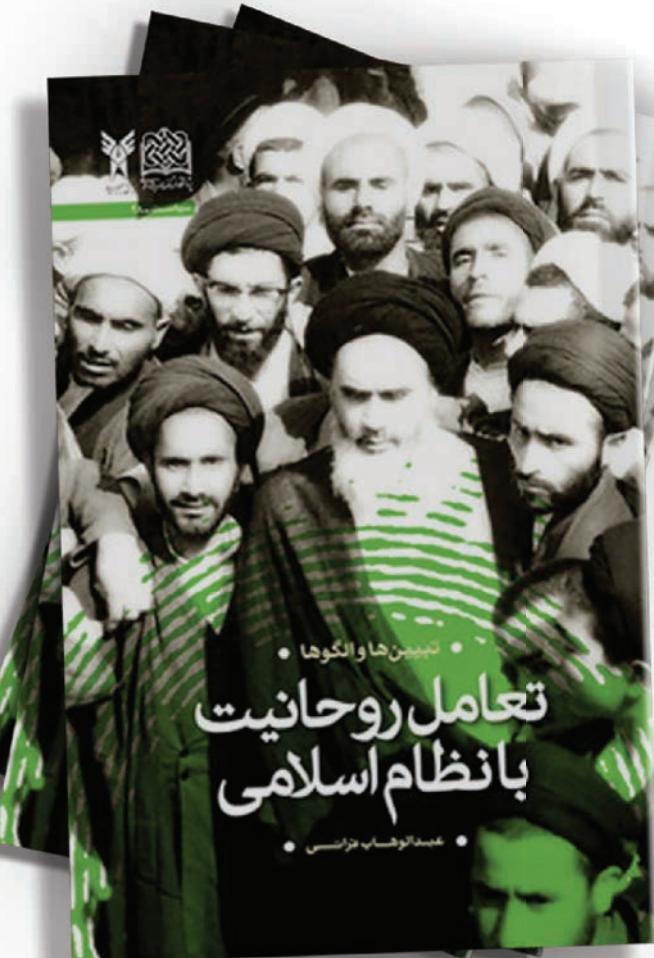
آخرًا دفتر تبلیغات کتابی از بنده را زیر چاپ دارد که در آن کتاب سطح اول را که نسبت مرجعیت دینی با نهاد ولایت فقیه است را در ۲۵۰ صفحه مطرح کرده‌ام و توضیح داده‌ام که بر اساس نظریه ولایت فقیه، رابطه بین ولی فقیه و مراجع به صورت هست یا باید باشد و برای ترمیم رابطه ولی فقیه با سایر مراجع بحث‌هایی مطرح شده است. این بحث وارد الگوها شده و ادلے را بررسی کرده و هم‌چنین گفت‌وگوهای فقهی و جامعه‌شناسی را هم طرح کرده است. به نظر بنده قبل از انعکاس این مسائل در قانون، ابتدا باید مشکل این رابطه را پیدا کنیم. اگر کسی بگوید من به لحاظ فقهی و قانون در این سه یا چهار مورد مسئله را حل می‌کنم؟ اما بحث بنده در این کتاب به این صورت است که بافت مسئله فقهی یا قانونی نیست. مشکل اساسی جمهوری اسلامی در این روابط، یک مشکل سیاسی است و لازم است این مشکل را در حوزه سیاست تعریف و روشن کنیم و از طریق گفت‌وگوهای فقهی قادر به حل این مسئله نخواهیم بود.

الگوهای فقهی این رابطه را خوب توضیح می‌دهند. اما قادر به خوب حل کردن آن نیستند. چراکه بر اساس نظریه‌های فقهی الگوها متنوع می‌شوند. به عنوان مثال شما خدمت یکی از مراجع می‌رسید و الگوهای ایشان که بر اساس نظریات خاصی شکل گرفته است با الگوهای فقیه دیگرداری تفاوت است. به همین دلیل به نتیجه لازم نخواهیم رسید و باید مشکل اساسی رابطه را بیابیم و به خوبی آن را توضیح بدھیم تا به الگویی برسیم که بتواند ناظر به همه نظریات باشد و قادر باشد مطالبات همه افراد را برآورده کند تا بتوانیم این الگو را حقوقی کنیم.

در طول سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کرده‌ایم تا این مشکلات را از طریق گفت‌وگوی فقهی حل کنیم و تا به حال قادر به حل آن‌ها نشده‌ایم. بنابراین این ایده در این کتاب توضیح داده می‌شود که در پی‌مدون راه حل نیز به خط رفته‌ایم. بنابراین لازم است ابتدا به فهمی مشکل این رابطه چیست و به عبارت دیگر باید بدانیم بافت و رابطه این مشکل فقهی یا سیاسی یا جامعه‌شناسی یا حقوقی یا کلامی است. این مباحث در کتاب دوم بحث شده است و آن‌جا توضیح می‌دهم که اساساً بافت مشکل چگونه بافتی است و بعد برای حل آن چه اقدامی باید انجام بدهیم.

در این بحث، این دو مشکل وجود دارد که بافت این موضوع به خوبی شناسایی نشده و دوم این‌که در بروز رفت‌ها نیز به خط رفته‌ایم و بنابراین این مناقشه به صورت داغ در حوزه وجود دارد و در درون حوزه یک مناقشه رسمی شناخته شده وجود دارد که به دلیل ملاحظات اخلاقی در سطح عموم مطرح نمی‌شود. به همین دلیل اگر فقهی به حکومت برسند که رویه ایشان با رویه حضرت امام ره و مقام معظم رهبری فرق داشته باشد و برخی ملاحظات را نکند ممکن است بگویند قصد دارم از اختیارات حقوقی و قانونی خود استفاده کنم و از طرف دیگر چند مرجع باشند که ملاحظات حوزه و نظام را نکنند و به صحنه آمده و انتقاد کنند. اینجا رابطه متشنج خواهد شد و آسیب فراوانی به همراه خواهد داشت. یعنی اگر جای افراد عوض شود و به جای مراجع فعلی و ولی فقیه افراد دیگری حضور پیدا کنند ممکن است مشکلاتی پیش بیاید.

روحانیت یک نهاد می‌باشد و حوزه‌های علمیه یک سازمان است. روحانیت مانند روشن‌فکری است. الان سؤال می‌کنیم تعامل روشن‌فکری با نظام اسلامی به چه صورت است؟ وقتی از روحانیت صحبت می‌کنیم منظورمان از مرجع در رأس هرم تا طلبی داخل حجره است و تمام سطح حوزه علمیه را در بر می‌گیرد. ابتدا مراجع بعد مجتهدین و بعد فضلا و مدرسین حوزه و بعد توده طلاب حضور دارند.



**در کتاب "الگوی تعامل روحانیت و حکومت" رابطه روحانیت با مناصب حکومتی**  
در عصریه قدرت رسیدن ولی فقیه در سه سطح مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت تا بتواند توضیح بدهد  
که اساساً این سه سطح دارای اهمیت هستند و دوم این‌که رویه چهل ساله پیروزی انقلاب  
فائق یک الگوی تعریف شده است:  
**مسئله سوم این‌که این رویه بر حسب ضروریت‌ها و تجربیات تاریخی شکل گرفته**  
و دارای ادله درون مذهبی یا درون فقهی نیست و نکته آخر این‌که برای دور ماندن از  
پیامدهای حضور روحانیت در ساختار قدرت، لازم است الگوها را تعریف کنیم.

دارد؟ به عنوان مثال برخی از روحانیان بدون دارا بودن تجربیات اجرایی یا علمی در مجلس حضور پیدا می‌کنند و حضور برخی از آن‌ها در این منصب، باعث آبرو ریزی است. اگر شما به نمایندگان ادواری قم نگاه کنید، روحانیان مختلفی را می‌بینید که کسی آن‌ها را به عنوان یک شخص فاضل حوزوی نمی‌شناسد. در حالی که انتظار این بود که نمایندگان روحانی قم از مجتهدین حوزوی باشند. عدم تعریف مدل و قاعده در چنین مسائلی موجب بروز مشکلاتی می‌شود.  
بنابراین در کتاب "الگوی تعامل روحانیت و حکومت" رابطه روحانیت با مناصب حکومتی در عصریه قدرت رسیدن ولی فقیه در سه سطح مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت تا بتواند توضیح بدهد که اساساً این سه سطح دارای اهمیت هستند و دوم این‌که رویه چهل ساله پیروزی انقلاب فائق یک الگوی تعریف شده است؛ مسئله سوم این‌که این رویه بر حسب ضروریت‌ها و تجربیات تاریخی شکل گرفته و دارای ادله درون مذهبی یا درون فقهی نیست و نکته آخر این‌که برای دور ماندن از پیامدهای حضور روحانیت در ساختار قدرت، لازم است الگوها را تعریف کنیم.

#### ▪ سخن پایانی؟

▪ آخرین نکته هم این است که در تمام بحث‌های بنده روی سخنم و بحث ناظر به فقیه حاکم نیست؛ چراکه او بر اساس ادله لفظی و غیر لفظی که مستظره به نظریه سیاسی امام ره است دارای الگو نظریه خاص خود است. اما بحث ما راجع به روحانیان و علماء به غیر از فقیه حاکم بوده که لازم است بررسی کنیم تا رابطه

